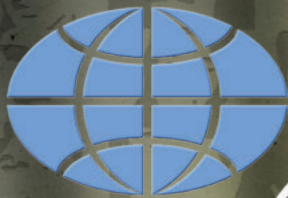


# کیمهان

۳۷۰



KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده  
جمعه ۲۴ تا ۳۰ تیرماه ۱۴۰۱ خورشیدی  
سال سی و نهم - شماره ۱۸۳۶



حکم حبس ابد  
حمیدنوری  
محکومیت  
جمهوری اسلامی  
به جنایت جنگی  
و قتل عمد!





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

KAYHAN LIFE  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/  
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan\_london

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton  
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

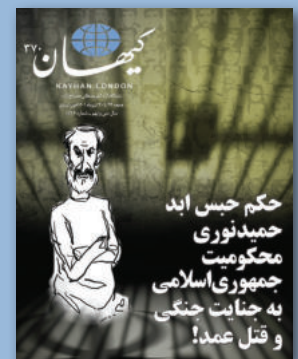
\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۳۶ (۳۷۰)

جمعه ۲۴ تا ۳۰ تیر ماه ۱۴۰۱

۱۵ تا ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲



حکم حسابداری

حمید نوری

محکومیت

جمهوری اسلامی

به جنایت جنگی

و قتل عمد!

مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند  
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی  
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای  
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبایله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،  
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

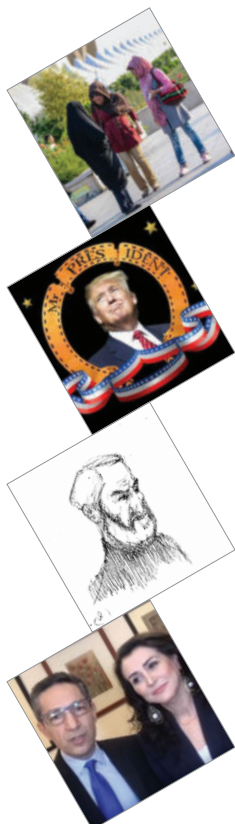
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne  
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

\*\* فهرست مطالب \*\*

- ۳ ..... مقاله - با اهداف متناقض نمی‌توان به مقصد مشترک رسید! / الا‌هه بقراط
- ۳ - ۴ ..... حکم حسابداری حمید نوری... / احمد رأفت
- ۴ - ۵ ..... سناریو «دوران طلایی دهه شصت» کارساز نیست... / روشنگر آسترکی
- ۶ ..... اصلاح انقلابی؛ پروین اعتصامی از ۱۷ دی، کشف حجاب و آزادی زنان... / الا‌هه بقراط
- ۷ - ۸ ..... هراس و تگرانی جمهوری اسلامی از سفر بایدن... / تونی فرنیسیس (بندپندنت عربی)
- ۸ - ۹ ..... تجربه عراق و صدام؟! آنچه شاید در محاسبات علی خامنه‌ای... / ...
- ۱۰ ..... دستگیری‌های «دهه شصتی» برای اجرای تهدید خامنه‌ای علیه مردم... / ...
- ۱۱ ..... کالبدشکافی یک طغیان (۸) ... / احمد احرار
- ۱۲ - ۱۳ ..... تاریخچه و چگونگی پخش پارازیت روی امواج رادیویی و... / مهندس احمد معتمدی
- ۱۳ ..... مقام ایرانی تبار اداره امنیت کلن بر خلاف منع اکید امنیتی به خاطر مرگ پدر... / ...
- ۱۴ ..... نقض قانونی و قهر آمیز آزادی‌های شهروندی توسط حکومت... / فیروز نور دستروم
- ۱۵ ..... طرح‌های احمد بارکی زاده از دادگاه حمید نوری در استکهلم... / احمد بارکی زاده
- ۱۶ - ۱۷ ..... توافق هسته‌ای و دیدگاه‌های کیسینجر؛ سازش با تروریسم و خطر اتمی... / ...
- ۱۷ ..... وال استریت ژورنال: بایدن در سفری پر مخاطره به خاور میانه برای تقویت... / ...
- ۱۸ ..... راه اندازی سامانه عجیب و غریب خبر چینی درباره «عدم باور مندی» کادر... / ...
- ۱۹ ..... دو تگرانی عمده جمهوری اسلامی با شکست مذاکرات اتمی... / ...
- ۲۰ - ۲۲ ..... پدیدارشناسی سیاسی ترامپ گرایی... / محمود مسانلی
- ۲۲ - ۲۳ ..... پیام پهبادهای انتحاری؛ چرا برای پوتین کشاندن پای جمهوری... / ...
- ۲۴ - ۲۵ ..... درباره شعر مشروطیت ایران (۲)... / محمد جلالی چیمه (م. سحر)
- ۲۵ ..... در گفتگو با حمیده آرمیده و سیامک دهقانپور... / ...
- ۲۶ - ۲۷ ..... «طرح B» بایدن چه خواهد بود؟ بدون جمهوری اسلامی، احیای خط لوله... / ...
- ۲۸ ..... پشت جلد - عکس هفته





همبستگی ملی و اتحاد ملی به معنی اتحاد گروه‌ها و احزاب سیاسی و چند فرد با عقاید و گروه‌های متفاوت و همچنین متناقض نیست.

تلاش‌های ناکام پی در پی در خارج کشور با انواع و اقسام نام‌هایی که تلاش می‌کنند بیانگر «همبستگی» و «اتحاد» باشند، می‌بایست تا کنون این موضوع را ثابت کرده باشد. تلاش‌هایی که عمدتاً یا متشکل از چند ده فرد است که در این تشکل‌ها به اسامی مختلف حضور دارند و یا جمعی از افراد که با اهداف متناقض دور هم جمع می‌شوند و عین فعل و انفعالات شیمایی و بیولوژیک با نخستین اختلافات از هم می‌پاشند و یکدیگر را دفع می‌کنند!

اتفاقاً ایرانیان در این زمینه تجارب قابل اتکا در تاریخ معاصر خود دارند. مهم‌ترین تجربه را در انقلاب مشروطه می‌توان یافت هنگامی که مشخص شد برخی دکانداران دین نه تنها از مشروطه همان مشروعه را می‌فهمند بلکه اصرار دارند که مشروطه می‌بایست مشروعه باشد. این جمله منتسب به شیخ عبدالله مازندرانی در همین ارتباط است: این گاو مجسم! مشروطه مشروعه نمی‌شود!

تجربه بعدی انقلاب اسلامی ۵۷ است که شعار فریبکارانه «همه با هم» موفق شد گروه‌های نامتجانس سیاسی-عقیدتی را زیر عیای خمینی گرد آورد.

پس از آن در پروژه اصلاحات نیز همین تکرار شد: بسیاری به ظن اهداف خود از جمله در میان نسل‌های جوان زیر پرچم اصلاحات رفتند و آنچه را بعدها در انقلاب ۵۷ مورد انتقاد قرار دادند، خود با اصلاحات ۷۲ تکرار کردند!

نمونه دیگر، برجام است! جمهوری اسلامی و غربی‌ها با اهداف متناقض به مذاکره می‌پردازند و به جایی نمی‌رسند. ممکن است برخی شاد و راضی شوند از اینکه بتوانند متفاوت‌ترین افراد و گروه‌های عقیدتی را گرد هم آورند! گذشته از اینکه با توجه به ناکامی‌ها و نتایج منفی چرا باید به دنبال چنین کاری بود، باید دید «همه با هم» افراد و گروه‌هایی با اهداف متفاوت و گاه متناقض چه سودی برای اعتراضات مردم در ایران دارد؟! قرار است چه نقشی را ناگهان بازی کنند که تا کنون هیچکدام نتوانسته‌اند؟! واقعیت اینست که جنبش اعتراضی و آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی یک روند ناگزیر را طی کرده است. هیچ پدیده‌ای، چه در طبیعت و چه در اجتماع، ناگهانی و جدا از حلقه‌هایی که آن را به گذشته و آینده‌اش وصل می‌کند، روی نمی‌دهد. از جمله انقلاب مشروطه یا ۵۷ و یا آنچه امروز در ایران جریان دارد. این روند یک عنصر شاخص و یک تجربه و خاطره جمعی مثبت دارد: پنجاه سال پهلوی!

از آنجا که این پدیده نه یک موضوع فردی و ارادی بلکه یک روند طبیعی اجتماعی است، حتی اگر هیچکدام از اعضای این خاندان هم دیگر در جهان نباشند، باز هم جامعه ایران که از «اصل خویش» دور مانده «بازجویید روزگار وصل خویش»! این «اصل» چیزی جز «وصل» به پنجاه سال پهلوی که حاصل انقلاب مشروطه بود نیست. «روزگار»ی که آن را به تاریخ ایران و نه اسلام و جمهوری اسلامی پیوند می‌زند و نه با اتحاد احزاب و گروه‌های سیاسی-عقیدتی بلکه با همبستگی ملی به سرانجام می‌رسد. بسیج جمهوری اسلامی علیه این همبستگی است!

## حکم حبس ابد حمید نوری محکومیت جمهوری اسلامی به جنایت جنگی و قتل عمد!



● بازداشت حمید نوری مقامات جمهوری اسلامی را واداشت سکوت خود را در مورد جنایات دهه شصت بشکنند و اگرچه در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی اما به هر حال به اعدام‌های گروهی اعتراف کنند. جنایتی که خود حمید نوری نیز به نوعی در دادگاه در دفاع از نظام به آن اعتراف کرد!

بالاخره دادگاه استکهلم پس از ۹۲ جلسه و شنیدن سخنان ۶۰ شاهد و شاکی و بیش از ده کارشناس حقوقی ایرانی و بین‌المللی و البته وکلای مدافع طرفین پرونده، حکم خود را صادر کرد: حمید نوری، دادیار زندان گوهردشت در تابستان خونین ۶۷ به اتهام «جنایت جنگی» و «قتل عمد» به حبس ابد محکوم شد.

حمید نوری در تابستان ۶۷ با نام حمید عباسی برای بسیاری از زندانیان گوهردشت چهره آشنایی بود. او زبردست قاضی محمد مقبسه‌ای امروز که آن زمان با نام «ناصریان» شهرت داشت عمل می‌کرد و هر دو مجری تصمیمات «هیئت مرگ» بودند که یکی از اعضای آن، ابراهیم رئیسی، امروز بر مسند ریاست جمهوری اسلامی تکیه زده است.

### در یک دادگاه معتبر و عادلانه

قضات دادگاه استکهلم که دادگاهی قانونی و منصف و معتبر و عادلانه است گفته می‌شود ۴۰۰ صفحه برای توضیح و توجیه این رأی نوشته شده که حاصل چندین هفته گفتگو بر سر هر کدام از اتهامات و بررسی ادله‌های ارائه شده از سوی دادستانی و وکلای مدافع دو طرف است. بنا برآنچه وکیلان مدافع یکی از شاکیان به کیهان لندن گفت، هیات قضات حتی شهادت چند تن از کسانی را که در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت بودند به دلیل تناقضاتی نادیده گرفته است.

این حکم که در نوع خود بی‌نظیر است، صفحه جدیدی را در تاریخ دادخواهی قربانیان بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی می‌گشاید و شاید بتوان از آن به عنوان اولین پیروزی قانونی جنبش دادخواهی ایرانیان نام برد. واقعیتی که همه ایرانی‌های مخالف جمهوری اسلامی به آن اذعان دارند. پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ زمانی که از داخل ساختمان دادگاه استکهلم خبر رسید که حکم حبس ابد برای حمید نوری صادر شده است، چند صد ایرانی که از اولین ساعات صبح در مقابل این ساختمان تجمع کرده بودند به اشکال مختلف واکنش نشان دادند: برخی از شعف فریاد می‌زدند و برخی از خوشحالی و شاید هم به یاد عزیزان خود که در آن تابستان خونین و در سال‌های قبل و بعد آن توسط نظام جنایتکار به قتل رسیدند، اشک می‌ریختند.

در بیرون دادگاه یک جغرافیای سیاسی، قومی و مذهبی از ایرانیان حضور داشت. همگی شهروندانی که در آن لحظات انتظار و شادمانی پس از آن یکدیگر را در غم و شادی شریک می‌دیدند. شاید این همگرایی و همبستگی اولین درس مهم این دادگاه تاریخی باشد. البته محاکمه حمید نوری و رای دادگاه استکهلم درس‌ها و دستاوردهای بسیاری دارد. قضات دادگاه استکهلم نشان دادند که مستقل از دولت عمل می‌کنند و با وجود فشارهای پنهان و آشکار قوه مجریه و تنها با اتکاء به قانون، شواهد و مدارک حکمی را صادر کردند که بدون شک برای دولت‌شان دردسرساز خواهد بود.

### جنایت بدون عقوبت وجود ندارد

هنوز لحظاتی از اعلام حکم نگذشته بود که جمهوری اسلامی زبان به تهدید گشود. کاردار سفارت سوئد در تهران به وزارت خارجه احضار شد و در آنجا رئیس «اداره سوم غرب اروپا» گفت «دولت سوئد مسئول پیامدهای این حکم بر روابط دو کشور خواهد بود.» همین سخنان را سخنگوی جدید وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز بیان کرد و حکم حبس ابد برای حمید نوری را «از اساس مردود، مخدوش و غیرقابل توجیه» خواند البته بدون اینکه ۴۰۰ صفحه «توجیه» حقوقی این حکم را خوانده باشد!

یکی از درس‌های مهم این حکم اعلام پایان جنایت بدون عقوبت است. دیر یا زود، چه در خارج و چه در ایران، جنبش دادخواهی تمام کسانی را که دست‌شان آلوده به خون مردم است در جایگاه متهم قرار خواهد داد و آنها را در دادگاه‌های قانونی و عادلانه پاسخگو خواهد نمود. سازمان عفوبین‌الملل در بیانیه‌ای که بلافاصله پس از اعلام این حکم منتشر ساخت، آنرا «گامی بی‌سابقه و تاریخی در مسیر تحقق عدالت در حق بازماندگان و خانواده‌های قربانیان این اعدام‌ها» خواند. دیانا الطحاوی مسئول بخش خاورمیانه این نهاد حقوق بشری بین‌المللی در همین رابطه گفت این حکم «پیمای صریح، اگرچه دیرهنگام به مرتکبین جنایت علیه بشریت (در جمهوری اسلامی) است که: نمی‌توانند از عدالت بگریزند.» گفتنی است که سازمان عفو بین‌الملل شمار زانیان سیاسی اعدام شده در تابستان ۶۷ را دست‌کم ۴۴۸۲ نفر تخمین می‌زند.



→ اهمیت دیگر این حکم در این است که می‌تواند تقاضای ۱۵۰ حقوقدان و کارشناس حقوق بشر بین‌المللی را که در نامه‌ای خطاب به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تقاضای آغاز تحقیقات بین‌المللی درباره کشتار تابستان ۶۷ و نقش ابراهیم رئیسی در آن دوران کرده بودند و تا کنون بی‌نتیجه مانده، به جریان بیاورد. از همه مهم‌تر اینکه حکم حمید نوری دروازه‌های کشورهای غربی و دموکراتیک را به روی کسانی که در جنایات چهاردهم گذشته دست داشتند خواهد بست. دیگر کشورها بر مبنای این حکم از نظر قانونی و اخلاقی خود را موظف خواهند دید از سفر کسانی که در هر شکلی در سرکوب و جنایت دست داشته‌اند جلوگیری کنند. صرف نظر از اینکه از یکسو خود این کشورها مایل نیستند درگیر پیامدهای سیاسی چنین دادخواهی‌هایی شوند و از سوی دیگر خود جنایتکاران جمهوری اسلامی نیز از این پس نمی‌توانند با

واداشت سکوت خود را در مورد جنایات تابستان ۶۷ و دهه ۶۰ بشکنند و اگرچه در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی اما به هر حال به اعدام‌های گروهی اعتراف کنند. چیزی که خود حمید نوری نیز به نوعی در دادگاه در دفاع از نظام به آن اعتراف کرد!

سال‌ها مقامات جمهوری اسلامی در مورد اعدام زندانیان سیاسی در دهه شصت و به ویژه در تابستان ۶۷ سکوت کرده بودند و حتی منکر آن می‌شدند. ابراهیم رئیسی در جریان کارزار انتخاباتی سال ۱۴۰۰ ضمن پذیرفتن نقشی که در «هیئت مرگ» داشته خواهان «تقدیر و تشویق» برای ارتکاب این جنایت شد! حسینعلی رازینی در گفتگویی با «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» که اتفاقاً زیر نظر مصطفی پورمحمدی، یکی دیگر از اعضای «هیئت مرگ» اداره می‌شود، در پاسخ به پرسشی در رابطه با اعدام‌های سال ۶۷ می‌گوید: «آن برهه شرایط ویژه‌ای

## سناریو «دوران طلایی دهه شصت» کارساز نیست

● پس از باختن اصلاح‌طلبان حتی به آرای باطله در انتخابات فایضی ۱۴۰۰، علی خامنه‌ای با فراخواندن همین کارگزاران امنیتی دهه شصت به دنبال صف‌آرایی جدید در برابر مردم است.

تشدید نارضایتی‌های عمومی از جمهوری اسلامی سبب شده رهبر جمهوری اسلامی «خدای دهه شصت» را به کارگزاران جمهوری اسلامی یادآوری کند تا برای بستن فضای سیاسی و اجتماعی دست به کار شده و آخرین تلاش‌ها برای نجات کشتی در حال غرق شدن را به کار بگیرند. بازداشت‌های گسترده فعالان صنفی، مدنی و دادخواهان نمونه‌ای از احضار روح سپاه دهه شصت است. در مقابل اما فشار و سرکوب و فلاکتی که جمهوری اسلامی طی ۴۳ سال به مردم ایران تحمیل کرده حالا به مپب اجتماعی تبدیل شده که هر لحظه ممکن است انفجار شود.

بیش از ۱۰ تن از اعضای خانواده‌های دادخواه آبان‌۹۸ طی روزهای گذشته در عملیات سازمانیافته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلوم منتقل شدند. جعفر پناهی، محمد رسول‌اف و مصطفی آل احمد سه سینماگر و فعال مدنی نیز در همین روزها بازداشت شده‌اند.

از اردیبهشت امسال وزارت اطلاعات سناریوی امنیتی را علیه فعالان صنفی به اجرا درآورده و بیش از ۱۵ تن از فعالان صنفی آموزگار و کارگر را به زندان انداخته است. احضارها و پرونده‌سازی قضایی برای فعالان صنفی آموزگار و کارگر همچنان ادامه دارد. طی سال‌های گذشته اعتراضات صنفی به یکی از مهمترین میدان‌های رویارویی مردم با جمهوری اسلامی تبدیل شده. اعتراضات کشاورزان در زمستان ۹۶ با شعار مهم «پشت به دشمن، رو به میهن» در نماز جمعه اصفهان، فصل تازه‌ای در اعتراضات صنفی گشود. بروز بی‌پرده و بی‌هراس نظر و احساس واقعی مردم در اعتراضات صنفی تا امروز در شعارهای دیگری از جمله «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم»، «رضاشاه روحت شاد»، «فتنه ۵۷ باعث فقر ملت» نیز تبلور پیدا کرده است. در مقابل نیز جمهوری اسلامی «سرکوب مسلحانه» را علیه مردم عادی که در قالب فعالیت صنفی، حقوق قانونی خود را می‌خواهند در دستور کار قرار داده بدون آنکه بتواند معترضان را به عقب‌نشینی بترساند.

در این میان، هرچند برخی تحلیلگران اصلاح‌طلب یا «حامیان خجالتی» نظام در خارج کشور می‌گویند «هر دو طرف» یعنی مردم و نظام طی سال‌های گذشته «رادیکال‌تر» شده‌اند اما واقعیت اینست که جمهوری اسلامی به محض روی کار آمدن سرکوب مسلحانه را همراه با زندان و اعدام به عنوان «روش عادی» برای حفظ خود به کار گرفت. در حالی که خواست‌های حقوقی مردم همان است که همیشه بوده و خشم و انزجارشان از این «دشمن داخلی» را هرچه می‌توان نامید جز «رادیکال»!

جمهوری اسلامی در هیئت واقعی خود ظاهر می‌شود!

← علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هفتم تیرماه



تصویری از حضور بازماندگان اعدامیان دفن شده در گورستان خاوران

بود. وضع مملکت بحرانی بود. یعنی اگر قاطعیت امام نبود شاید ما اصلاً این امنیت را نداشتیم. شاید اصلاً وضعیت طور دیگری بود. شاید اصلاً نظام نمی‌ماند... در این شرایط که می‌شود با قربانت بروم و فدایت بشوم کشور را اداره کرد!

از همه این اعترافات مهم‌تر اما سخنان اخیر علی خامنه‌ای است. رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی با لحنی تهدیدآمیز گفته است «ما در سال ۶۰ در مقابل اینهمه حادثه و شدت عمل توانستیم روی پای خودمان بایستیم و دشمن را ناامید کنیم، امروز هم می‌توانیم؛ خدای سال ۶۰، همان خدای امسال است.» اطلاعی در مورد «خدای سال ۶۰» در دست نیست، ولی بطور یقین جوانان معترضی که از سال ۹۶ با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه همومه ماجرا» و «فتنه ۵۷ باعث فقر ملت» به خیابان‌ها می‌آیند، دهه شصتی نیستند! آنهم در حالی که حکومت غرق در فساد منزوی‌تر از همیشه است و یکی از جنایتکارانش به نمایندگی از جمهوری اسلامی در یک دادگاه معتبر به جرم جنایت جنگی و قتل عمد در دهه شصت به حبس ابد محکوم شده است.

احمد رأفت

خیال راحت و بدون نگرانی از دستگیری به کشورهای غربی سفر کنند.

اگر ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس دولت از مصونیتی برخوردار است که می‌توان حکم بازداشت او را تا زمانی که دوران ریاست جمهوری‌اش به پایان نرسیده صادر کرد، ولی بعید به نظر می‌رسد دولت کشوری که خود را دموکراتیک و مقید به قانون و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌داند، از او برای سفر دعوت به عمل آورد. اگر بنا بر اصول حقوقی در دادگاه استکهلم تنها عملکرد حمید نوری در دستور بررسی قضات قرار داشت، ولی در چندین مورد مطرح شد که دادیار زندان گوهردشت در تابستان ۶۷ زیر نظر مستقیم ابراهیم رئیسی عمل می‌کرده است که در آنها سال‌ها همراه با حسینعلی نیری، علیرضا آوائی و مصطفی پورمحمدی هیئت مرگی را تشکیل می‌دادند که با فرمانی به امضای روح‌الله خمینی برای کشتار زندانیان تشکیل شده بود.

شکستن سکوت و اعتراف به جنایت

بازداشت حمید نوری در ۱۸ آبان ۱۳۹۸ اعضای «هیئت مرگ» و بسیاری دیگر از مقامات جمهوری اسلامی را



→ در سخنانی تهدیدآمیز به شباهت فضای دهه شصت با فضای کنونی اشاره کرد و گفت: «علت سرپلندی و پیروزی حیرت‌آور ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در برابر حوادث سال ۱۳۶۰ نهراسیدن از دشمنان بود. این سنت در همه دوران‌ها قابل تکرار است و باید بدانیم خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است!» او همچنین گفت «در مقابل همه آن حوادث، در رأس همه امام هم چون کوه دماوند سر بلند ایستاد و مستولان دلسوز و مردم و جوانان انقلابی نیز ایستادند و توانستند شرایط کشور را صد و هشتاد درجه تغییر دهند. اینطور بود که ناکامی‌های پی در پی به پیروزی‌های پی در پی تبدیل شد!» در تأیید سرکوب مسلحانه و وحشیانه‌ی مردم مخالف و معترض، حسینعلی نیری رئیس دادگاه انتظامی قضات و از اعضای «هیئت مرگ» در دهه شصت نیز پس از سخنان علی خامنه‌ای در گفتگویی با دفاع از اعدام‌های پس از انقلاب ۵۷ و دهه شصت گفت که در شرایط پس از انقلاب نمی‌شد با «قرابت بروم و فدایت بشوم» کشور را اداره کرد. و گفت: «در این شرایط بحرانی باید چه کرد؟ باید حکم قاطعی داد! آنکه دادگاه را اداره می‌کند و مسائل در دستش است، باید مسئله را جمع کند!»

سخنان علی خامنه‌ای و حسینعلی نیری، در کنار عملکرد نهادهای امنیتی و قضایی طی هفته‌های گذشته نشان می‌دهد که رهبر جمهوری اسلامی و مقامات وضعیت نظام را بحرانی ارزیابی کرده و معتقدند که برای نجات آن باید مانند «دهه شصت» قلع و قمع کرد تا «مسئله جمع شود!» غافل از آنکه اگر آن موقع حکومت با چند گروه مخالف و هواداران آنان روبرو بود، امروز با میلیون‌ها جمعیت ایران طرف است که بخشی از بدنه خودش نیز جزو آنست!

#### اصلاح‌طلبان، معماران سرکوب و حفاظت از نظام

نکته‌ای که می‌بایست بر آن تأکید کرد این است که ساختار امنیتی جمهوری اسلامی توسط اصلاح‌طلبان امروزی بنا شده است! این جریان به شدت امنیتی نه تنها در سال‌های نخست پس از انقلاب در تثبیت جمهوری اسلامی نقش داشت بلکه در ساختار قدرت تا امروز نیز بازوی فعال و به قول خامنه‌ای یکی از «دو بال نظام» هستند. پس از انقلاب ۵۷ هفت گروه تروریستی با هم متحد شدند و «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» را تشکیل دادند. اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از محسن رضایی تا مرتضی الویری نقش اصلی در حوزه نظامی-امنیتی رژیم

بازی می‌کردند و ساختار امنیتی و سرکوبگرانه‌ی «رادیکال» نظام را پی ریختند. برای نمونه مرتضی الویری که پیش از انقلاب از همکاران سازمان مجاهدین خلق و موسس گروه تروریستی اسلامگرای «فلاح» بود پس از انقلاب عضو شورای فرماندهی کمیته موقت انقلاب شد. مرتضی الویری، محمد کاظم پیرو رضوی را که از اعضای فلاح بود به «رکن دو» ارتش برد. مسعود کشمیری که بعدها به عنوان نفوذی مجاهدین خلق و عامل انفجار دفتر نخست وزیری معرفی شد، به همراه حبیب‌الله داداشی از اعضای سابق مجاهدین خلق و سپس گروه مهدیون، و سعید حجاریان نیز به عنوان مسئولین اداره دوم نیروی هوایی و نیروی زمینی و نیروی دریایی ارتش منصوب شدند.

در نخستین سال‌های پس از انقلاب با شدت گرفتن ترورهایی که کماکان روشن نشده چه گروه و جریانی و یا افرادی پشت آن بودند و گروه‌های رقیب درون جمهوری اسلامی یکدیگر را به دست داشتن در آنها متهم می‌کنند، همین حلقه امنیتی تأسیس وزارت اطلاعات را پیش برد. سعید حجاریان در اینباره گفته «با توجه به تجربیاتی که کسب کرده بودیم و وضعیت عمومی امنیت در کشور با کمک بچه‌های کمیته ستاد مشترک و دفتر اطلاعات نخست وزیری طرحی را تدوین کردیم و توسط آقای الویری در مجلس اول ۱۶ امضا برایش جمع کردیم و به هیئت رئیسه ارائه شد. درهمه این مدت چه زمان پیشنهاد و چه زمان بررسی و دفاع از طرح، من به عنوان نماینده دولت حضور داشتم.» نکته جالب اینجاست که بر اساس اسناد منتشر شده حتی روح‌الله خمینی نیز با طرح وزارت اطلاعات مخالف بود اما حجاریان از طریق احمد خمینی توانست طرح خود را پیش ببرد. پس از تصویب و تأسیس وزارت اطلاعات، سعید حجاریان با نام مستعار «سعید مظفری» نقش اساسی در طراحی و سازماندهی وزارت اطلاعات به عهده داشت و از معاونان محمد محمدی ریشه‌ری اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی بود.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که نقش اصلی در ساختار امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایفا می‌کرد، بعدها به دو شاخه تقسیم شد. شاخه راست یا فقهاتی بعدها به اصولگرا معروف شدند و برخی از آنان مانند حسین نجات در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش کلیدی به عهده گرفتند. شاخه به اصطلاح چپ به تدریج کوشید حضور خود در قدرت را به کمک چانه زنی از پایین بازسازی کند. سعید حجاریان بعدها در دوره رفسنجانی به مرکز

مطالعات استراتژیک رفت تا با سید محمد موسوی خویینی‌ها همکاری کند. اما سابقه امنیتی اصلاح‌طلبان آنقدر پررنگ است که غلامحسین کرباسچی نیز در مناظره با مصطفی تاجزاده، آنها را «حزب امنیتی» در برابر «حزب پادگانی» نامید.

علاوه بر سعید حجاریان و مرتضی الویری که در ساختار امنیتی جمهوری اسلامی در دهه شصت و بعدها در دولت محمد خاتمی و حتی حسن روحانی نقش مهمی داشتند، بسیاری از افراد مهم اصلاحات نیز از مقامات رسمی امنیتی و همان بازجوهایی دهه شصت هستند از جمله محسن آرمن، محسن امین‌زاده، علیرضا علوی‌تبار، فیض‌الله عرب‌سرخی. فیض‌الله عرب سرخی جدا از کار اطلاعاتی و امنیتی به ویژه پس از ترور مطهری و در ارتباط با پرونده گروه فرقان، مسئول گزینش در واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم بود.

اینهمه نشان می‌دهد گروه‌های تروریستی سال ۵۷ در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله شاخه چپ این سازمان، معماران سناریوهای امنیتی مختلف برای حفاظت از نظام بوده‌اند و سخنگویان و چهره‌های شاخص اصلاحات نیز از سناریوپردازان اصلی امنیتی جمهوری اسلامی هستند. در حالی که پروژه اصلاحات توانست دو دهه بخشی از جامعه را معطل نظام نگه دارد تا رأی مشروعیت به صندوق جمهوری اسلامی بریزند، حالا دیگر نخبه‌ها شده و حنایش رنگی ندارد. پس از اعتراضات مهم دی ۹۶ و شعار معروف «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» و سپس باخت سه درصدی اصلاح‌طلبان به آرای باطله در انتخابات نمایشی ۱۴۰۰، شکست اصلاح‌طلبان قطعی شد. با اینهمه علی خامنه‌ای با فراخواندن این امنیتی‌های باسابقه که نظام حفظ خود را با سرکوب وحشیانه مدیون آنهاست، به دنبال یک صف آرای جدید در برابر مردم است.

رهبر جمهوری اسلامی می‌خواهد این سرکوبگران کارکننده در نقش اصلاح‌طلبی به کمک اصولگرایان به عنوان «بال» دیگر نظام برخاسته و بار دیگر جمهوری اسلامی را نجات دهند. این در حالیست که اگرچه نظام و امنیتی‌هایش همان هستند که در دهه شصت بودند اما مردمی دیگر را در برابر خود دارند. مردمی که بارها حتی با گذشتن از جان خود اعلام کرده‌اند این رژیم را نمی‌خواهند. «دو بال نظام» با سرکوب چنین مردمی فقط پرونده جنایات خود را سنگین‌تر می‌کنند.



بازنشر

# اصلاح انقلابی؛ پروین اعتصامی از ۱۷ دی، کشف حجاب و آزادی زنان می‌گوید: مهر رخشان را نشاید گفت که نورانی نبود!



پروین اعتصامی و محمدرضا شاه پهلوی (ولیعهد)، کتابخانه دانشسرای عالی ۱۳۱۶

در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود  
از برای زن به میدان فراخ زندگی  
سرنوشت و قسمتی جز تنگ‌میدانی نبود  
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند  
این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود  
زن کجا بافنده می‌شد، بی نخ و دوک هنر  
خرمن و حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود  
میوه‌های دکه‌ی دانش فراوان بود، لیک  
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود  
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان  
در گلستان نام ازین مرغ گلستانی نبود  
بهر زن تقلید تپه فتنه و چاه بلاست  
زیرک آن زن، کو رهش این راه ظلمانی نبود  
آب و رنگ از علم می‌بایست، شرط برتری  
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود  
جلوه‌ی صد پریشان، چون یک قیای ساده نیست  
عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود  
ارزش پوشانده کفش و جامه را ارزنده کرد  
قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود  
سادگی و پاک‌ی و پرهیز یک یک گوهرند  
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود  
از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن  
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود  
عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس  
جامه‌ی حجب و حیا بهتر ز عریانی نبود  
زن، سبکساری نبیند تا گرانسنگ است و بس  
پاک را آسبیبی از آلوده‌دامانی نبود  
زن چون گنجور است و عفت گنج و حرص و آز دزد  
وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود  
اهرمن بر سفره‌ی تقوی می‌شد میهمان  
زانکه می‌دانست کآنجا جای مهمانی نبود  
پا به راه راست باید داشت، کاندرا راه کج  
توشه‌ای و رهنوردی، جز پشیمانی نبود  
چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف  
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود  
خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار  
ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود  
شه‌می‌شد گردد این گمگشته کشتی ناخدا  
ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود  
باید این انوار را پروین به چشم عقل دید  
مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

مانند قره‌العین و همه زنانی که برای آموزش و پرورش زنان  
و تأسیس مدارس دخترانه تلاش می‌کردند بازتاب می‌یافت.  
زنانی که چادر و چاقچور و روبنده را درست مانند ایرج  
میرزا مانعی در راه رشد نیمی از جامعه می‌دانستند و  
رضاشاه نیز کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی  
آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک  
«انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند!  
کشف حجاب یک اقدام و اصلاح انقلابی در یک جامعه  
سنتی و به شدت خرافی و مذهبی بود که از استبداد  
قاجاری و مناسبات ارباب و رعیتی به ارث مانده بود. زنان  
آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴  
آماده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند  
که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمادگی  
خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر  
اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸  
مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را  
«ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز، حتا  
تا به امروز، به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط  
با این تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از  
«بالا» تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین»  
ارتقاء تفکر یافته‌اند!

در این میان در برابر همه تحریفاتی که صورت می‌گیرد و  
همه توجیهات علیل که متأسفانه از سوی برخی زنان نیز  
علیه تاریخ و به در آمدن زنان از زیر حجاب سیاه انجام  
می‌شود، چه شاهی گویند از زبان شاعرانه‌ی زنی آگاه  
درباره کشف حجاب، که خود در همان دوران بسر می‌برد  
و از نزدیک با مسئله حجاب و موقعیت زنان در آن تاریخ  
درگیر بود: پروین اعتصامی...

(در ستایش ۱۷ دی ۱۳۱۶ روز آزادی زنان ایران از قید حجاب  
و چادر و چاقچور)  
زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود  
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود  
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت  
زن چه بود آن روزها، گر زآنکه زندانی نبود  
کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد  
کس چو زن در معبد سالوس، قربانی نبود  
در عدالتخانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت  
در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود  
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب  
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود  
بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک

● برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب  
در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن  
ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش  
و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران  
قاجار به حرکت در آمده بود و رضاشاه کاری جز همراهی  
با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که  
جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن  
بی‌اعتنایی می‌کند!

● زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در  
سال ۱۳۱۴ آماده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و  
مذهبی بودند که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب  
۵۷ آمادگی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده  
و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند  
۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند  
و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد  
نیز به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط با این  
تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از «بالا»  
تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء  
تفکر یافته‌اند!

الاهه بقراط - درباره «کشف حجاب» سخن بسیار رفته  
است. و البته هیچ تحریفگر سازمانیافته‌ای به ویژه درباره  
تاریخ معاصر ایران به اندازه دم و دستگاه عریض و  
طویل جمهوری اسلامی فعال نبوده که با تحریف تاریخ  
و دروغ‌پردازی، از چند سال پیش، «۲۱ تیر» را نیز به  
مناسبت غائله ارتجاعی مشهد و مسجد گوهرشاد به تحریک  
آخوند‌های مرتجع علیه کشف حجاب در سال ۱۳۱۴،  
به عنوان «روز عفاف و حجاب» نامگذاری کرده تا بیشتر  
مأموران خود را برای مردم‌آزاری و مزاحمت علیه زنان راهی  
خیابان‌ها و اماکن عمومی کند.

تحریفی که گاه با پای چوبین استدلال برخی «روشنفکران»  
و سیاسیون نیز همگام شده. مانند این «استدلال»: «کشف  
حجاب» از «بالا» بود! تو گویی اساسا هیچ اصلاحی از  
«پایین» هم امکان‌پذیر است! «پایین» فقط می‌تواند انقلاب  
بکند که کرد تا این بار نه تأمین حقوق زنان بلکه زیر پا  
نهادهن آن و «تحمیل حجاب» از «بالا» انجام شود! با این  
تفاوت که برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان  
حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن  
زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش  
و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران  
قاجار به حرکت در آمده بود و در خود دربار با زنانی چون  
تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه و در جامعه با چهره‌هایی

و معامله اتمی با آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تلاش می‌کند. حکومت‌های ایران و روسیه منافع مشترکی در رویارویی با آمریکا و متحدانش دارند. بنابراین طبیعی است که رژیم ایران در رد پیشنهاد آمریکا که خواستار توقف مداخله شبه‌نظامیان وابسته به آن در امور داخلی کشورهای عربی و محدود کردن برنامه موشکی را که جز آسیب رساندن به کشورهای منطقه خلیج فارس هیچ کاربردی ندارد، رد کند و به موضع سختگیرانه در مذاکرات ادامه دهد.

این نکته (دخالت در امور کشورهای عربی) هسته اصلی اختلاف ایران با همسایگان عرب خود را تشکیل می‌دهد. اگر دولت بایدن بخواهد روابط عمیق و دوستانه و مبادله منافع با کشورهای عربی به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سعودی، مصر و اردن که در جبهه حضور خواهند داشت، برقرار کند، باید بر این مشکل اساسی در منطقه غلبه کند.

رژیم تهران نه تنها بر ادامه سیاست منطقه‌ای و برنامه موشکی خود که منجر به شکست مذاکرات اتمی شده، تاکید دارد بلکه با اخاذی و باج‌خواهی از طریق گروگانگیری که از دهه هشتاد میلادی آن را آغاز کرده، دست به یک ضدحمله سیاسی و نظامی تازه در آستانه ورود رئیس‌جمهوری آمریکا به عربستان زده است.

خبرگزاری فارس در گزارشی مدعی شد که آمریکا از زمان باراک اوباما با ایران «استراتژی دور زدن و نفوذ» را دنبال کرده است. این خبرگزاری نوشت: «فلسفه آمریکا برای عدم پایبندی به توافق هسته‌ای یک فلسفه عمیق و ریشه‌دار و رایج در میان دولت‌های مختلف آمریکاست.»

دولت بایدن معتقد است که «تقویت و تحکیم توافق هسته‌ای به معنای پیوند دادن برنامه هسته‌ای ایران توسط آمریکایی‌ها با سیاست‌های منطقه‌ای ایران است» و این همان نکته‌ای است که توسط رژیم‌های خمینی بنیان گذاشت و سی سال است توسط خامنه‌ای رهبری می‌شود، در پایان سال گذشته رد شد.

خامنه‌ای سال گذشته گفت که آمریکایی‌ها می‌گویند «در این توافق باید همه مسائل بطور کلی گنجانده شود». او افزود که درباره موضوعات دیگر بعدها می‌توان بحث کرد و گزینه توافقی در کار نخواهد بود.

خامنه‌ای جزئیات بیشتری را در حکم خود شرح نداد اما می‌داند که محور اصلی مذاکرات بایدن در سعودی و اسرائیل مسئله دخالت‌های رژیم وی در منطقه خواهد بود، حتی اگر بایدن هم بخواهد از آن اجتناب کند اما میزبانان او این موضوع را در دستور کار قرار داده‌اند.

رئیس‌جمهوری آمریکا از زمان انتخابش در یک سال و نیم پیش تا کنون به دیدار متحدان سنتی آمریکا نرفته و سیاست‌هایی را که می‌توان آن را تهاجمی توصیف کرد، علیه آنها از جمله عربستان در پیش گرفته. اما رهبران کشورهای خلیج فارس محتاطانه عمل کردند و مواضع خود را تغییر ندادند بلکه انسجام سیاسی خود را افزایش داده و به تأمین منافع کشورهای خود و جهان عرب و آماده شدن دقیق برای مقابله با چالش‌های آینده پرداختند. آنها روابط سنتی با آمریکا را حفظ کرده و دروازه‌های خود را به صورت گسترده‌ای به سمت شرق قدرتمند یعنی روسیه و چین به عنوان شرکای اصلی گشودند.

برای کشورهای عربی جز رویکرد مخرب رژیم ایران که در داخل هر کدام از چهار کشور عربی عراق، یمن، لبنان و سوریه باقی مانده مشکل دیگری وجود ندارد و آمریکایی‌هایی که با جمهوری اسلامی مذاکره می‌کنند این را خوب می‌دانند. آنها خوب می‌دانند حمله به کشورهای عربی و پاره کردن ساختارهای اجتماعی و فرقه‌ای آنها

## هراس و نگرانی جمهوری اسلامی از سفر بایدن به عربستان و اسرائیل



بایدن در راه اسرائیل و عربستان؛ ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲

مذاکره ایرانی به مسکو قبل از اینکه در تهران نتایج مذاکرات را توضیح دهد، شگفت‌زده شدند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» نوشت: «همه راه‌ها به مسکو منتهی می‌شود!» این روزنامه نوشت: «نظام در همه چیز به روسیه اعتماد می‌کند و چنین بازدیدهایی از سوی مسئولان نظام باعث می‌شود برخی باور کنند که تهران از کرملین دستورالعمل می‌گیرد.»

روزنامه دیگری در همین زمینه پرسیده است چرا وزارت خارجه روسیه این سفر را فاش کرد اما وزارت خارجه ایران آن را اعلام نکرد؟!

چنین سوالاتی با بحث‌های سیاسی داخلی ایران بیگانه نیست و رهبران اقتدارگرای رژیم را اگر به ساکت کردن منتقدان متوسل نکنند، آنها را به پاسخگویی و توجیه مجبور خواهد کرد. پیش از دور مذاکرات دوحه، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه به تهران رفت. به گفته علی مطهری نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، «مذاکرات [دوحه] با چراغ سبز روسیه آغاز شد و پس از پایان، مذاکره‌کننده ارشد تیم مذاکراتی ایران به مسکو می‌رود تا روس‌ها را از نتایج مطلع کند تا پیش از اطلاع افکار عمومی ایران دستورالعمل‌های لازم را از روس‌ها دریافت کند». اما در واقع ریزنی و هماهنگی با مسکو تصادفی نبوده و به موضوع هسته‌ای محدود نمی‌شود.

در شرایط تضاد و درگیری و نزاع روسیه و غرب، مسکو و تهران به تقویت روابط خود خواهند پرداخت اما اختلافات منعکس شده از سوی برخی مقامات ایرانی مربوط به تسلط روسیه بر بازار نفت چین است که صادرات ایران در آن به شدت کاهش یافته. به این ترتیب به احتمال زیاد لاوروف به تهران تضمین داده که تلاش غرب برای ایجاد شکاف بین مسکو و تهران، موفق نخواهد شد.

در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر حمایت روسیه و چین برای بهبود شرایط خود در مذاکره

● خامنه‌ای از زائران حج به عنوان «مقاومت» یاد کرده و مشاور وی نیز «آرزوی» شکست ماموریت رئیس‌جمهوری آمریکا به خاورمیانه را دارد.

● منتظران توافق برجام در ایران پس از ناکامی و شکست مذاکرات دوحه و سفر عجولانه علی باقر کنی رئیس هیئت مذاکره ایرانی به مسکو قبل از اینکه در تهران نتایج مذاکرات را توضیح دهد، شگفت‌زده شدند.

● جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر حمایت روسیه و چین برای بهبود شرایط خود در مذاکره و معامله اتمی با آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تلاش می‌کند. حکومت‌های ایران و روسیه منافع مشترکی در رویارویی با آمریکا و متحدانش دارند.

● آمریکایی‌هایی که با جمهوری اسلامی مذاکره می‌کنند خوب می‌دانند حمله به کشورهای عربی و پاره کردن ساختارهای اجتماعی و فرقه‌ای آنها خطرناک‌تر از سلاح هسته‌ای است که رژیم ایران احتمال دارد دیر یا زود به آن دست یابد.

تونی فرنیس (ایندیپندنت عربی) - سفر جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا به خاورمیانه و کشورهای عربی در هفته جاری و دیدار او با سران کشورها در جده و گفتگوهایش با ملک سلمان بن عبدالعزیز و ولیعهدش محمد بن سلمان موجب برانگیختن اهمیت روابط منطقه‌ای و بین‌المللی جدیدی شده است بطوری که رژیم تهران با نگرانی و تلاش برای افزایش سطح تنش و رفتارهای خصمانه این سفر را دنبال می‌کند.

سفر بایدن به عربستان و اسرائیل در پی شکست ادامه مذاکرات اتمی وین در دوحه انجام می‌شود. رابرت مالی رئیس هیئت مذاکره‌کننده آمریکا برای اولین بار با عبور از خطوط قرمز ملاحظات خود، جمهوری اسلامی را مقصر این شکست دانست زیرا به گفته او هیئت مذاکره‌کننده رژیم ایران خواسته‌های اضافی بر توافق کنونی مطرح کرده که قابل پذیرش از سوی واشنگتن نیست.

طرف اروپایی هم که همواره بر ادامه این مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران تاکید می‌کرد، تهران را مسئول شکست آن دانسته و در بیانیه مشترک فرانسه، آلمان، بریتانیا و آمریکا در حاشیه نشست وزرای خارجه گروه ۲۰ در اندونزی از تهران خواسته شد تا زیاده‌خواهی‌های خود را متوقف کند و توافقی را به شکل فعلی آن بپذیرد.

نتایج نشست دوحه که بلافاصله شکست آن اعلام شد، در کانون توجه روزنامه‌های داخلی ایران که بیانگر دیدگاه‌های متنوع نسبی موجود در خود سیستم هم نیست، قرار گرفت. روزنامه‌های اصولگرا به تبعیت از سخنان حسین امیرعبداللّه‌پایان وزیر امور خارجه که گفته بود آمریکا هیچ ابتکار جدیدی برای مذاکره در قطر نداشت، غرب را به عدم رسیدن به توافق مقصر دانستند. اما برخی از روزنامه‌های دیگر تهران، ضعف تیم مذاکره‌کننده و برداشتها و محاسبات اشتباه آن را دلیل شکست نشست دوحه قلمداد کرده‌اند.

در این میان، آنچه روزنامه «شرق» درباره شکست مذاکرات دوحه و ربط دادن آن با سفر جو بایدن به سعودی نوشت، قابل توجه است. این روزنامه نوشت: «اگر مذاکرات اخیر در قطر به نتیجه می‌رسید، شانس مخالفان توافق هسته‌ای در منطقه کمتر می‌شد. آنها الان تلاش خواهند کرد تا از سفر بایدن برای تحت فشار قرار دادن ایران که به دلیل عدم بازگشت به توافق هسته‌ای روزانه ۲۵۰ میلیون دلار ضرر می‌کند، استفاده کنند.»

منتظران توافق برجام در ایران پس از ناکامی و شکست مذاکرات دوحه و سفر عجولانه علی باقر کنی رئیس هیئت

# تجربه عراق و صدام؟! آنچه شاید در محاسبات علی خامنه‌ای نباشد: غرب و متحدانش مجبور به اقدام نظامی شوند!

رژیم ایران پیش از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ نیز انجام می‌داد. «گروگانگیری» ایرانیان دوتابعیتی و تبعه خارجه با هدف «مبادله زندانیان» و دریافت پول و همچنین امتیاز در معامله صورت می‌گیرد و در واقع ابزار جمهوری اسلامی برای باج‌گیری و معامله با غرب است.

یکی از توافقات پشت پرده میان جمهوری اسلامی و دولت باراک اوباما مبادله زندانیان بود که البته اجرایش نمی‌توانست پنهان بماند و پشت پرده صورت گیرد! امیر حکمتی تفنگدار سابق نیروی دریایی، جیسون رضائیان گزارشگر واشنگتن پست، کشیش سعید عابدینی، ماتو تروپتیک دانشجوی دانشگاه ماساچوست و نصرت‌الله خسروی رودسری که به اتهام «جاسوسی» در ایران به گروگان گرفته شده بودند، در نهایت با بهرام مکانیک، نیما گلستانه، نادر مدانلو، آرش قهرمان و علی صابونچی مبادله شدند. این مجرمان وابسته به جمهوری اسلامی اغلب به خاطر خرید یا انتقال قطعات و تجهیزات ممنوعه نظامی از جمله تجهیزات الکترونیک و موشک‌های کروز و قطعات مربوط به سلاح‌های اتمی در آمریکا دستگیر و زندانی شده بودند.

معامله اتمی با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ میلاردها دلار پول سرازیر جیب آیت‌الله‌ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرد. پولی که نه برای مردم بلکه برای تقویت فعالیت‌های اتمی و موشکی و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از شبه‌نظامیان تروریست و خرابکاری و مداخله در کشورهای منطقه خرج شد.

عباسی‌دوانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی آذر ۱۴۰۰ در یک مصاحبه اعتراف کرد با وجود فتوای علی خامنه‌ای در مورد حرام بودن سلاح هسته‌ای محسن فخری‌زاده برای آن سیستم ایجاد کرد. عباسی‌دوانی در توجیه ضرورت دستیابی به توانایی نظامی اتمی گفت، «مسئله فخری‌زاده فقط دفاع از کشور خودمان نبود زیرا کشور ما پشتیبان جبهه مقاومت است و وقتی شما وارد این مسائل بشوید، صهیونیست‌ها حساس می‌شوند.» واقعیت این است که جریانی در داخل نظام دستیابی به بمب اتم را برای بقای جمهوری اسلامی و پشتیبانی از «جریان مقاومت» ضروری می‌داند.

از اصلی‌ترین دلایل دونالد ترامپ برای خروج از برجام این بود که بر اساس گزارش‌ها و اطلاعاتی که به دولت وقت آمریکا رسیده بود می‌گفت جمهوری اسلامی با گسترش فعالیت‌های غیرقانونی اتمی و موشکی روح برجام را نقض می‌کند. دونالد ترامپ اشتباه نمی‌کرد. برجام روی کاغذ قرار بود مانع دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی شود اما در عمل رژیم ایران بعد از توافق اتمی نیز با نصب و راه‌اندازی سانتریفیوژهای پیشرفته غنی‌سازی اورانیوم را به ۶۰ درصد رساند. در این ارتباط بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی با اعتماد به نفس می‌گوید «رساندن غنی‌سازی اورانیوم به چنین سطحی فقط در توان کشورهای دارای سلاح اتمی است!»

از سوی دیگر، علی خامنه‌ای در مهرماه ۱۳۹۸ در مورد ساختن بمب اتم گفته بود «ما با وجود اینکه می‌توانستیم

● **نهادهای اطلاعاتی و امنیتی غربی به اندازه کافی از آنچه جمهوری اسلامی به دنبال آن است خبر دارند. گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا نهادهای اطلاعاتی آلمان و اسرائیل تأیید می‌کنند که رژیم ایران همچنان به دنبال فعالیت‌های سری اتمی است.**

● **نظام در شرایطی به فخری‌زاده مجوز «ایجاد سیستم برای دستیابی به سلاح اتمی» را داد که فرمول‌بندی‌های بنیادین دفاعی در ارتباط با پشتیبانی از نظام و «جریان مقاومت» مطرح شده است.**

● **برخلاف ادعای علی خامنه‌ای که مدعی بود «کشور را به سمت جنگ نمی‌بریم» سیاست‌های او سبب شده که ایران بار دیگر در آستانه یک جنگ قرار بگیرد.**

● **عواملی که در سال ۲۰۱۵ زمینه‌ساز معامله غرب با جمهوری اسلامی شد امروز در عمل از بین رفته است. «بی‌اعتمادی به جمهوری اسلامی و تجربه غربی‌ها از شارلاتانیسم رژیم ایران در توافق پیشین»، «سختگیری‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مدیریت رافائل گروسی»، «اختلاف اساسی در بالاترین سطوح نظام بر سر معامله با غرب»، «زیان‌های معامله اتمی با جمهوری اسلامی برای روسیه» و از همه اینها مهمتر «نارضایتی مردم از حکومت» اصلی‌ترین دلایلی است که معامله با رژیم ایران را فوق‌العاده دشوار کرده است.**

آمریکا، فرانسه، آلمان و بریتانیا روز ۸ ژوئن (۱۷ تیرماه) در بیانیه‌ای در حاشیه نشست وزرای «گروه ۲۰» (G20) که در اندونزی برگزار شد با ابراز نگرانی نسبت به سرعت توسعه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و تأکید بر تعهد خود به بازگشت متقابل به برجام، از جمهوری اسلامی خواسته‌اند مطالبات فرابرجامی را کنار بگذارد و به سرعت با توافقی که اکنون در دسترس است موافقت کند.

در همین حال حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد «تهران هیچ خواسته فرابرجامی ندارد» و «خواست ما تضمین مؤثر برای دستیابی به نفع اقتصادی است.»

در جمهوری اسلامی طرفداران جریانی که مصلحت نظام را در معامله با آمریکا می‌دانند می‌گویند «هر توافقی بهتر از توافق نکردن است.» این حرف را محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی نیز شهریور ۱۳۹۳ پیش از امضای توافق اولیه برجام در گفتگو با رادیو ملی آمریکا (NPR) گفته بود. آن زمان نیز هم در آمریکا و هم در اسرائیل به دولت باراک اوباما هشدار داده می‌شد «توافق نکردن با جمهوری اسلامی بهتر از یک توافق بد است.» اما در نهایت «معامله پنهان» اوباما با جمهوری اسلامی نهایی شد.

در این میان، جمهوری اسلامی هم بیکار ننشسته و علاوه بر پیشبرد برنامه هسته‌ای و نقض مفاد برجام، شهروندانی از فرانسه، بلژیک، لهستان و آمریکا را به اتهام «جاسوسی» و «اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت کرده تا با آنها به اخاذی بپردازد. این اقدام تکرار همان رویه‌ای است که

خط‌ناک‌تر از سلاح هسته‌ای است که رژیم ایران احتمال دارد دیر یا زود به آن دست یابد.

در آستانه اجلاس سران کشورهای عربی و آمریکا، رهبران جمهوری اسلامی به دنبال طرح مسئله اسرائیل از طریق لبنان و غزه بودند و کنفرانسی را برای حامیان خود در بیروت ترتیب دادند تا درباره اسرائیل و روابط صلح صحبت کنند، اما این موضوع نه در فلسطین و نه در جهان عرب تغییر چندانی در رویکرد مردمی اعراب نداشته است. همه دولت‌ها و ملت‌های عرب بر حق فلسطینی‌ها برای تشکیل دولت خود در کنار دولت اسرائیل آگاه هستند و دیگر با شعارهای فریبنده جمهوری اسلامی یا سرکوب مستمر اسرائیل از حق فلسطینی‌ها دست نخواهند کشید.

رژیم ایران در قبال سفر بایدن و نتایج مورد انتظار مذاکرات جده بسیار نگران و پریشان شده و رویارویی خود با غرب را تشدید کرده است. هفته گذشته بریتانیا توقیف موشک‌های ایرانی قاچاق شده به حوثی‌ها را فاش کرد و در مقابل نیز حکومت ایران از بازداشت دستیار سفیر بریتانیا، یک استاد لهستانی از دانشگاه «کوپرنیکوس» و همسر مشاور فرهنگی سفارت اتریش خبر داد. اگر چه ساعتی بعد بریتانیا کل خبر مربوط به دستگیری دیپلمات انگلیسی را که از سوی رسانه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده بود تکذیب کرد.

رژیم ایران همچنین یک امدادگر بلژیکی را به گروگان گرفته تا بروکسل را وادار به استرداد دیپلمات تروریست خود اسدالله اسدی بکند که به اتهام تدارک مبد‌گذاری در کنفرانس مخالفان جمهوری اسلامی در پاریس، در بلژیک زندانی است. حکومت ایران در حالی سیاست گروگان‌گیری را تشدید کرده که آن را طی چند دهه حکومت جمهوری اسلامی هرگز کنار نگذاشته بود.

تنش آفرینی مجدد رژیم ایران با پیام خامنه‌ای به حجاج در عربستان در آستانه «عید قربان» و حمله رسانه‌های وابسته علیه انتصاب شیخ محمد العیسی دبیرکل «اتحادیه جهان اسلام» به عنوان خطیب و واعظ «روز عرفه» به اوج خود رسیده است. رسانه‌های جمهوری اسلامی این روحانی معتدل را به عنوان «شخص محبوب اسرائیل» توصیف کرده‌اند. خامنه‌ای در پیامی که پنجم ژوئیه ضبط و بعداً پخش شده، به آمریکا، غرب و رژیم «صهیونیستی» حمله کرد و گفت: «نیروهای اطلاعاتی و جاسوسی غربی در برخورد با پدیده مقاومت که مظهر آن صحنه فلسطین، لبنان، عراق و یمن است، با یک بحران بزرگ مواجه هستند.»

خامنه‌ای با مشخص کردن مواضع نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، بر «عمق استراتژیک» خود که در مذاکرات با آمریکایی‌ها بر آنها پافشاری می‌کند و مذاکرات دوحه نیز به همین دلیل شکست خورد، دوباره تأکید کرد. رهبر جمهوری اسلامی از اهمیت نشست عربی-آمریکایی به شدت بیم دارد. خامنه‌ای و مشاور او علی اکبر ولایتی تلاش می‌کنند که هدف سفر بایدن به منطقه و سعودی را در چارچوب تلاش برای جبران «عقب‌ماندگی» آن کشور قلمداد کنند.

حضور رئیس جمهوری آمریکا در عربستان سعودی رویدادیست که واقعا رژیم ایران را ترسانده و هیچ راه و ترفندی هم برای پنهان کردن این ترس و نگرانی ندارد. به همین دلیل علی اکبر ولایتی «تلاش‌های دولت عراق برای احیای روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان سعودی» را ستایش می‌کند.

\*منبع: ایندپیندنت عربی

\*نویسنده: تونی فرنیس نویسنده و تحلیلگر لبنانی

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن





نمایش موشک‌های بالستیک سیاه در یک راهپیمایی حکومتی در تهران

بنیادین دفاعی در ارتباط با پشتیبانی از نظام و «جریان مقاومت» مطرح شده است. بر خلاف ادعای علی خامنه‌ای که مدعی بود «کشور را به سمت جنگ نمی‌بریم» سیاست‌های او سبب شده که ایران بار دیگر در آستانه یک جنگ قرار بگیرد. بدیهی است غربی‌ها همچنانکه در نشست اخیر G20 در اندونزی اعلام کردند تا دقیقه ۹۰ مدام بر ضرورت دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی از مسیر دیپلماتیک اصرار می‌کنند اما موازی با آن تشکیل یک ائتلاف نظامی قوی در منطقه را برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی پیش می‌برند. علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای خرداد ۱۳۹۷ در یک برنامه تلویزیونی با اشاره به اینکه «توافق اتمی تصمیم نظام بود نه فرد» اعتراف کرد «حتماً باید مذاکره می‌کردیم و اگر برجام در سال ۱۳۹۵ امضا نمی‌شد گزینه بعدی جنگ بود!» اما مسئله اینجاست عواملی که در آن مقطع سبب معامله غرب با جمهوری اسلامی شد امروز در عمل از بین رفته است. «بی‌اعتمادی به جمهوری اسلامی و تجربه غربی‌ها از شارلاتانیسم رژیم ایران در توافق پیشین»، «سخت‌گیری‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مدیریت رافائل گروسی»، «اختلاف اساسی در بالاترین سطوح نظام بر سر معامله با غرب»، «درز اطلاعات محرمانه درون نظام به خاطر نفوذ عوامل خارجی در سیستم‌های امنیتی و نظامی»، «زیان‌های معامله اتمی با جمهوری اسلامی برای روسیه» و از همه اینها مهمتر «نارضایتی مردم از حکومت» اصلی‌ترین دلایلی است که معامله با رژیم ایران را فوق‌العاده دشوار کرده است. «عدم تمایل به جنگ» اصلی‌ترین دلیل غرب برای اصرار به معامله با جمهوری اسلامی است اما احتمالاً اگر خامنه‌ای دچار اشتباه محاسباتی شده باشد و در اتاق‌های فکر نظام به او مشورت دهند که وضعیت تا ابد به همین ترتیب خواهد ماند بعید نیست صبر غربی‌ها و متحدانشان تمام شود و شبیه آنچه برای صدام حسین و عراق اتفاق افتاد بر سر «رهبر معظم» و جمهوری اسلامی نیز بیفتد! با این تفاوت که آژمان آمریکا و چند کشور اروپایی از پشتیبانی که امروز علیه جمهوری اسلامی برخوردارند، در ارتباط با رژیم صدام نداشتند!

دوباره بر همان پایه‌ای بایستد که دولت ترامپ برای معامله با جمهوری اسلامی بنا کرد. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی غربی به اندازه کافی از آنچه جمهوری اسلامی به دنبال آن است خبر دارند. گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا نهادهای اطلاعاتی آلمان و اسرائیل تأیید می‌کنند که رژیم ایران همچنان به دنبال فعالیت‌های سری اتمی است. پایگاه خبری «اوپل‌پرایس» در گزارشی می‌نویسد دولت بایدن به این نتیجه رسیده که برای «احیای برجام» به اندازه کافی حسن نیت نشان داده و این تهران است که اگر واقعاً خواهان برجام است، باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با ساز و کارهای بین‌المللی مهار و تروریسم آن را محدود کند! که البته انتظاری بسیار عجیب و بیجاست چرا که این نهاد نامتعارف نظامی و ایدئولوژیک چنانکه از نام‌اش پیداست «پاسدار» نظام و انقلاب اسلامی است و مهار و محدودیت آن برای جمهوری اسلامی به معنی عقب‌نشینی از «حفظ» و «پاسداری» خودش است! دولت بایدن نه تنها حاضر نشده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کند بلکه حاضر به ارائه تضمین به جمهوری اسلامی برای عدم خروج مجدد از برجام نشده است. همچنین آمریکا و اروپا به جمهوری اسلامی فشار می‌آورند که اگر به دنبال نفع اقتصادی است باید کنوانسیون‌های مرتبط با FATF را بپذیرد. پذیرش این کنوانسیون‌ها یعنی لو رفتن معاملات پنهانی سپاه پاسداران و کل نظام و متوقف شدن پولشویی و پشتیبانی‌های مالی از شبه‌نظامیان منطقه که خامنه‌ای آنها را «مسائل ناموسی» نظام و انقلاب می‌داند. صحنه بازی روشن است: جمهوری اسلامی بقای خود را در گرو «اتم» و «موشک» و «شبه‌نظامیان» می‌داند. در همین ارتباط حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران گفته بود «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد.» نظام در شرایطی به فخری‌زاده مجوز «ایجاد سیستم برای دستیابی به سلاح اتمی» را داد که فرمول‌بندی‌های

در این راه قدم برداریم، بر اساس حکم اسلام کاربرد این سلاح را حرام قطعی شرعی اعلام کردیم، بنابراین هیچ دلیلی ندارد که برای تولید و نگهداشت سلاحی که استفاده از آن مطلقاً حرام است، هزینه کنیم!» این ادعا در حالیست که تمامی اقدامات جمهوری اسلامی پیش و پس و در زمان برجام، خلاف آن را ثابت می‌کند. رساندن سطح غنی‌سازی اورانیوم به میزان کافی برای تولید بمب اتم رویه‌ای نیست که یک‌شبه اتفاق افتاده باشد. درواقع جمهوری اسلامی نه فقط پیش از توافق اتمی بلکه در دورانی هم که برجام به نتیجه رسید باز هم به دنبال دستیابی به سلاح اتمی بود و برای آن مخفیانه تلاش می‌کرد. در تمام دورانی که رژیم ایران پیدا و پنهان به گسترش فعالیت‌های اتمی می‌پرداخت یوکیو آمانو مدیرکل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش‌های رسمی این نهاد مدام «صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی را تأیید می‌کرد» اما قدرت‌های بین‌المللی که می‌دانستند پشت پرده چه خبر است برای دست یافتن به یک توافق با جمهوری اسلامی که به خیال خودشان بتواند رژیم ایران را مهار و کنترل کند، با آن معامله کردند. شاید برای همین هم بود که رافائل گروسی نسبت به تبدیل جمهوری اسلامی ایران به یک کره شمالی دیگر در زمینه سلاح اتمی هشدار داد و گفت «تجربه کره شمالی نشان داد اگر تلاش‌های دیپلماتیک در مسیر اشتباه پیش برود چه پیامدی خواهد داشت.» میل قدرت‌های بزرگ به تکرار یک معامله دیگر با جمهوری اسلامی از این جهت است که گزینه بعدی احتمالاً ابزار دیپلماتیک یا اهرم اقتصادی نخواهد بود. هرچند سیاست‌های دولت ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی تفاوت‌های عمده‌ای داشت اما در نهایت هر دو به دنبال «معامله» با جمهوری اسلامی بودند. دونالد ترامپ حتی پیشنهاد دیدار مستقیم خودش با علی خامنه‌ای را مطرح کرده بود. حالا گرچه به نظر می‌رسد بایدن و تیم وزارت خارجه آمریکا در امور ایران امتیازاتی برای جمهوری اسلامی قائل شده اما پیدا است که ناموفق بودن دولت بایدن برای معامله با جمهوری اسلامی، وزارت خارجه آمریکا را مجبور کرده تا

## دستگیری‌های «دهه شصتی» برای اجرای تهدید خامنه‌ای علیه مردم: بازداشت خانواده‌های دادخواه و فعالان صنفی و مدنی و فرهنگی



طرح از قلمفرسا

توسط نهادها و سازمان‌های ذیربط، خواستار آزاد فوری و بدون قید و شرط همکارانمان هستیم.»

با افزایش ناراضی‌ها و اعتراضات عمومی و صنفی در ایران، فشار بر فعالان مدنی و کنشگران بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. فعالان صنفی آموزگار و کارگری که پیشتر در ارتباط با پرونده اتهام جاسوسی به دو تبعه فرانسه بازداشت شده بودند نیز برای اعترافات اجباری تحت فشار قرار دارند و پیگیری‌های وکلا و خانواده‌هایشان تا کنون بی‌اثر بوده است. سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه گزارش داده که روز شنبه ۱۸ تیرماه نسرین رحیمی همسر حسن سعیدی عضو زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد، خدیجه پاک ضمیر همسر معلم زندانی محمد حبیبی و خانواده‌های رسول بدایق آموزگار زندانی و آتیسا اسداللهی نویسنده و مترجم زندانی برای پیگیری پرونده این زندانیان به دادسرای زندان اوین مراجعه کردند. بازپرس پرونده حاضر به دیدار با آنها نشده و گفته روزهای آینده هم نباید!

نیمه اردیبهشت امسال وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در سناریویی جدید علیه فعالان صنفی، از بازداشت دو «اروپایی» به اتهام تلاش برای ایجاد «آشوب» و «بی‌ثبات‌سازی جامعه» خبر داد. سسیل کوهر و همسرش ژاک پاریس دو آموزگار تبعه فرانسه و عضو اتحادیه آموزشی و تحصیلی فرانسه هشتم اردیبهشت امسال در سفری توریستی به ایران رفته و هفدهم اردیبهشت هنگام خروج از کشور در فرودگاه بازداشت شدند.

پس از بازداشت این دو آموزگار فرانسوی، تعدادی از فعالان صنفی از جمله رسول بدایق، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، رضا شهابی و ریحانه انصاری نژاد فعالان کارگری، و آتیسا اسداللهی مترجم و کیوان مهتدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران در رابطه با این پرونده بازداشت شده و همچنان در زندان هستند. موج فشار بر فعالان صنفی و مدنی و دادخواهان در حالی شدت پیدا کرده که در آنسو اعتراضات صنفی و مبارزات مردمی علیه جمهوری اسلامی نیز با گستردگی بیشتری در جریان است.

شمار زیادی از ایرانیان در کارزاری برای مخالفت با حجاب اجباری خواستار حضور بدون حجاب زنان مخالف حجاب در خیابان‌ها در روز سه‌شنبه ۲۱ تیرماه شده‌اند.

مردان و زنان زیادی نیز در شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر با استفاده از هشتگ #حجاب\_بی\_حجاب از پیوستن به این کارزار خبر داده و یا روایت‌های خود را از تحمیل حجاب اجباری به زنان پس از انقلاب ارتجاعی سال ۵۷ بازگو می‌کنند.

خانواده‌های دادخواه است که صبح امروز دوشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۱ بازداشت شد.

سعید دامور بارها علیه جمهوری اسلامی اظهار نظر کرده است. او در ویدئویی که امرداد گذشته منتشر شد بر سر مزار برادرش خطاب به مردم گفته بود: «کشته‌شدگان آبان به خاطر ضایع شدن حق شما، همان کاری را کردند که امام حسین در عاشورا با تعداد کم در مقابل یزید و یزیدیان ایستاد» و «برای پس گرفتن حق‌مان، از خواب غفلت بیرون بیایم و علیه یزید زمان قیام کنیم.»

همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد یورش به خانه خانواده‌های دادخواه در عملیات «سازماندهی شده» صورت گرفته است و مأموران امنیتی همزمان به خانه‌های شمار زیادی از خانواده‌های دادخواه هجوم برده‌اند. مادران نوید بهبودی و پژمان قلی‌پور از دیگر جانباختگان آبان ۹۸ و مهرداد بختیاری عمومی پویا بختیاری نیز از دادخواهانی هستند که امروز دوشنبه بیستم تیرماه بازداشت شدند.

موج بازداشت فعالان مدنی، صنفی و دادخواهان در روزهای گذشته افزایش یافته است. همزمان با بازداشت اعضای خانواده‌های دادخواه، جعفر پناهی کارگردان، نویسنده و فعال مدنی نیز بازداشت شده است.

تا زمان تنظیم این گزارش از ارگان بازداشت‌کننده ناهید شیرپیشه، سعید دامور و جعفر پناهی، و مادران نوید بهبودی و پژمان قلی‌پور و همچنین محل نگهداری آنها اطلاعی در دست نیست.

طی روزهای گذشته محمد رسول‌اف و مصطفی آل احمد دو کارگردان سینما نیز بازداشت شدند. جعفر پناهی از جمله سینماگران و فعالان مدنی است که روز گذشته بیانیه‌ی محکومیت بازداشت این دو کارگردان را امضا کرده بود.

محمد رسول‌اف فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده و کارگردان و مصطفی آل احمد کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، طراح صحنه و لباس و نقاش روز جمعه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ بازداشت شدند. خیرگزاری حکومتی «ایرنا» این دو فیلمساز را به «ارتباط با ضدانقلاب» و «التهاب آفرینی و برهم زدن امنیت روانی جامعه» در جریان ریزش متروپل آبادان متهم کرد و نوشت که آنها «تهیه‌کننده» بیانیه‌ای بودند که از سوی سینماگران در اعتراض به سرکوب مردم معترض به فروریختن ساختمان متروپل امضا شد.

بیش از ۳۰۰ نفر از سینماگران و فعالان مدنی دپروز یکشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای بازداشت محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد را محکوم کرده و نوشتند که «ضمن محکوم کردن سرکوب و فشار مستمر به سینماگران مستقل و آزاداندیشان و عدم رعایت حقوق اولیه‌ی فردی- اجتماعی

● تا زمان تنظیم این گزارش از ارگان بازداشت‌کننده ناهید شیرپیشه، سعید دامور و جعفر پناهی، و مادران نوید بهبودی و پژمان قلی‌پور و همچنین محل نگهداری آنها اطلاعاتی در دست نیست.

● محمد رسول‌اف و مصطفی آل احمد دو کارگردان سینما نیز روز جمعه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ بازداشت شدند.

● فعالان صنفی آموزگار و کارگری که پیشتر در ارتباط با پرونده اتهام جاسوسی به دو تبعه فرانسه بازداشت شده بودند نیز برای اعترافات اجباری تحت فشار قرار دارند.

● موج فشار بر فعالان صنفی و مدنی و دادخواهان در حالی شدت پیدا کرده که در آنسو اعتراضات صنفی و مبارزات مردمی علیه جمهوری اسلامی نیز با گستردگی بیشتری در جریان است.

مأموران امنیتی جمهوری اسلامی امروز دوشنبه با هجوم به خانه چند تن از خانواده‌های دادخواه شماری از آنها را بازداشت کردند. تا زمان تنظیم این گزارش بازداشت ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری و سعید دامور برادر وحید دامور و مادران نوید بهبودی و پژمان قلی‌پور تأیید شده است. جعفر پناهی سینماگر و فعال مدنی نیز ساعاتی پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

نیروهای امنیتی روز دوشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۱ به منزل چند تن از خانواده‌های دادخواه هجوم برده و از جمله ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری و سعید دامور برادر وحید دامور از جانباختگان آبان ۹۸ را بازداشت کردند.

مونا بختیاری خواهر پویا بختیاری با انتشار ویدئویی از منزل مادرش پس از بازداشت نوشته مأموران امنیتی با او تماس گرفته و گفته‌اند درب خانه مادر را شکستیم و او را با خود بردیم.

ناهید شیرپیشه در آخرین استوری منتشر شده در اینستاگرامش خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشته بود که «شرم نمی‌کنید چون درون سرتان مغزهایی زنگ زده است. مغزهایی شستشو داده شده که قدرت تفکر ندارند. شک ندارم شما پست‌ترین موجودات روی زمین هستید. شما که از خدا نمی‌ترسید، از خشم مادران دادخواه بترسید.» ناهید شیرپیشه دو هفته پیش نیز در استوری صفحه اینستاگرام خود نوشته بود «ایران را تبدیل به یک زندان بزرگ کرده‌اید. با کشتن چند صد هزار نفر و بازندان کردن چه تعداد از ملت ایران قرار است به حکومت خود ادامه دهید؟! قطعاً ما به گروگان گرفته شده‌ایم. اینگونه نمی‌ماند، نوبت ما هم می‌رسد.»

سعید دامور برادر وحید دامور نیز از جمله اعضای



## آبگوشت سحرآمیز!

محمود در «گلناباد»، چهارمنزلی اصفهان اردو زد. شاه سلطان حسین که رسیدن افغان را به پشت دروازه اصفهان باور نمی‌داشت مضطربانه مجلسی آراست و از امنای دولت و امرای لشکر برای رایزنی دعوت کرد. در آن مجلس، دو نظر ابراز شد و هر کدام از این دو نظر طرفدارانی داشت که به بحث و جدل پرداختند. یک نظر این بود که از فرستادن لشکر و درگیری مستقیم با سپاه محمود خودداری و به جنگ فرسایشی مبادرت شود. محمدقلی خان قورچی باشی که به‌جای فتحعلی‌خان داغستانی منصب صدارت یافته و اعتمادالدوله لقب گرفته بود بر این «تاکتیک» پای می‌فشرد. او می‌گفت با استقرار قوای کافی در اطراف شهر، مهاجمان را مجبور می‌کنیم دست به حملات پراکنده بزنند و چون در این حملات کاری از پیش نخواهند برد روحیه آنها تضعیف و برعکس، روحیه سربازان ما تقویت می‌شود. از طرفی سپاه محمود بر اثر توقف طولانی در گلناباد و فرا رسیدن زمستان دچار کمبود آذوقه خواهد شد و ما می‌توانیم با بستن راه آذوقه، دشمن را گرفتار قحطی کنیم. در این فاصله، نیروهای امدادی هم از اطراف و اکناف مملکت خواهند رسید و افغانان را در محاصره می‌گیریم و به این فتنه خاتمه می‌دهیم.

در مقابل این استدلال، عبدالله‌خان والی عربستان (خوزستان) که با سپاه خود به اصفهان آمده بود، رأی دیگری داشت و معتقد بود بی‌تحریکی نشانه ضعف و زبونی است. او می‌گفت در خور شأن پادشاه و کشور و لشکر قزلباش نیست که در برابر جمعی شورشی، که غلامان و بردگانی بیش نیستند، دفع‌الوقت کنیم. سربازان از گستاخی این یاغیان خشمگین و برای جنگیدن با آنها آماده‌اند. صلاح در این است که بدون فوت وقت بر سر آنها بتازیم و این جوان نادان را که بین سپاه جنگی و گروه شورشی فرق نمی‌گذارد، به‌سزای جسارتش برسانیم.

این سخنان غیرت حاضران را برانگیخت و به‌تعبیر کروسینسکی «غرور ایرانی باعث شد در امری حیاتی، که پای بقا و عدم کشور در میان بود، از راه عقل و تدبیر به راه تندمزاجی و ماجراجویی کشیده شوند».

تصمیم بر جنگیدن قرار گرفت. قشون به جانب گلناباد حرکت کرد. رضاقلی‌خان هدایت در «روضه‌الصفاء» تصویری چنین از سپاه اعزامی به‌دست می‌دهد: «سواران اصفهانی و بهادران بختیاری و سایر ملازمان حضرت شهریاری را به‌ضرب تبرزین بر زین زرین نشاندهند و نفیر نای و کوس بر فلک، و علمها به جلوه درآوردند و توپها را پیشاپیش همی کشیدند. محمدقلی‌خان وزیر اعظم و عبدالله‌خان والی عربستان و سایر امرا با تیغهای افراخته و رنگهای باخته (!) همی رفتند و قعقعه سلاح و شعشعه رماح (خش خش و درخشش اسلحه‌ها) گوش را کر و چشم اختر را کور می‌کرد. جوانان نازک‌میان، کمرهای مریض بسته واز سُرین‌های سیمین خانه زین را مملو ساخته، زلفهای چین در چین بر عارض رنگین شکسته، از شمیم عطر و عنبر هوا را معتبر و معطر می‌کردند و به‌گردش چشم مست و مژگان خمیده، صفهای قلوب عشاق را درهم می‌شکستند!»

چنین سپاهی را شاه سلطان حسین با دو فرمانده - محمدقلی‌خان و عبدالله‌خان - به مقابله با لشکری فرستاد که به‌گفته لارنس لکهارت «شجاعت و جنگاوری و حمیت مذهبی، کمبود آنان را جبران می‌کرد و از این گذشته، محمود و سردارانش از فساد و بی‌عرضگی شایع در اصفهان و وضع اسفبار سپاهیان ایران آگاهی کامل داشتند».

## کالدشکافی یک طغیان (۸)

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۵-۱۱۰۰)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵



احمد احرار

و اما در اصفهان چه می‌گذشت؟

این را از زبان محمدهاشم رستم‌الحکما در رستم‌التواریخ بشنویم: «و چون آن زبده ملوک (سلطان حسین) به اندرون خانه بهشت‌آئین خود تشریف می‌برد زنان ماهروی مشکین موی لاله رخسار به‌قدر پنج هزار از خاتون و بانو و آتون و گیسو سفید و کنیزک و خدمتگار به دورش فراهم و جمع می‌آمدند و با هزار گونه تملق و چاپلوسی به خدمتش عرض

که قوت طالع تو را بر عالمیان ظاهر گرداند. و صاحب تسخیرها (جن‌گیران) می‌آمدند و به حضور آن افتخار ملوک عرض می‌کردند که ما متعهد می‌باشیم که هفت چله پی در پی در مندل (خطی که جن‌گیرها در چله‌نشینی به دور خود می‌کشند) در خلوتی عبدالرحمان پادشاه جن را با پنج هزار کس از جئیان بر دشمنان تو غالب و مسلط کنیم که در یک شب احدی از دشمنان تو را زنده نگذارند.

و درویشان می‌آمدند و به خدمتش عرض می‌نمودند که به همت مولای درویشان به فیض نفس، بدخواهان تو را نیست و نابود خواهیم کرد. و از سرکار فیض آثار اعلی به جهت این خدمات نیرنگ‌آمیز اخراجات می‌گرفتند و می‌رفتند که قواعد چله‌نشینی و خدمات دیگر به‌جای آورند.

و بعضی از صلحا می‌آمدند و به خدمتش عرض می‌نمودند که عریضه بنویسید به‌خدمت امام غائب حضرت صاحب‌الامر (ع) و آن را به مشمّع نهید و در آب روان اندازید که حسین بن روح ملازم آن جناب، به آن جناب خواهد رساند و آن جناب امداد و اعانت خواهد نمود.



شاه سلطان حسین و درباریان

روز و شب، به‌قدر هزار عریضه، اهل حریم پادشاهی می‌نوشتند و به آب جاری می‌انداختند!

چون چهار ماه از این داستان گذشت، کار بر خلاقیت از گرانی مأكولات تنگ شد و از اهل اصفاهان هرکس که از شهر بیرون می‌رفت که فرار کند اگر به‌جنگ افغانه می‌افتاد او را می‌کشتند و از ترس جان خود احدی را امان نمی‌دادند». زمان لشکرکشی نیز برحسب تشخیص رمالان و ستاره‌شناسان تعیین شد.

لکهارت در «انقراض سلسله صفویه» می‌نویسد: «منجمان شاه گفته بودند که ستارگان تا هشتم مارس در طالع سعد قرار نخواهند داشت. شاه خرافاتی و ساده‌لوح که به پیشگویی منجمان خود اکتفا نکرده بود، اوامر صادر کرد که سپاهیان وی در آن شب با آبگوشت سحرآمیز اطعام شوند. یکی از سرداران شاه به وی اطمینان داده بود که اگر سپاهیان با این آبگوشت تغذیه شوند در چشم دشمن به‌صورت نامرئی درمی‌آیند. این آبگوشت باید در ظروفی تهیه می‌شد که در هر یک از آنها دو پاچه بز با 325 غلاف سبز نخود با آب می‌پختند و دختری باکره کلمات تشهد را 325 بار بر هر ظرف تلاوت می‌کرد!»

(در شماره آینده:)

نبرد گلناباد (در شماره آینده: آبگوشت سحرآمیز)

# تاریخچه و چگونگی پخش پرازیت روی امواج رادیویی و تلویزیونی

مهندس احمد معتمدی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آذر ۱۳۸۸ شماره ۱۲۸۴)

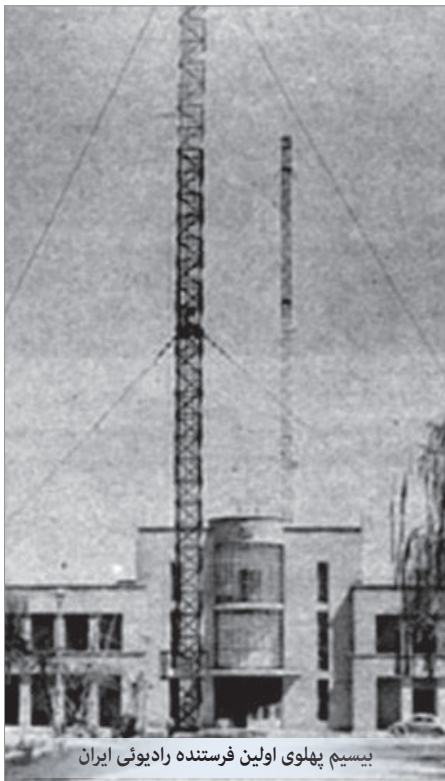


یکصد کیلو وات روی موج کوتاه بود. این امر سبب شد که مقامات نظامی انگلیسی تصمیم به پرازیت اندازی روی صدای فارسی رادیو برلین گرفتند و چون فرستنده مناسبی برای این کار نداشتند به مرکز فرستنده رادیو تهران آن روز که در بی‌سیم پهلوی واقع در خیابان قدیم شمیران بود مراجعه و یک فرستنده آمریکائی موج کوتاه ساخت کمپانی RCA را پس از نصب موج آن را روی صدای آلمان تنظیم و اقدام بر پخش پرازیت نمودند که تا روز شکست آلمان این امر انجام می‌شد، و تنها روی برنامه فارسی رادیو برلین پرازیت بود و برنامه عربی قبل از آنها فاقد پرازیت بود و به وضوح شنیده می‌شد. البته مقامات آمریکائی یک فرستنده مشابه همان فرستنده به دولت ایران تحویل دادند که سالها برای کار رادیویی و مخابراتی از آن استفاده می‌شد و همه اینها جنگ روی موج کوتاه بود.

مورد دوم - دولت ایران برای کار رادیویی و مخابراتی دو فرستنده ۲ و ۲۰ کیلو وات در زمان رضاشاه پهلوی به کمپانی انگلیسی STC سفارش داده بود که فرستنده ۲ کیلوواتی را کمپانی موقوع تحویل داد و در همان بی‌سیم پهلوی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

تحویل فرستنده ۲۰ کیلو واتی به بعد از جنگ جهانی دوم موقوف شد و حوالی سال ۱۳۲۶ بکار افتاد و صدای ایران را روی موج ۴۹ متر با قدرت کامل پخش می‌کرد، که ضمن پوشش دادن ایران روی این موج در بسیاری از کشورهای همسایه نیز شنیده می‌شد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی آن روز مایل نبود که صدای



بیسیم پهلوی اولین فرستنده رادیویی ایران

این فرستنده مورد استفاده مردم آن کشور قرار بگیرد، لذا با انداختن پرازیت روی آن (درست مشابه رادیوی آلمان) مانع از شنوائی آن گردیدند.

وزارت پست و تلگراف که امور این فرستنده‌ها را در دست داشت تصمیم گرفت که برای کم اثر نمودن این پرازیت‌ها موج این فرستنده را به ۷۵ متر تغییر بدهد که در شب پوشش بهتری داشته باشد و این موج تا آنجا که اطلاع دارم و تا وقایع سال ۱۳۵۷ مورد استفاده بوده است و در اغلب کشورهای

مسیر پخش فرستنده اصلی باشد که بخوبی روی آن موج سوار بشود. این امر در مورد امواج بلند و متوسط و کوتاه و امواج خیلی کوتاه تفاوت می‌کند در هر مورد، محل فرستنده پرازیت دهنده و قدرت آن بایستی با توجه به کلیه جهات فنی مطالعه شود تا نتیجه عمل خوب باشد.



اولین فرستنده سیار رادیو در ایران

**پخش پرازیت در جنگ جهانی دوم:**  
در جنگ اول جهانی چون امر بی‌سیم منحصر به امور مخابره و مکالمه تلفنی نظامی بود پرازیت مورد استفاده قرار نگرفت ولی در طول جنگ دوم جهانی که رادیوهای دول مختلف، له یا علیه هم برنامه پخش می‌کردند این امر پیش آمد و دول متخاصم روی امواج هم پرازیت می‌انداختند.

در آن هنگام چون تقریباً تمام خاک اروپا و قسمتی از سرزمین روسیه شوروی در اختیار ارتش آلمان بود، جنگ پرازیتی روی برنامه‌های مختلف آلمان و ایتالیا از یکطرف و انگلستان و فرانسه آزاد و آمریکا از طرف دیگر ادامه داشت و تنها اخبار دو کشور سوئد و سوئیس خالی از پرازیت بودند که مورد استفاده عموم قرار داشت. دولت ناسیونال سوسیالیست آلمان در این سالها از ۱۹۳۸ الی ۱۹۴۵ میلادی که در ماه مه آن آلمان شکست خورد و تسلیم متفقین شد دارای یک فرستنده موج بلند بنام فرستنده آلمان بزرگ Grosse Deutschland Sender و بقدرت ۶۰۰ الی ۸۰۰ کیلو وات بود که صدای آن در تمام اروپا شنیده می‌شد و چون اغلب گیرنده‌های اروپائی همانند امروز به موج بلند مجهز بودند بخوبی از آن استفاده می‌کردند و این فرستنده پس از شکست آلمان در اختیار متفقین قرار گرفت. با تکنیک آنروز اروپا، انداختن پرازیت روی این فرستنده غیرممکن بود.

**پخش پرازیت روی موج کوتاه در ارتباط با ایران:**

مورد اول - پس از ورود نیروهای نظامی شوروی (روسیه) و انگلیس در شهریور سال ۱۳۲۰ شمسی به ایران و تا حدود یکسال پس از آن صدای رادیو برلین به خوبی و وضوح در کلیه نقاط ایران شنیده می‌شد و گویندگان بخش فارسی رادیو برلین و از جمله بهرام شاهرخ مطالبی علیه نیروهای متفقین و دولتهای سرکار در ایران بیان می‌نمودند. این فرستنده با قدرت

این روزها مطالب بسیاری در مطبوعات و رسانه‌های همگانی خواننده و شنیده و دیده می‌شود که حکایت از پخش پرازیت روی برنامه‌های ماهواره‌ای در تهران می‌کند. لذا لازم دانستم جهت اطلاع‌رسانی عمومی مطالبی در این باب بیان نمایم و تأکید کنم که بکار بردن فرستنده‌های پرازیت انداز با



قدرت بسیار زیاد برای ماهواره مقادیر بسیار زیاد نیروی برق هم لازم دارد که بصورت بیست و چهار ساعته و شبانه‌روز نمی‌توان از آن استفاده نمود چون احتیاج به چندین هزار بلکه دهها هزار کیلو وات برق دارد که از شبکه باید گرفته شود و هزینه تمام شده را بسیار بالا می‌برد.

علاوه بر آن، کلیه عملیات جهانی ماهواره‌ای فی‌الحال و سابقاً رادیویی بایستی تحت نظر و اجازه اتحادیه بین‌المللی مخابرات UIT که وابسته به سازمان ملل متحد بوده و محل آن شهر ژنو در کشور سوئیس می‌باشد و پخش پرازیت روی امواج نیز تابع همین مقررات است و با کسب اجازه باشد و اگر بدون اجازه انجام شود خلاف قوانین بین‌المللی است که ارسال ماهواره به فضا هم با اجازه همین سازمان باید باشد.

**سابقه:**

پس از اختراع رادیو و تأسیس مراکز فرستنده و تولید گیرنده رادیو که امواج و اصوات پخش شده بوسیله گیرنده اخذ می‌شد و مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گرفت، پخش پرازیت روی آن امواج از طرف دول متخاصم شروع شد. فی‌المثل اگر رادیویی آلمانی مطالبی خصمانه علیه فرانسه پخش می‌کرد دولت فرانسه متقابلاً روی آن امواج مزاحمت ایجاد می‌نمود که صدای آن رادیوی آلمانی در فرانسه شنیده نشود.

انجام عمل از جهات فنی:

دادن پرازیت روی موجی معین به این صورت است که بایستی فرکانس یا طول موج فرستنده پرازیت مساوی طول موج فرستنده‌ای باشد که باید روی آن پرازیت پخش نمود و آن را همزمان با ساعت فرستنده اصلی به کار انداخته و بجای پخش برنامه روی آن سوت ممتد یا صداهای ناهنجار پخش می‌نمایند تا سبب اختلال در شنوائی برنامه‌های فرستنده اصلی گردد. این عمل به صورتی باید باشد که فرستنده پرازیتی در



## مقام ایرانی تبار اداره امنیت کلن برخلاف منع اکید امنیتی به خاطر مرگ پدر و ارث و میراث به ایران سفر کرده است



فلور بادنبرگ ۴۶ ساله از ۱۲ سالگی در آلمان زندگی می‌کند و دکترای حقوق دارد

فلور بادنبرگ که دارای دکترای حقوق است ۱۲ ساله بود که به کلن مهاجرت کرد. به عقیده‌ی یکی از مقامات سابق وزارت خارجه آلمان، از آنجا که بخشی از خانواده فلور بادنبرگ همچنان در تهران زندگی می‌کند و جمهوری اسلامی نیز تابعیت ایرانی وی را لغو نکرده است، اداره امنیت آلمان اصلاً مجاز نبوده او را استخدام کند چرا که خطر تحت فشار قرار دادن و باج‌خواهی برای چنین افرادی بسیار بالاست.

بر اساس تحقیقات مجله فوکوس، نه تنها وزیر کشور بلکه مسئول امور خارجه ایالتی و رئیس اداره امنیت آلمان نیز از سفر ممنوعه بادنبرگ به ایران مطلع بوده‌اند. سازمان امنیت آلمان (اداره حفاظت از قانون اساسی) حاضر نشد به این پرسش فوکوس پاسخ دهد که چه کسی مجوز سفر بادنبرگ به تهران را صادر کرده و آیا چنین اقدامی پیامدهای تئیهی و مجازات دارد یا نه. همچنین این پرسش که آیا این مقام امنیتی از مدارک پوششی جهت سفر به ایران برای امنیت خود استفاده کرده یا نه پاسخی داده نشد.

گفتنی است که چندین دولت اروپایی از جمله وزارت خارجه آلمان طی دو سال اخیر نه تنها به دلیل کرونا بلکه همچنین به خاطر گروگانگیری اتباع خارجی و ایرانیان دوتابعیتی توسط جمهوری اسلامی، به شهروندان خود نسبت به سفر به ایران هشدار داده‌اند! جای تعجب دارد که یک مقام امنیتی به خاطر مرگ پدر و ارث و میراث و با اطلاع مقامات بالاتر راهی ایران شده و چند ماه بعد هم ارتقاء مقام به معاونت اداره امنیت شهر کلن پیدا کرده است!

● فلور بادنبرگ که دارای دکترای حقوق است ۱۲ ساله بود که به کلن مهاجرت کرد. به عقیده‌ی یکی از مقامات سابق وزارت خارجه آلمان، از آنجا که بخشی از خانواده فلور بادنبرگ همچنان در تهران زندگی می‌کند و جمهوری اسلامی نیز تابعیت ایرانی وی را لغو نکرده است، اداره امنیت آلمان اصلاً مجاز نبوده او را استخدام کند چرا که خطر تحت فشار قرار دادن و باج‌خواهی برای چنین افرادی بسیار بالاست.

● بر اساس تحقیقات مجله فوکوس، نه تنها وزیر کشور بلکه مسئول امور خارجه ایالتی و رئیس اداره امنیت آلمان نیز از سفر ممنوعه بادنبرگ به ایران مطلع بوده‌اند. ● گفتنی است که چندین دولت اروپایی از جمله وزارت خارجه آلمان نیز طی دو سال اخیر نه تنها به دلیل کرونا بلکه همچنین به خاطر گروگانگیری اتباع خارجی و ایرانیان دوتابعیتی توسط جمهوری اسلامی، به شهروندان خود نسبت به سفر به ایران هشدار داده‌اند! جای تعجب دارد که یک مقام امنیتی به خاطر مرگ پدر و ارث و میراث و با اطلاع مقامات بالاتر راهی ایران شده و چند ماه بعد هم ارتقاء مقام به معاونت اداره امنیت شهر کلن پیدا کرده است!

مجله آلمانی فوکوس روز جمعه ۸ ژوئیه گزارش داد که یک مقام ارشد سازمان امنیت آلمان به ایران سفر کرده است.

فلور بادنبرگ معاون جدید اداره امنیت شهر کلن بر اساس تحقیقاتی که فوکوس به عمل آورده، در یک سفر خصوصی به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده است. این اقدام آشکارا برخلاف مقررات امنیتی اداره‌ای است که بادنبرگ به معاونت آن منصوب شده است.

فلور بادنبرگ که در تهران به دنیا آمده در ۲۲ ژوئن امسال از سوی نائسی فزِر وزیر کشور آلمان فدرال (سوسیال دمکرات) در سازمان امنیت داخلی کلن ارتقاء مقام یافت. اما وی چندین ماه پیش به تهران سفر کرده بود تا پس از مرگ پدرش به رتق و فتق امور مربوط به ارثیه بپردازد و با این کار مقررات امنیتی اداره متبوع خود را زیر پا گذاشته است. بر اساس این مقررات همه‌ی کارکنان اداره امنیت آلمان (اداره حفاظت از قانون اساسی) از سفر و اقامت در کشورهایی مانند ایران، سوریه و یا روسیه که احتمال تهدید آنها به دستگیری به اتهام جاسوسی وجود دارد اکیدا منع شده‌اند.

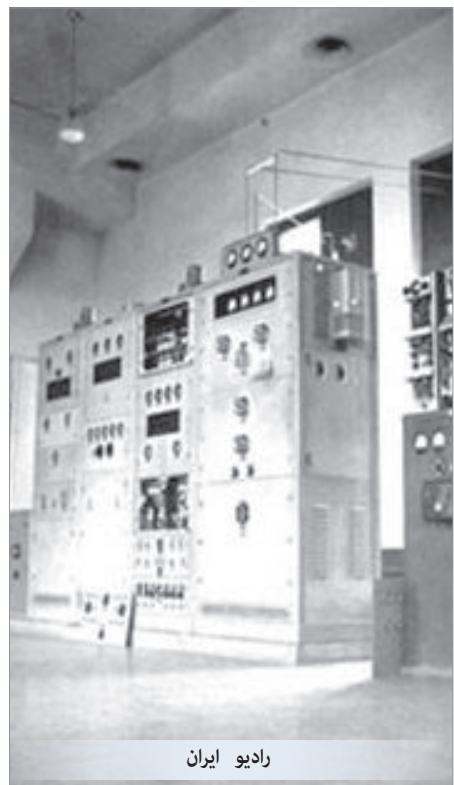
سازمان امنیت آلمان اصل را بر این گذاشته است که این مقام ۴۶ ساله از زمان ورود به ایران بطور جدی از سوی امنیتی‌های جمهوری اسلامی تحت نظر قرار داشته است. یک مقام عالی‌رتبه امنیتی به مجله فوکوس می‌گوید: «اداره ضدجاسوسی جمهوری اسلامی بسیار دقیق ثبت کرده است که وی چه کسانی را کجا ملاقات کرده. به این ترتیب این افراد مورد اعتماد کسی به شمار می‌روند که به عنوان یک مقام ارشد در آلمان به دنبال شکار جاسوسان ایران است! درواقع افرادی که بادنبرگ در تهران با آنها ارتباط داشته می‌توانند در معرض خطر قرار بگیرند.»

همسایه و حتی اروپا هنگام شب صدا بگوش می‌رسید و من هم در پاریس و هم در دهلی‌نو در هتل با رادیوی معمولی شبها از آن استفاده می‌کردم.

پخش پارازیت روی امواج با فرکانس زیاد مانند تلویزیون و ساتلایت (فرستنده ماهواره‌ای):

امواج تلویزیونی از کانالهای 2 ال 7 اغلب روی موج خیلی کوتاه VHF و از آن به بعد روی امواج کوتاهتر بنام UHF پخش می‌شوند و هنگامی که به ارتباط ماهواره‌ای می‌رسیم بایستی امواج SHF و بالاتر از آن GHz امواج میکرومتری گیگاهرتز (گیگا) بکار برده شود و در نتیجه اقدام به پخش پارازیت روی هر کدام از این امواج که منجر به فلج کردن پخش برنامه تصویری شود تکنیک خودش را دارد و فرستنده‌ای با قدرت و موج متناسب در هر مورد باید انتخاب نمود.

امواج ساتلایتی (ماهواره‌ای) چون بصورت مستقیم از ماهواره روی آنتن گیرنده (دیش) هدایت می‌شود، پخش پارازیت روی آن خالی از اشکال نیست مگر اینکه فرستنده‌ای با قدرت بسیار زیاد به کار برده شود که کلاً ردیف امواج آن ماهواره را مغشوش کرده و گرفتن آن را برای علاقمندان و صاحبان گیرنده‌های ساتلایتی غیرممکن سازد و مطلبی را که در مطبوعات از جهت خطرناک بودن پخش این امواج برای سلامت عمومی ذکر می‌نمایند بعلت بکار بردن این قدرت فرستنده‌های مزاحم پارازیتی یا پارازیت‌انداز می‌باشد که به نظر نویسنده این سطور اقدامی است عبث، چون در شرائط امروز صنایع و ابداعات و اختراعات صدا و تصویر، این کارها نتیجه کاملی نمی‌دهد و هزاران راه ارتباطی دیگر جهت کسب



رادیو ایران

و ارسال خبر وجود دارد و آگاهی مردم بیش از آنست که دولتها با صرف هزینه‌های زیاد بخواهند جلوی شنیدن و دیدن مردم را بگیرند با توجه به این امر که اغلب این نوع اعمال پارازیتی جنبه محلی دارد و در تمام کشور عملی نیست.



مردم آزاری گشت ارشاد اسلامی و «پلیس شریعت» و مزاحمت برای زنان در کوچه و خیابان و اماکن عمومی

## نقض قانونی و قهرآمیز آزادی‌های شهروندی توسط حکومت جز دامن زدن به خشم و انزجار در جامعه نتیجه‌ای ندارد

● «در سیستم‌های ایدئولوژیک مثل جمهوری اسلامی و طالبان، پلیس شریعت مسئولیت کنترل اجتماعی را بر عهده دارد و نظام سیاسی تمام‌قد پشت سر هرگونه اعمال خشونت علیه بی‌حجابی یا روابط خارج از عرف می‌ایستد. اما اینگونه رفتار قهری فاقد ویژگی بازدارندگی در مردم است و به نظر می‌رسد حکومت هم خود به بی‌اثر بودن سرکوب اجتماعی واقف است چون می‌بیند که طی چهل سال این رویه جواب نداده اما بی‌علاقگی و نفرت حکومت از عامه مردم موجب شده با وجود شکست این سیاست، این بگیر و ببندها هرسال شدیدتر از قبل اعمال شود و البته باز هم نه تنها به نتیجه‌ای نرسد، بلکه با واکنش برعکس از سوی جامعه روبرو شود!»

فیروزه نوردستروم - بسیاری از زنان و مردان در ایران دست‌کم یکبار به دلیل آنچه حکومت آن را مبارزه با «بدحجابی» یا «روزه‌خواری» یا «شرابخواری» می‌نامد، با زور و با خشونت و تهدید و ضرب و جرح بازداشت شده‌اند و بعد از دادن تعهد یا گذاشتن وثیقه یا پرداخت جریمه آزاد شده‌اند. آنها در طول بازجویی و با زندان با انواع برخوردها و رفتارهای توهین‌آمیز، تحقیرآمیز، زشت‌گویی و کتک توسط ماموران نیروی انتظامی، پلیس راهور و یا مامور پلیس امنیت اخلاقی روبرو می‌شوند. برخوردهای قهری با زنان و مردان چه پیامدهایی در کنش‌های اجتماعی آنها در بازگشت به جامعه ایجاد می‌کند؟ آیا این نوع برخوردها در پیشبرد سیاست‌های حکومت جهت ترویج حجاب و روزه و پرهیز از شرابخواری تأثیری دلخواه رژیم داشته است؟

کیهان لندن این پرسش‌ها را با امیررضا پرچلم فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه «علامه طباطبائی» تهران در میان گذاشته است. وی معتقد است: «برخورد قهری با زنان و جوانان موجب ایجاد دلزدگی و دین‌گریزی در آنها شده است.» به گفته این روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل اجتماعی، جنبه‌های «اصلاحی» بگیر و ببند و بازداشت در مسائل اجتماعی بسیار ناچیز است و اینکه تصور شود با بازداشت‌های تحقیرآمیز، افراد اصلاح می‌شوند تصور اشتباهی است. وی با بیان اینکه شیوه تهاجمی حکومت و پلیس دینی که می‌توان برای آن عنوان «پلیس شریعت» را هم به کار برد، در برخورد با جوانان نتایج معکوس به بار آورده معتقد است: «احترام به حریم خصوصی افراد و اجتناب از برخورد قهری ممکن است مقبولیت و مشروعیت به همراه داشته باشد اما سرکوب قطعاً موجب نفرت و دلزدگی از شریعت و ساختار حاکمیت خواهد شد. بر مبنای عقلانی، هر حکومت یا دولتی سعی دارد میزان محبوبیت خود را نزد افکار عمومی بالا ببرد اما اینکه گروه یا افرادی تصور می‌کنند با برخورد خشن و تهاجمی محبوب‌تر می‌شوند، جای تأمل دارد.»

در مقابل این مردم‌آزاری حکومتی اما نهادهای مسئول بر اساس اهداف ایدئولوژیک و عقیدتی نسبت به مجرمان و متخلفان به شیوه دیگری برخورد می‌کنند. نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی خشونت و آزار جنسی» با اشاره به موضوع مجازات‌های جایگزین همراه با مدارا و آسان گرفتن نسبت به متخلفان اضافه می‌کند: «جنبه بازدارندگی مجازات‌ها در ایران به شدت پایین است، مثلاً بیشتر سارقان در طول دوره زندان در کلاس‌های اخلاق و آموزه‌های دینی که معمولاً با حضور روحانیون هم برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و حتی در نماز جماعت هم حاضر می‌شوند و در مراسم مذهبی مثل شب‌های قدر یا عاشورا و تاسوعا حضوری فعال دارند اما عملاً وقتی بیشتر همین افراد از زندان آزاد می‌شوند در مسیر رفتن به خانه هم مرتکب سرقت می‌شوند یا برای از سر گرفتن بزه خود در روزهای بعد برنامه‌ریزی می‌کنند که این نشان می‌دهد هیچگونه بازدارندگی صورت نگرفته و آموزه‌های اخلاقی به خاطر سیاست‌زدگی کوچکترین بازدارندگی به همراه نداشته است.»

امیررضا پرچلم در خصوص تشدید مجازات زنان به اصطلاح «بدحجاب» می‌گوید: «یک دختر یا زن وقتی به خاطر حجاب یا معاشرت با جنس مخالف بازداشت می‌شود، دچار ضربه روحی بدی می‌شود و زشتی خیلی از مسائل برای او شکسته می‌شود؛ در بازداشتگاه‌ها و هنگام اعزام به دادگاه به آنها دستبند می‌زنند و چادر سرهای سر آنها می‌کنند که تصویر ناخوشایندی در حالت پربشانی و بازداشت ایجاد می‌کند و معمولاً قضات هم برخورد تند و غیرمؤدبانه‌ای با آنها دارند، اینها باعث می‌شود اعتماد به نفس آنها از بین برود.»

به گفته این محقق و نویسنده، در محدود مواردی چون بیشتر کارشناسان پرونده‌ها در پلیس از بدنه مردم هستند با دل‌رحمی و مدارا گزارش‌های نهایی را تنظیم می‌کنند تا پرونده مختومه شود اما این روال همیشه وجود ندارد. برای نمونه در موردی مثل شرابخواری سختگیری‌ها بیشتر است البته سختگیری منطقی درباره مصرف الکل مثلاً در ارتباط با رانندگی در همه جای دنیا وجود دارد اما در ایران به خاطر نبود الکل مرغوب و استاندارد و تلفات ناشی از مشروبات تقلبی که خسارات جانی گسترده به بار آورده سختگیری‌ها بیشتر است تا جایی که حکم اعدام برای آن در قوانین شرعی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است.

وی با بیان اینکه پلیس شریعت در ایران به شدت به روابط زن و مرد و میهمانی‌های مختلط حساس است و در این مورد برخورد شدید و قهرآمیز دارد، تأکید می‌کند: «برخورد با میهمانی‌های مختلط از سوی بسیج و نیروی انتظامی صورت می‌گیرد و بازداشتی‌های اینگونه مراسم به عنوان عنوان فاسد اخلاقی محاکمه می‌شوند و در برخی موارد اگر کسی بار

اولش باشد ممکن است با یک تعهد نامه و نصیحت‌های افسر پلیس یا روحانی حاضر در مرکز پلیس، سر و ته ماجرا را سر هم بیاورند اما در مجموع برخورد شدید در دستور کار قرار دارد و حتی مواردی آزار جنسی و کلامی در بازداشتگاه‌ها با افراد وجود داشته چون نگاه غالب این است که اگر کسی اهل مهمانی یا معاشرت خارج از عرف با جنس مخالف باشد، منعی در آزار جنسی به چنین فردی که خود را به راحتی عرضه می‌کند، وجود ندارد! این نگرش در بیشتر کشورهایی که نگاه افراطی مذهبی به پدیده زن و روابط اجتماعی دارند، وجود دارد و فکر می‌کنند به دختری که متهم به روابط نامشروع است می‌توان تجاوز کرد! در این کشورها اگر یک دختر یا زن با پوشش به نظر مذهبیون، نامناسب، مورد آزار جنسی واقع شود، از نگاه افراطیون و روحانیون مترج تقصیری متوجه تجاوزکننده نیست چون آن زن یا دختر نایست اندام خود را برای مردان آشکار می‌کرده است.»

نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی خشونت و آزار جنسی» در ادامه با اشاره به پایین آمدن آستانه تحمل حکومت جمهوری اسلامی در برخورد با معترضان خاطر نشان می‌کند: «در شرایط حاضر سختگیری در حوزه پوشش و حجاب در ایران به شدت تشدید شده و گریبان مردان را هم گرفته است و پلیس شریعت یا همان «امنیت اخلاقی» به صورت قهرآمیز و خشن وارد عمل می‌شود. این رویه ناشی از سرریز شدن آستانه تحمل حکومت به خاطر گسترش موج اعتراضات معیشتی از یکسو و بی‌علاقگی حکومت به رفاه و آرامش مردم از سوی دیگر است. چون مردم علاقه‌ای به همراهی با گفتمان سیاسی و مذهبی حاکم ندارند، حکومت هم چندان خود را برای رفاه و آرامش آنها مسئول نمی‌داند و ترجیح می‌دهد با سرکوب و فشار مداوم، آنها را مجازات کند و در نهایت با یک طبقه متوسط ضعیف وارد چالش شود.»

امیررضا پرچلم در پایان به زن‌ستیزی نهادینه در قوانین و رویکردها و سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی اشاره و تصریح می‌کند: «در سیستم‌های ایدئولوژیک مثل جمهوری اسلامی و طالبان، پلیس شریعت مسئولیت کنترل اجتماعی را بر عهده دارد و نظام سیاسی تمام‌قد پشت سر هرگونه اعمال خشونت علیه بی‌حجابی یا روابط خارج از عرف می‌ایستد. اما اینگونه رفتار قهری فاقد ویژگی بازدارندگی در مردم است و به نظر می‌رسد حکومت هم خود به بی‌اثر بودن سرکوب اجتماعی واقف است چون می‌بیند که طی چهل سال این رویه جواب نداده اما بی‌علاقگی و نفرت حکومت از عامه مردم موجب شده با وجود شکست این سیاست، این بگیر و ببندها هرسال شدیدتر از قبل اعمال شود و البته باز هم نه تنها به نتیجه‌ای نرسد، بلکه با واکنش برعکس از سوی جامعه روبرو شود!»



## طرح‌های احمد بارکی‌زاده از دادگاه حمید نوری در استکهلم



احمد بارکی‌زاده

همچنین دموکراسی‌ها به شمار می‌رود. اما برای مظنونان و قربانیان همیشگی که از بیدادگاه‌های چند دقیقه‌ای، نیمه‌جانی به در برده‌اند، این دادگاه چه درس‌هایی دارد؟ آنهایی که «خشم انقلابی» حجت‌الاسلام خلخالی را تحسین و توجیه می‌کردند، و حتا مشتاق خیرچینی برای نظام بودند، اکنون با این دادگاه، به چه پرسش‌هایی باید پاسخ بگویند؟!

دادگاه حمید نوری، یادآور دادگاه‌های دیگریست که می‌بایست برگزار شود: نه در سوئد، نه در تهران، بلکه در درون انسان‌ها!

آمار و ارقام نمی‌توانند تصویر کاملی از فاجعه ۶۷ و بطور کلی جنایاتی که جمهوری اسلامی علیه شهروندان ایران مرتکب شده و همچنان می‌شود، ارائه دهند. در این میان روایت‌های هنری، گرچه فرآیندی غیرقابل پیش‌بینی و، معمولاً، آهسته و زمان‌بر است، اما از ماندگارترین روایت‌های مستند است.

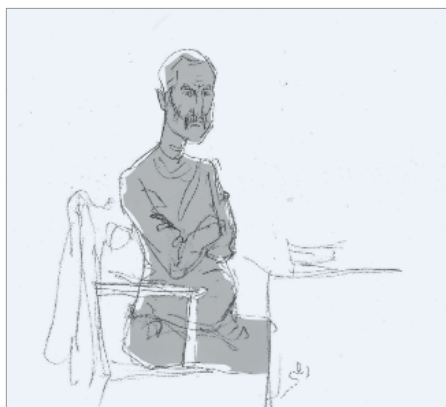
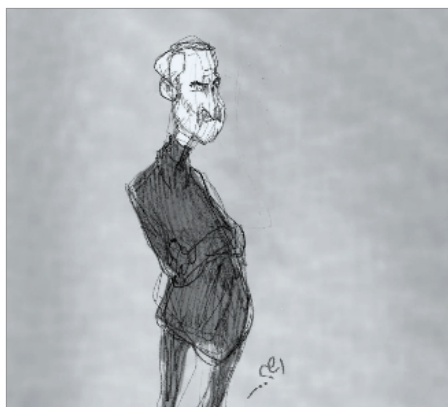
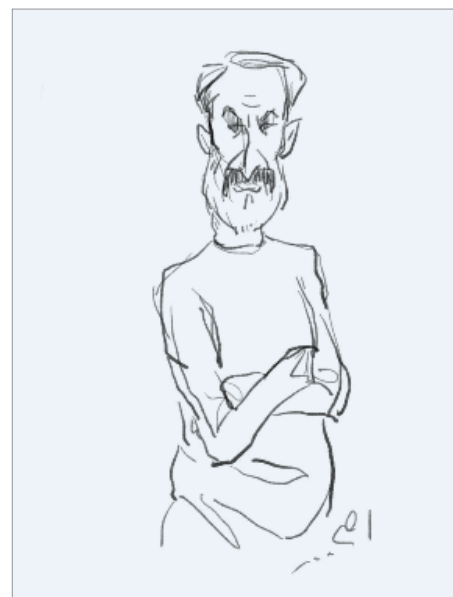
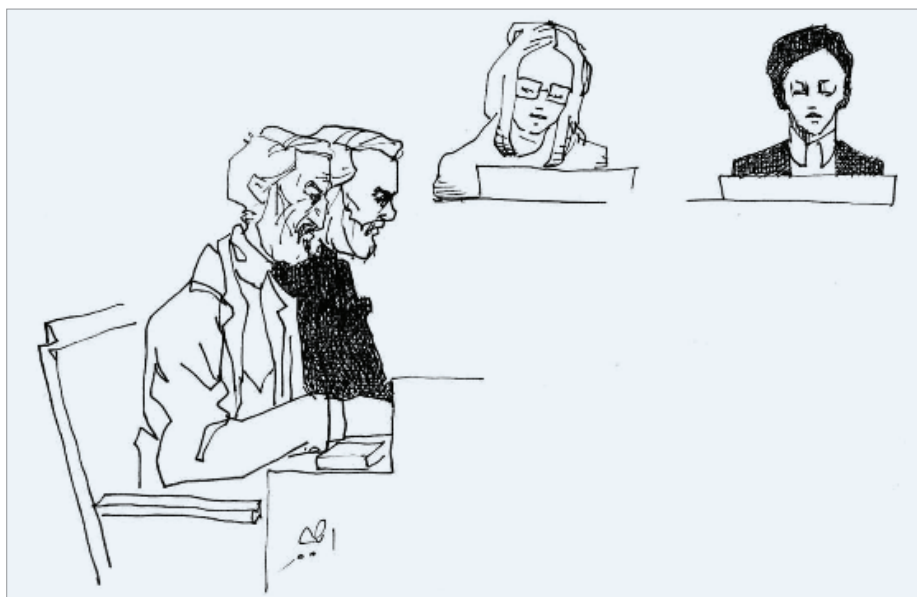
احمد بارکی‌زاده همکار کیهان لندن از نخستین هنرمندانی است که خود را از کشوری دیگر به سوئد رساند تا از نزدیک شاهد این رویداد تاریخی باشد. نمونه‌هایی از طرح‌های وی در این دادگاه به مناسبت اعلام حکم دادگاه حمید نوری در استکهلم منتشر می‌شود.

حمید نوری نخستین مقام جمهوری اسلامی است که به اتهام جنایت و کشتار زندانیان سیاسی در یک دادگاه منطبق بر موازین بین‌المللی محاکمه شده است.

با اینهمه واقعیت این است که «آی‌شم»‌های جمهوری اسلامی هنوز داوری نشده‌اند. «استکهلم»، «اورشلیم» سرد حمید نوری است! همان سرزمین موعودی که او و «برادران» با کمپانی‌هایش عقد مشارکت می‌بندند، با ماهروانش نزد عیش و عشرت می‌بازند و در روزگار عسرت، از این امامزاده، چشم معجزه و معاوضه و مبادله جنایتکاران‌شان با زندانیان بی‌گناهی دارند که در نظام مقدس‌شان به همین منظور به گروگان گرفته شده‌اند!

در تابستان سیاه ۱۳۶۷، وقتی جهان غرب، بنا بر بعضی «ملاحظات»، بر کشتار زندانیان سیاسی در ایران، چشم فرو بست، فکرش را نمی‌کرد یکی از آن تبهکارانی که زیر فرش ایران پنهان کرده، روزی سر و کارش به دادگاهی در سوئد بیفتد!

با محاکمه حمید نوری، بخشی از دیپلماسی چهل سال گذشته‌ی اروپای کم‌حافظه، به چالش کشیده شده است. در شرایطی که برای حفظ «امنیت»، هنوز هم، «ملاحظات»، مهم‌تر از حقوق بشر و جان انسان‌ها، در میان است، این دادگاه آزمونی برای ارزش‌های خدشه‌دار شده اروپا و



## توافق هسته‌ای و دیدگاه‌های کیسینجر؛ سازش با تروریسم و خطر اتمی رژیم ایران؟ هرگز!



هنری کیسینجر / ژوئیه ۲۰۲۲

بسیاری از کشورهای جهان از جمله برخی کشورهای مهم منطقه بر این باورند که حمله روسیه به اوکراین کانال‌های تازه‌ای را برای دور زدن تحریم‌ها توسط ایران باز کرده که این کانال‌ها راه‌های وسیعی را به روی شرارت‌های تهران می‌گشاید. از سویی سیاست نرم کشورهای غربی در مقابل رژیم ایران باعث شد تا تهران همیشه از موضع قدرت و امتناع از بازگشت به توافقنامه ۲۰۱۵ و بدون دادن هرگونه امتیاز وارد مذاکرات تکراری و بی‌نتیجه شود.

جمهوری اسلامی ایران با نقض تعهدات مندرج در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ در رابطه با افزایش فعالیت غنی‌سازی و عبور از میزان ۵ درصد مورد توافق برجام و نیز با افزایش سانتریفیوژهای خود به صورت علنی میزان غنی‌سازی را از ۶۰ درصد هم فراتر برده است.

البته مشخص است که جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا با رهبران عربستان سعودی و دیگر سران کشورهای عربی در منطقه، پرونده رژیم ایران و گزینه‌های سیاسی پس از شکست توافق هسته‌ای را بررسی خواهند کرد. از این رو، پیش‌بینی می‌شود طی روزهای آینده شاهد آغاز دور جدیدی از فعالیت تسلیحاتی و تروریستی رژیم ایران در منطقه و تحرکات تحریک‌آمیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آب‌های خلیج فارس و افزایش حضور یگان‌های نظامی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در منطقه باشیم.

البته رژیم ایران برای حضور در منطقه جنوبی دریای سرخ هیچ‌گونه توافقنامه نظامی با کشورهای منطقه ندارد که از آبراه بین‌المللی برای عبور به سایر مناطق خارج از دریای سرخ استفاده کند. بنابراین هرگونه فعالیت نظامی در دریای سرخ به عنوان نقض آشکار حقوق دریایی بین‌المللی ←

آخوندها در ایران و سیراب کردن عطش آنها برای گسترش هرج و مرج در خاورمیانه است.»

یک هفته پیش شاهد بودیم که چگونه به محض از سر گرفته شدن آخرین تلاش‌ها در قطر برای نجات توافق هسته‌ای در دوحه، مقامات جمهوری اسلامی به گونه‌ای عمل کردند که واشنگتن تنها ساعتی پس از مذاکره شکست آن را اعلام کرد.

همزمان با این تحولات مقامات رژیم ایران با دنبال کردن سیاست قبلی خود برای وقت‌کشی بیشتر، تاکید کردند که برای دور جدید دیگری از مذاکره با آمریکایی‌ها در دوحه آماده هستند! درواقع مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته موفق شدند از مذاکرات «سقف باز» و طولانی که قدرت‌های بزرگ درگیر آن بودند، برای وقت‌کشی به سود خود بهره‌برداری کنند. کشورهای غربی با این سیاست به تهران فرصت دادند تا آنها، به ویژه آمریکا را، با وقت‌کشی به بازی بگیرد.

در این میان، برخی رسانه‌های آمریکایی به نقل از یک منبع در دولت بایدن گزارش داده‌اند که مذاکرات دوحه به محض پایان سفر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا به عربستان سعودی از سر گرفته می‌شود.

### مذاکرات بی‌پایان با رژیم ایران

مذاکرات با «سقف باز» و از نظر زمان بی‌پایان، برگ برنده مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی است.

در حالی که غرب در مذاکرات خود با تهران روی تاثیر فشار تحریم‌ها شرط‌بندی می‌کند، ناظران بر این باورند که سیاست تحریم‌ها ناکارآمدی خود را ثابت کرده است.

● کیسینجر که به تازگی ۹۹ ساله شده است می‌گوید با توجه به ماهیت رژیم ایران، اعتماد یا تکیه کردن بر چنین رژیم‌هایی از جمله در اجرای توافق اتمی بسیار دشوار است.

● بسیاری از ناظران از تلاش‌های مستمر اروپایی‌ها برای احیای توافقی که مدت‌هاست وارد مرحله مرگ بالینی شده است شگفت‌زده شده‌اند.

● کیسینجر همچنین می‌گوید: «بازگشت به توافقی که به اهداف اصلی‌اش نرسیده، خطرناک است، به خصوص که این توافق اساساً کافی نبود، بلکه آنچه خطرناکتر است تلاش مذاکره‌کنندگان غربی برای تعدیل این توافق جهت کسب رضایت آخوندها در ایران و سیراب کردن عطش آنها برای گسترش هرج و مرج در خاورمیانه است.»

● هنری کیسینجر تأکید می‌کند که به عقیده‌ی وی قبل از اینکه رژیم ایران به سلاح هسته‌ای برسد، اسرائیل دست به اقدام پیشگیرانه خواهد زد: اسرائیل احتمالاً یا ریسک قرار گرفتن در معرض یک حمله هسته‌ای از سوی تهران را هرگز نخواهد پذیرفت!

خالد الیمانی (ابندپندنت عربی) - در آخرین شماره نشریه بریتانیایی «اسپکتاتور» که در لندن منتشر می‌شود، هنری کیسینجر سیاستمدار و دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی در مصاحبه‌ای با اندرو رابرتز مورخ و روزنامه‌نگار بریتانیایی تاکید کرد، هنوز درباره هدف اصلی توافق هسته‌ای (برجام) سال ۲۰۱۵ دولت باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و اعضای دائمی در شورای امنیت، آلمان و اتحادیه اروپا با رژیم ایران، شک و تردید دارند.

کیسینجر که به تازگی ۹۹ ساله شده است، افزود که با توجه به ماهیت رژیم ایران، اعتماد یا تکیه کردن بر چنین رژیم‌هایی از جمله در اجرای توافق اتمی بسیار دشوار است.

کیسینجر با اذعان به اینکه تلاش‌های مستمر در سال‌های گذشته الگویی را ایجاد کرده که می‌تواند روند پیگیری بی‌وقفه رژیم ایران برای تسلیحات هسته‌ای را کند کند، تاکید کرد که وضعیت اکنون پیچیده‌تر شده است زیرا جمهوری اسلامی بی‌وقفه تعهدات توافق قدیمی خود را زیر پا گذاشته و پروژه هسته‌ای را برای مقاصد نظامی‌اش تسریع کرده است.

از نظر کیسینجر رویکردهای هسته‌ای نظامی رژیم ایران ممکن است کشورهای منطقه مانند سعودی، مصر و اسرائیل را به واکنش‌هایی که اوضاع را انفجاری‌تر کند، وادارد.

بسیاری از ناظران از تلاش‌های مستمر اروپایی‌ها برای احیای توافقی که مدت‌هاست وارد مرحله مرگ بالینی شده است شگفت‌زده شده‌اند.

همچنین پرسش‌هایی درباره نوع توافقی‌هایی که پشت پرده در حال انجام است و بسیاری از مردم جهان چیزی از آنها نمی‌دانند، مطرح می‌شود. اغلب کشورهای جهان سؤالاتی درباره نتایج سازش و مدارا با رژیم‌های بی‌بجای سیاست‌های مهار و مقابله با آن را مطرح می‌کنند.

کیسینجر می‌گوید: «بازگشت به توافقی که به اهداف اصلی‌اش نرسیده، خطرناک است، به خصوص که این توافق اساساً کافی نبود، بلکه آنچه خطرناکتر است تلاش مذاکره‌کنندگان غربی برای تعدیل این توافق جهت کسب رضایت





استقبال یائیر لاپید از جو بایدن در فرودگاه تل آویو

یک صهیونیست تعریف کردید. گفتید که برای صهیونیست بودن لازم نیست یهودی باشید. حق با شما بود و شما یک صهیونیست بزرگ و یکی از بهترین دوستانی هستید که اسرائیل تا کنون داشته است.»

چک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید به خبرنگارانی که با بایدن سفر می‌کردند، گفت که بایدن قصد دارد در طول این سفر «بیشرفت واقعی» و «موفق» در مورد مسائلی مانند امنیت منطقه‌ای به دست آورد، اما او از توضیح چگونگی تعریف موفقیت توسط دولت خودداری کرد. سالیوان افزود که رئیس جمهور به دنبال اطمینان از عرضه کافی انرژی در بازارهای جهانی است و در این مورد نیز به گفتگو خواهد پرداخت. از برنامه‌های بایدن در این سفر مذاکره با یائیر لاپید و اسحاق هرزئوگ و همچنین محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و نیز دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر سابق اسرائیل و رهبر اپوزیسیون است.

یکی از اولین برنامه‌های بایدن بازدید از توأفندی‌های موشکی و پدافندی اسرائیل و بنای یادبود هولوکاست بوده است. بایدن قرار است روز پنجشنبه ۱۴ ژوئیه در نشست مجازی با شماری از مقامات اسرائیل، هند و امارات متحده عربی شرکت کند. یک مقام آمریکایی گفت انتظار می‌رود دولت بایدن مذاکرات جدیدی را بین ایالات متحده و اسرائیل برای توسعه مشترک سیستم پدافند لیزری (پرتو آهنین) جهت ایجاد سپری در مقابل حملات نیروهای شبه نظامیان وفادار به جمهوری اسلامی آغاز کند که شراکت استراتژیک دو کشور را تقویت می‌کند. نیکی هیلی سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد در ارتباط با این سفر می‌گوید «تلاش‌های بایدن برای «احیای برجام» سبلی به صورت اسرائیل و متحدان عرب ماست.» هیلی در مقاله‌ای که همزمان با سفر بایدن به منطقه در «فاکس نیوز» منتشر شده به ارسال صدها «پهپاد انتحاری» از ایران به روسیه برای جنگ اوکراین اشاره کرد و گفت که «رژیم ایران به روسیه پهپاد می‌فروشد و به نیروهای آمریکایی حمله می‌کند اما بایدن هنوز هم می‌خواهد با آیت‌الله‌ها معامله کند.» او همچنین تأکید کرد مقامات اسرائیلی و عربستان سعودی در حمایت آمریکا از آنها در برابر تهدیدات از جمله در اقدام آمریکا برای جلوگیری از تبدیل شدن رژیم ایران به یک قدرت هسته‌ای تردید دارند.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی مشهور به «قاضی مرگ» نیز در واکنش به سفر بایدن به منطقه بر تهدیدات جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت «رفت و آمد آمریکایی‌ها به منطقه برای صهیونیست‌ها امنیت‌ساز نیست!» گفته می‌شود یکی از محورهای اصلی سفر بایدن به منطقه گفتگو درباره ساز و کار تشکیل ائتلاف عربی-عبری یا «ناتو خاورمیانه» علیه تهدیدات پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی است.

## وال استریت ژورنال:

# بایدن در سفری پرخطر به خاورمیانه برای تقویت روابط با متحدان آمریکا وارد اسرائیل شد

● مقامات آمریکایی این سفر چهار روزه به اسرائیل و عربستان سعودی را فرصتی برای تقویت روابط و ارتقای ثبات در منطقه، از جمله با نزدیک‌تر کردن اسرائیل و عربستان می‌بینند. ● متحدان بایدن نگرانند که او بدون پیشرفت قابل توجه در زمینه انرژی یا مسائل حقوق بشر و با دست خالی به ایالات متحده بازگردد؛ جایی که او با کاهش محبوبیت و افزایش قیمت‌ها آنهم در حالی که انتخابات میان‌دوره‌ای در پیش روست، دست و پنجه نرم می‌کند. ● یائیر لاپید در سخنانی در استقبال از بایدن گفت «شما خود را یک صهیونیست تعریف کردید. گفتید که برای صهیونیست بودن لازم نیست یهودی باشید. حق با شما بود و شما یک صهیونیست بزرگ و یکی از بهترین دوستانی هستید که اسرائیل تا کنون داشته است.»

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا که چهارشنبه ۱۳ ژوئیه (۲۲ تیرماه) با هدف تقویت روابط با اسرائیل به تل آویو سفر کرد در فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون مورد استقبال یائیر لاپید نخست وزیر و اسحاق هرزئوگ رئیس جمهور اسرائیل قرار گرفت. به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال» جو بایدن امیدوار است با این سفر روابط آمریکا در منطقه را تقویت کند و هرچند محدود اما بتواند پیشرفتی در اولویت‌های آمریکا در خاورمیانه به دست آورد.

بایدن اندکی پس از ورود به اسرائیل گفت: «ارتباط میان مردم اسرائیل و مردم آمریکا تا بسیار عمیق است و این اولین سفر او به اسرائیل به عنوان رئیس جمهور به این کشور است.» یائیر لاپید نخست‌وزیر موقت اسرائیل نیز گفت: «آقای رئیس جمهور، از اینکه شما را به عنوان یک دوست خوب اینجا می‌بینیم خوشحالم.»

مقامات آمریکایی این سفر چهار روزه به اسرائیل و عربستان سعودی را فرصتی برای تقویت روابط و ارتقای ثبات در منطقه، از جمله با نزدیک‌تر کردن مناسبات اسرائیل و عربستان می‌بینند. در عین حال این سفر آغازگر رویه‌ای مشترک برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی توصیف می‌شود. اما متحدان بایدن نگرانند که او بدون پیشرفت قابل توجه در زمینه انرژی یا مسائل حقوق بشر و تقریباً با دست خالی به ایالات متحده بازگردد، جایی که او با کاهش محبوبیت و افزایش قیمت‌ها آنهم در حالی که انتخابات میان‌دوره‌ای در پیش است دست و پنجه نرم می‌کند.

در روزهای اخیر، مقامات کاخ سفید به دنبال کاهش توقعات از این سفر بودند. آنها معتقدند که رسیدن به توافقاتی در مورد قیمت‌های بالای انرژی و عادی ساختن روابط اسرائیل و کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی ممکن است زمان طولانی‌تری نیاز داشته باشد. لاپید در سخنانش در استقبال از بایدن گفت «شما خود را

توسط رژیم ایران تلقی خواهد شد.

رژیم ایران با سیاست «سقف باز» در مذاکرات هسته‌ای برای ساختن بمب اتمی گام‌های بیشتری برمی‌دارد. جمهوری اسلامی متوجه است که به دلیل عدم جدیت واشنگتن در فعال کردن گزینه‌های بازدارنده زیادی که در اختیار دارد، در این رویکرد به امتیازهای قابل توجهی دست خواهد یافت. تهران همچنین متوجه است که فاکتور زمان با سیاست «سقف باز» به نفع آن عمل می‌کند و چشمش به درگیری غرب با روسیه است و برای قلدری بیشتر درخواست پیوسته به گروه «بریکس» [گروه اقتصادهای قدرتمند نوظهور شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی] با رهبری روسیه و چین را دارد.

## گزینه‌های جایگزین در واشنگتن

آلترناتیوهای سیاسی ارائه شده از سوی اندیشکده‌های آمریکایی به دولت‌های آمریکا همیشه گزینه بازدارندگی را رد کرده و ترجیح می‌دهند که از طریق تحریم‌هایی که ناکارآمدی خود را ثابت کرده‌اند، علیه تهران اعمال فشار کنند.

کریم سجادپور آمریکایی ایرانی‌تبار که از اعضای ارشد بنیاد «کارنگی» برای صلح بین‌المللی است، در مقاله‌ای در مجله «مسائل بین‌المللی» می‌نویسد راه حل اساسی در مهار کردن تهران نهفته است. این نویسنده تأکید می‌کند که شکست رژیم تهران به دست هیچ نیروی خارجی نخواهد بود، بلکه فقط مردم ایران هستند که این کار را خواهند کرد، زیرا سیاست آخوندها باعث فقر بیشتر آنها شده است. مردم ایران در پی سیاست‌های غلط جمهوری اسلامی تا کنون هزینه سنگینی را متحمل شده‌اند.

اما هنری کیسینجر سیاستمدار کهنه‌کار بین‌المللی نظر دیگری دارد. او در دیدار خود با مجله انگلیسی «اسپکتاتور» گفته است که هیچ جایگزین واقعی جز نابودی قدرت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. با وجود ایران هسته‌ای هیچ راهی برای رسیدن به صلح در خاورمیانه در چشم‌انداز نیست.

این سیاستمدار قدیمی آمریکایی تأکید می‌کند که به عقیده وی قبل از اینکه رژیم ایران به سلاح هسته‌ای برسد، اسرائیل دست به اقدام پیشگیرانه خواهد زد. او همچنین گفته است: «اسرائیل احتمالاً یا ریسک قرار گرفتن در معرض یک هجوم هسته‌ای از سوی تهران را هرگز نخواهد پذیرفت!»

به این ترتیب، ما در انتظار نتایج مذاکرات نزدیک پرزیدنت بایدن در منطقه که بخش عمده آن درباره فعالیت‌های بی‌ثبات کننده رژیم ایران در خاورمیانه و تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است خواهیم ماند تا ببینیم گزینه‌های سیاسی مشترک آمریکا و هم‌پیمانانش برای جلوگیری از اقدامات و طرح‌های خرابکارانه حکومت ایران در منطقه چه خواهد بود.

اگر رویکرد بازدارندگی آمریکا برای رژیم ایران با شکست مواجه شود، آنوقت کشورهای منطقه در برابر یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای جدید قرار خواهند گرفت و آمریکا پس از آن مجبور خواهد شد تا تسلیحات تهاجمی پیشرفته‌ای را به متحدان منطقه‌ای خود بفروشد و صنایع دفاعی داخلی خود را توسعه دهد تا از گسترش نفوذ اقتصادی و صنعتی چین و روسیه جلوگیری کند. این بزرگترین معضل رهبری جهانی است که در حال تغییر است.

\*منبع: ایندپندنت عربی

\*نویسنده: دکتر خالد الیمانی وزیر خارجه سابق یمن

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

باعث افزایش بیماری‌های مقاربتی و همچنین ایدز در بزرگسالان می‌شود و احتمال بالا بردن آمار نوزادان ناسالم را نیز تشدید می‌کند. این هشدارها پس از این تقویت شد که غربالگری جنین نیز با تأیید وزارت بهداشت، تنها برای مادران زیر ۳۵ سال امکان‌پذیر شده، آنهم وقتی سابقه مشکلات ژنتیک داشته باشند.

فشار دستگاه بهداشت و درمان با حذف خدمات‌رسانی به متقاضیان، واکنش کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل را نیز به دنبال داشت که در بیانیه‌ای اعمال قوانین کیفری با هدف افزایش زاد و ولد برای زنان و دختران را «تبعیض‌آمیز» توصیف و از آن انتقاد کردند.

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای به گزارش هشدارآمیز آنتونیو گوترش به اجرای قانون «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» واکنش نشان داد و اعلام کرد: «بر طبق اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با هدف صیانت از تحکیم خانواده و جهت پیشگیری از عوارض خطرناک پزشکی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی سقط جنین و دغدغه مندی پیرامون کاهش نرخ جمعیت، تصویب شده است. بخش اعظم این طرح اختصاص به بندهای تشویقی (تسهیلات معیشتی، رفاهی

## راه‌اندازی سامانه عجیب و غریب خبرچینی درباره «عدم باورمندی» کادر درمان به طرح «افزایش جمعیت»!

معاون زنان ابلاغ شد. بر مبنای این قانون، یک ستاد «ملی جمعیت» با ریاست رئیسی و عضویت نهادهای حاکمیتی اعم از امنیتی و نظامی، تشکیل شد تا هر ۳ ماه یکبار موضوع را با تشکیل جلسه بررسی کند!

برای اجرای همه‌گیر قانون افزایش جمعیت، بیشتر نیز وزارت بهداشت، دسترسی به وسایل جلوگیری از باروری را محدود کرد، چنانکه گزارش‌های وحشتناکی از نبود ابتدایی‌ترین وسایل جلوگیری از بارداری در مناطق محروم و تنگدستی چون سیستان و بلوچستان منتشر می‌شود که قبلاً این وسایل را از طریق بهداری‌ها و مراکز درمانی زیر نظر

● در راستای تشدید بگیر و بند زنان و بسته‌تر کردن فضای اجتماعی برای زنان و دختران، وزارت بهداشت با راه‌اندازی یک سامانه عجیب تلفنی، کادر درمان را برای اجرای طرح «افزایش جمعیت» تحت فشار قرار داده تا خواسته‌های علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی را چشم و گوش بسته اجرا کنند.

● علیرضا رحیم‌نیا مدیرکل دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی وزارت بهداشت اعلام کرد، خط ۶ سامانه ۱۹۰، به سوالات، پیشنهادات و شکایات مردمی از طرح جوانی جمعیت اختصاص یافته است.

● شهروندان با تماس با این خط می‌توانند در مورد «عدم باورمندی پرسنل به طرح افزایش جمعیت بودند» خبرچینی کرده و آن را به وزارت بهداشت گزارش دهند.

وزارت بهداشت سامانه‌ی تلفنی عجیب و غریبی راه‌اندازی کرده تا شهروندان درباره «عدم باورمندی» کادر درمان به طرح «افزایش جمعیت» مورد تأکید علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خبرچینی کرده و آنها را معرفی کنند.

در راستای تشدید بگیر و بند زنان و بسته‌تر کردن فضای اجتماعی برای زنان و دختران، وزارت بهداشت با راه‌اندازی یک سامانه عجیب تلفنی، کادر درمان را برای اجرای طرح «افزایش جمعیت» تحت فشار قرار داده تا خواسته‌های علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی را چشم و گوش بسته اجرا کنند. از مردم هم خواسته تا درباره آنهایی که مخالف طرح افزایش جمعیت حکومتی هستند، خبرچینی و جاسوسی کنند. علیرضا رحیم‌نیا مدیرکل دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی وزارت بهداشت اعلام کرد، خط ۶ سامانه ۱۹۰، به سوالات، پیشنهادات و شکایات مردمی از طرح جوانی جمعیت اختصاص یافته است. شهروندان در تماس با این خط می‌توانند، «عدم باورمندی پرسنل به طرح افزایش جمعیت» را به وزارت بهداشت گزارش دهند.

توضیحی در رابطه با مجازات پزشکان، پرستاران و بهیاران مخالف افزایش جمعیت توسط این مسئول داده نشده است ولی تأکید شده: «هرچند خوشبختانه طی بازدیدی که از تعدادی مراکز بهداشتی و درمانی داشتیم شاهد اجرای سیاست‌های ابلاغی وزارت بهداشت درباره حمایت از خانواده و افزایش جمعیت بودیم.»

به گفته‌ی رحیم‌نیا، این خط تلفن همچنین برای این طراحی شده تا شهروندان اگر «به مراکز درمانی و بهداشتی منطقه خود مراجعه کرده و شاهد تبلیغ و ترویج سیاست‌های کاهش و کنترل جمعیت بودند» نیز با آن تماس بگیرند و خبرچینی کنند!

مدیر دفتر بازرسی وزارت بهداشت، این وزارتخانه را «به اقرار نمایندگان مجلس» در مورد جوانی جمعیت «فعال‌ترین وزارتخانه» خوانده که «بر اساس تکالیف قانونی که در امر جوانی جمعیت انجام می‌دهد سبب شده از وزارتخانه‌های دیگر، خیلی جلوتر باشد!»

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مهرماه ۱۴۰۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب و یکماه بعد توسط ابراهیم رئیسی دولت، برای اجرا به وزارتخانه بهداشت و



و مسکن، حمایت بیمه‌ای از زوج‌های نابارور، فرهنگ‌سازی مناسب و تسهیلات برای مادران خانه‌دار و شاغل) و فراهم ساختن شرایط مطلوب جهت افزایش باروری و حمایت از جوانان و پویایی کشور دارد و هیچ تضادی با زندگی، حریم خصوصی و بهداشت باروری افراد ندارد.»

اتخاذ سیاست‌های ازدیاد جمعیت که خامنه‌ای بر آن اصرار می‌کند تا در خیالات خودش بر «لشکر اسلام» افزوده شود، باعث شده تا میزان سقط جنین‌های غیرقانونی و همچنین رها کردن نوزادان در کوچه و خیابان و حتی سطل زباله ابعاد چشمگیری پیدا کند. چنانکه به تازگی اعلام شده، سالانه ۴۰۰ هزار سقط جنین در ایران رخ می‌دهد که ۹۶ درصد آنها غیرقانونی هستند.

وزارت بهداشت به صورت رایگان تهیه می‌کردند. علاوه بر این، در شهرهای بزرگ نیز خریداری وسایل جلوگیری از بارداری به شدت دشوار شده است. ویدئوهایی منتشر شده مبنی بر اینکه برای خریداری این وسایل باید به چندین داروخانه مراجعه کرد. از سوی دیگر، سیاست‌های افزایش جمعیت جمهوری اسلامی، باعث شده تا سقط جنین «جرم» اعلام شود. صابر جبایی رئیس اداره جوانی جمعیت این وزارتخانه خردادماه گفت که «اگر فردی که در سقط دست داشته جزو گروه پزشکی باشد، پروانه پزشکی‌اش حتی با یکبار سقط جنین عمدی باطل می‌شود.»

این درحالیست که پزشکان و کارشناسان هشدار می‌دهند، جرم‌انگاری و ممنوعیت‌ها برای تشویق ازدیاد جمعیت،

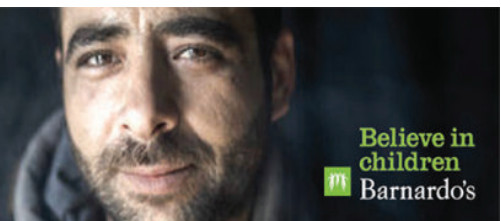
**Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده**

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in  
children  
Barnardo's



اسلامی برای بازديد از سيستم‌های پدافند در جنوب ايران از جمله پدافند تاسيسات اتمی بوشهر به جنوب کشور رفته است. اين نبروگاه با سيستم‌های ضد موشک روسی «S200» محافظت می‌شود. همان سيستمی که رژيم سوریه عليه هواپيماها و موشک‌های اسرائیلی به کار می‌برد و تقريباً در همه موارد ناموفق است!

در اين ميان اما برای جمهوری اسلامی تهيديت‌های داخلی از سوی جنبش‌های اجتماعی به مراتب نگران‌کننده‌تر از تهيديت‌های بیرونی است.

وبسایت «جهان نيوز» نزديک به نهادهای شبه‌نظامی جمهوری اسلامی هشدار داده بخشی از استراتژی ضدامینتی غربی‌ها به‌خصوص آمریکا و اسرائيل در قبال جمهوری اسلامی «تجمعات اعتراضی و اغتشاشات است... موضوعی که در ماه‌های پس از فتنه ۸۸ و یا اغتشاشات سال ۹۶ و ۹۸ به خوبی نمایان شد. برخی اعتراضات پراکنده در هفته‌های گذشته در کشور و همچنین فعال شدن دوباره ضلع عملیات روانی داخلی تکمیل‌کننده پازل غرب در ايران، صهيونيست‌ها را برای تدوین یک برنامه جديد ضدامینتی امیدوار کرد.»

اسماعيل خطيب وزير اطلاعات جمهوری اسلامی نیز اخيراً در یک سخنرانی هشدار داد، «دشمن تصميم دارد

## دو نگرانی عمده جمهوری اسلامی با شکست مذاکرات اتمی:

# تهدیدات خارجی و اعتراضات داخلی

عربستان را متوقف سازند.

کيهان تهران در بخش دیگری از اين مقاله می‌نويسد: «مذاکرات دوحه با «باج‌خواهی» آمریکا شکست خورده و دورنمای روشنی ندارد و آمریکایی‌ها در عمل «پلن ب» ندارند و تمام کارت‌های خود را رو کرده‌اند. لفاظی و تهيديد درباره گزینه نظامی و یا همکاری با رژيم صهيونيستی برای خرابکاری مستقيم در ايران یا درگیری با متحدان منطقه‌ای نیز، چیزی را عوض نمی‌کند و صرفاً تنش‌ها را در منطقه افزایش خواهد داد و بیش از پیش آمریکا را در باتلاق فرو خواهد برد و اين آخرين چیزی است که دولت متزلزل بایدن

● پایگاه خبری «نور نيوز» نزديک به علی شمخانی تهيديد کرده «ایجاد سيستم پدافندی یکپارچه از سوی آمریکا با مشارکت اسرائيل قطعاً با پاسخ قاطع اولیه به نزديک‌ترین و در دسترس‌ترین اهداف روبرو خواهد شد.»

● روزنامه «کيهان» چاپ تهران می‌نويسد «تشکیل ناتوی خاورميانه عليه ايران و مقاومت چیزی جز آرزوهایی روی کاغذ نیست و لفاظی و تهيديد درباره گزینه نظامی و یا همکاری با رژيم صهيونيستی برای خرابکاری مستقيم در ايران یا درگیری با متحدان منطقه‌ای نیز، صرفاً تنش‌ها را در منطقه افزایش خواهد داد.»

● وبسایت «جهان نيوز» نزديک به نهادهای شبه‌نظامی جمهوری اسلامی هشدار داده بخشی از استراتژی ضدامینتی غربی‌ها به‌خصوص آمریکا و اسرائيل در قبال جمهوری اسلامی «تجمعات اعتراضی و اغتشاشات است.»

● اسماعيل خطيب وزير اطلاعات جمهوری اسلامی نیز اخيراً در یک سخنرانی هشدار داد، «دشمن تصميم دارد با برنامه‌ریزی و تلاش مضاعف، مسائل اقتصادی کشور را امنیتی کرده و به دنبال سوء استفاده از مطالبات انباشته شده مردم و افزایش سطح ناراضی‌ها باشد.»

یکی از برنامه‌های اصلی سفر جو بایدن به منطقه پیگیری تشکیل «ائتلاف نظامی» مشترک در منطقه با هماهنگی اسرائيل عليه تهيديت‌های جمهوری اسلامی است که به «ناتو خاورميانه» یا «ائتلاف عربی-عبری» معروف شده است.

محور اصلی اين ائتلاف ایجاد «پدافند یکپارچه» عليه حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی و یا نیابتی‌های آن است. ائتلافی که به پشتوانه نفوذ امنیتی و تجهيزات مدرن اسرائیلی به صورت هماهنگ شکل می‌گیرد.

پایگاه خبری «نور نيوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» ۱۹ تیرماه نوشت، «ایجاد سيستم پدافندی یکپارچه از سوی آمریکا با مشارکت، هدایت و مدیریت پنهان رژيم شرور صهيونيستی اقدامی تهيديدآمیز است.» اين وبسایت تهيديد کرده است، «اگر اجرای چنین طرح‌هایی امنیت جمهوری اسلامی را به هر شکل به خطر بیاندازد قطعاً با پاسخ قاطع اولیه به نزديک‌ترین و در دسترس‌ترین اهداف روبرو خواهد شد.»

تجربه نشان داده منظور از «نزديک‌ترین» و در دسترس‌ترین اهداف «از نظر جمهوری اسلامی تاسيسات نفتی عربستان و امارات و یا کشتی‌های تجاری است که در آبهای خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند.»

یکی دیگر از اهدافی که بایدن برای اين سفر به آن اشاره کرده «تقویت امنیت و رفاه اسرائيل» است. او همچنین در مقاله‌ای که «واشنگتن پست» منتشر کرده نوشته است «جمهوری اسلامی منزوی شده و تا وقتی به توافق اتمی برنگردد، فشار اقتصادی و سیاسی ادامه خواهد داشت.»

روزنامه «کيهان» چاپ تهران که به تریبون «بيت رهبری» مشهور است در سرمقاله خود با اشاره به برنامه‌های بایدن در سفر خاورميانه می‌نويسد، «از اهداف اين سفر مقابله با محور مقاومت به رهبری ايران است که موجودیت رژيم اسرائيل و منافع آمریکا را با تهيديدهای جدی روبرو کرده و جبهه‌بندی جدیدی را در منطقه رقم زده است.»

اين روزنامه در ادامه عنوان کرده است «تشکیل ناتوی خاورميانه چیزی جز آرزوهایی روی کاغذ نیست» و با ادعای اینکه «همچنانکه ائتلاف عليه حوثی‌ها در منطقه شکست خورد» طرح تشکیل دفاع هوایی را هم بی‌نتیجه خوانده و مثال زده که عربستان با هزینه‌های سنگین چنین سيستم‌هایی را استفاده کرد اما حوثی‌ها با هزینه‌ای بسیار اندک و ناچیز توانستند ظرف چند دقیقه نیمی از تولید نفت



تظاهرات مردم در تهران عليه جنایت سپاه پاسداران در شلیک موشک به هواپيماي اوکراینی و دروغگویی فرماندهان نظامی و مقامات دولتی

با برنامه‌ریزی و تلاش مضاعف، مسائل اقتصادی کشور را امنیتی کرده و به دنبال سوء استفاده از مطالبات انباشته شده مردم و افزایش سطح ناراضی‌ها باشد.»

محسن رزانی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان اخيراً در یک سخنرانی گفت وقتی «نظام تدبیر گرفتار گردانی از بی‌ثباتی‌ها و چالش‌ها و تصادفات و اشتباهات اقتصادی و اجتماعی شود کارش می‌شود آتش‌نشانی... اگر حتا بتواند آتش‌های بحران را در اين گوشه و آن گوشه خاموش کند، اما گرفتار سردرگمی عجیبی می‌شود و ناکارآمدی‌اش به اوج می‌رسد. در چنین شرایطی کافی است مقبولیت سیاسی هم پایین باشد تا اعتماد به نفس نظام تدبیر کاهش پیدا کند. درواقع ما الان در شرایطی هستیم که اعتماد به نفس نظام تدبیر در حال کاهش است.» علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اواسط خرداد در یک سخنرانی با اشاره به اعتراضات مردم هشدار داده بود «دشمنان می‌خواهند با مزدورپروری مردم را در برابر نظام قرار دهند.»

در شرایط کنونی به آن نیاز دارد.»

نظامی‌ها و مقامات سیاسی جمهوری اسلامی دائم کشورهای منطقه را به خاطر نزديکی به اسرائيل تهيديد می‌کنند. پیش از اين سردار پاسدار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهيديد کرده بود «اگر کسی به هر دلیلی پای رژيم مفلوک صهيونيستی را به اين منطقه باز کند، هم خودش و هم اين منطقه را دچار ناامنی، نابسامانی و بی‌ثباتی امنیتی می‌کند.»

تشکیل «ناتو خاورميانه» از علائم جدی‌تر شدن احتمال درگیری در منطقه است. مقامات اسرائيل تهيديد کرده‌اند در صورتی که تهيديت‌های اتمی جمهوری اسلامی ادامه داشته باشد تاسيسات اتمی و استراتژیک داخل ايران یکی از اهداف آنها خواهد بود. نفتالی بنت نخست‌وزير پیشین اسرائيل قبل از کنار رفتن از دولت گفته بود دکترین اسرائيل «قطع سر اختاپوس در تهران است و دیگر با بازوهای رژيم ايران [نیابتی‌ها] بازی نمی‌کنیم.» با تشدید تنش‌ها عبدالرحيم موسوی فرمانده ارتش جمهوری

# پدیدارشناسی سیاسی ترامپ‌گرایی



می‌داد: «من متهم شده‌ام که در آینه‌ای واپسگرا به عقب نگاه می‌کنم.» او در یکی از مناظره‌های خود این واقعیت را بیان داشت: «درست است. من به واقعیت نگاه می‌کنم.» دونالد ترامپ هم در مناظره‌های انتخاباتی خود همین موضع سیاسی را اتخاذ می‌کرد. او در سال ۲۰۱۵ پس از متهم شدن به شکوه و نالیدن گفت: «بله من ناله می‌کنم، زیرا می‌خواهم برنده شوم و از برنده نشدن خوشحال نیستم و غر می‌زنم و تا زمانی که برنده شوم به غر زدن و ناله کردن ادامه می‌دهم.» [۹] به همین طریق، پاتریک پت بوکانان، مفسر سیاسی با سابقه محافظه‌کار، مقاله‌نویس، سیاستمدار و فعال رسانه‌ای، چهره‌ای است که در همین جریان احساسات‌گرایانه محافظه‌کاری قرار گرفته و همان شعارهای پروت و یا ترامپ را تکرار می‌کند. در همین روزها شما می‌توانید مخالفت او با آمریکا برای پشتیبانی از زلینسکی در دفاع در برابر تهاجم نظامی روسیه به اوکراین را در وبسایت رسمی بوکانان بخوانید: «آمریکا را وادار به فکر مجدد کنید! مقاله‌های پت را به اشتراک بگذارید... برای شرمساری کامل‌تر و آشکارتر ناتو و ایالات متحده برای مشارکت در جنگ اوکراین.» [۱۰] حال می‌توان به این جریان توده‌گرایانه و راست افراطی، یک جنبش سیاسی محافظه‌کار مالی آمریکایی در حزب جمهوریخواه با عنوان «عصرانه چای» را نیز اضافه کرد. اعضای این جنبش خواستار کاهش مالیات و کاهش بدهی ملی و کسری بودجه فدرال از طریق کاهش هزینه‌های دولت هستند. [۱۱] پدیده ترامپ می‌بایست در راستای همین جریان توضیح داده شود.

## ترامپ و توده‌گرایی

سخنرانی ششم ژانویه ۲۰۲۱ ترامپ با عنوان «آمریکا را نجات دهید»، تصویر کامل از روایتی است که می‌تواند توده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را به صحنه کنش سیاسی بکشاند. ترامپ با شعارهای فریبنده خود به خوبی توانست نظر توده‌های ناراضی از شرایط موجود، فساد، و نابرابری را به خود جلب کرده و آنها را به کارزارهای انتخاباتی بیاورد. او مردم فراموش شده را با نخبگان

۱۷۷۶ نمایشنامه‌ای با عنوان «توفان و پریشانی» به روی صحنه رفت که به خوبی توانست این جو احساسی و هیجانی را به بالاترین درجه خود برساند. [۱] فردریش فون کلینگر [۲]، خالق این اثر توانست با تکیه بر اهمیت احساسات و عواطف توده‌های مردم در مقابل عقل‌گرایی خشک و ابزاری عصر روشنگری نهضت ادبی قرن هجدهم را تحت کنترل خود بگیرد؛ نهضتی که یوهان ولفگانگ فن گوته [۳] و یوهان کریستف فردریک فن شیلر [۴] هم در مرکز آن قرار می‌گیرند. نفوذ ژان ژاک روسو [۵] و یوهان گوتگور هامان [۶] را نیز که از درون نظریه فلسفی رمانتیک برخاسته بودند، بر این نهضت نباید نادیده گرفت. این فلاسفه احساسات و بیان انسانی آنرا به عنوان بدیلی بر عقلانیت خشک و انتزاعی عصر خود می‌دانستند که نابرابری‌های گسترده و عمیقی را در جوامع صنعتی اروپای وقت باعث شده بود. در عین حال همین عقلانیت چشمان خود را بر جنایت‌های سهمگین استعمار اروپایی در آمریکای لاتین و سپس در بخش‌هایی از آسیا، و در سال‌های بعد در افریقا، فرو بسته و حتی آنرا زیر عنوان ماموریت «مرد سفید» برای متمدن ساختن دیگران، توجیه می‌کرد. ادوارد یانگ [۷] شاعر انگلیسی و ویلیام شکسپیر [۸] نیز در همین نهضت فکری رمانتیک باید قرار گیرند.

با وجود همه اهمیتی که فلسفه رمانتیک برای تحول اندیشه به همراه داشت، پیامدهای آن در رخدادهای سال‌های اخیر ایالات متحده، راهی کاملاً متفاوت با جریان اصلی این اندیشه در پی گرفته است. در حقیقت در فضای سیاسی انگلیسی‌زبان، «توفان و پریشانی» راه خود را به سوی طغیان پرشوری باز کرد که سپس در آمریکا به اوج خود در صحنه حیات سیاسی، و به ویژه در کارزارهای انتخاباتی، رسید. راس پروت تاجر میلیاردر آمریکایی که در سال ۱۹۹۲ برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خود را آماده می‌کرد، در مرکز این نوع طغیان فریبکارانه قرار می‌گیرد. او چهره جنجالی و توده‌گرایی است که با تکیه بر احساسات مردم عادی نوید اعاده عظمت پیشین ملی‌گرایانه کشورش را

● از نقطه نظر تأثیرات سیاست‌های نئولیبرال بر مدل‌های انتخاب رؤسای جمهور و نقش آنان در تأمین نیازهای جامعه، مدل مدیریت تجاری جامعه بیشترین بازتاب‌ها را برای جامعه به همراه داشت. بر اساس این مدل رای دهندگان مصرف‌کننده تصمیم‌گیری‌ها سیاسی هستند. احزاب سیاسی شرکت‌های بزرگی هستند که منافع گروه‌های خاصی را تأمین می‌کنند، و سیاست‌گذاری‌ها محصول این تجاری‌سازی جامعه هستند. بنابراین برای به دست آوردن بیشترین تعداد آراء، احزاب باید با اتخاذ سیاست‌هایی که بیشترین تعداد رای‌دهندگان را به خود جذب کند، به سمت مرکز طیف سیاسی جامعه کشیده شوند و در نتیجه، بخش بزرگی از گروه‌های حاشیه‌ای جامعه نادیده انگاشته می‌شوند.

محمود مسائلی - پرسش‌ها: چرا ظهور ترامپ موج وسیعی از جریان‌های راست‌گرای به همراه ساده‌انگاری توده‌ای و همچنین تنفر نژادی به وجود آورد؟ چه عوامل و پیش‌زمینه‌های تاریخی موجب پیدایش ترامپ‌گرایی شدند؟ نیروهای درگیر در پیدایش و توسعه ترامپ‌گرایی از چه خاستگاه‌های اجتماعی و آیین‌های سیاسی سرچشمه می‌گیرند؟ آثار و بازتاب‌های ترامپ‌گرایی بر حقوق بشر و موضوعات برابری اجتماعی چیست؟ آیا به راستی ترامپ‌گرایی می‌تواند نیازها و موضوعات مربوط به افشار از نظر اقتصادی تنگدست جامعه را پاسخ گوید؟

## طرح موضوع

ترامپ را باید نماد مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، جنبش‌های اجتماعی، فریبکاری‌ها و شیوه‌های بسیج توده‌ای دانست که هرچند پدیده‌ای در تاریخ معاصر به شمار می‌رود اما ریشه‌های آنرا باید در قرن هجدهم و ظهور توده‌گرایی ملی آلمان، و یا حداقل در رخدادهای سال‌های اخیر ایالات متحده، جستجو کرد. در نیمه دوم قرن هجدهم ادبیاتی در افق سیاسی آلمان شکل گرفت که می‌کوشید از کنش‌های برانگیزنده همراه با هیجان‌انگیزانه علیه فساد موجود در جوامع، نابرابری‌ها، و بی‌عدالتی‌ها به پا خیزد. در سال



فاسد مقایسه می‌کند و آنها را مردم واقعی آمریکا خطاب می‌کند تا بتواند بر موج احساسات ملی‌گرایانه آنها به اهداف سیاسی خود دست یابد: «شما مردم واقعی هستید»، «مردمی که این ملت را ساختند» و برخلاف «مردمی که ملت ما را فرو ریختند». «مردم آمریکایی» مورد نظر ترامپ نیز افرادی هستند که «دیگر اخبار جعلی رسانه‌های سوچو را باور نمی‌کنند.» [۱۲] آن مردم می‌دانند که زمان تغییرات فرا رسیده است. اما این تغییرات از چه نوعی هستند؟

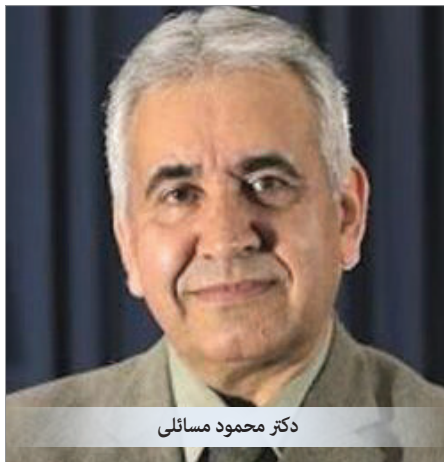
در یکی از آثار تحلیلی ارزشمندی که به حوزه آکادمیک معرفی شده، با عنوان «سرزمین پست‌ستان: ترامپ‌گرایی و بوم‌شناسی سیاسی»، نویسنده، مک گی، ترامپ‌گرایی را با سه ویژگی توضیح می‌دهد:  
 اول نمایندگی سیاسی استبداد  
 دوم هستی‌شناسی سیاسی بومی‌گرایی  
 سوم بوم‌شناسی سیاسی آن (نسل‌کشی)

به این ویژگی‌ها می‌توان توده‌گرایی فربکارانه و یا موضوعات روانشناسانه «کیش شخصیت» ترامپ و همراهان او را نیز افزود. [۱۳] مک گی در این کتاب تحلیل دقیقی از جریان ترامپ‌گرایی فراهم آورده که بخشهایی از فصل مقدماتی آنرا برای شناخت این جریان با توضیحات تکمیلی ارائه می‌دهم. [۱۴]

پدیده ترامپ‌گرایی را باید به عنوان واکنشی به نئولیبرالیسم و پیامدهای آن توصیف کرد که خود به عنوان پاسخی به مدل دولت رفاه در افق سیاسی آمریکا از اوایل دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد. به موجب پیشفرض‌های دولت رفاه، عمده تاسیسات زیربنایی کشور، نهادها و سازمان‌های ملی، و تنظیم بازار باید به عهده دولت گذاشته شود. از این رو دولت به عنوان بازیگر اصلی تحولات اقتصادی و توسعه کشور به حساب می‌آید. در عین حال، دولت رفاه زمینه‌های لازم برای رشد اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های دانشجویی و حرفه‌ای را فراهم آورده و مردم را در برابر بیکاری و یا نیازهای آموزشی و مراقبت بهداشتی یاری می‌رساند. چنین ماموریت مهمی که بر اساس نظریه دولت رفاهی «کینز» در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم در انگلستان معرفی شده، و سپس در آمریکای بعد از جنگ به عنوان مدلی برای نظام سیاسی و دولت انتخاب شد، در حقیقت نوعی اجتماعی‌سازی فلسفه سیاسی لیبرال بود که می‌کوشید این فلسفه را در برابر مخاطرات و زوال مصون نگه دارد. [۱۵] بنابراین، لیبرالیسم اجتماعی دولت رفاه هرگز نباید به عنوان بدیلی در برابر فلسفه سیاسی و اقتصادی لیبرال توصیف شود. از آنجا که دولت می‌بایست موتور اصلی توسعه‌یافتگی کشور و نیز سیاست‌های رفاه ملت باشد، ناگزیر بخش عمده‌ای از بودجه کشور باید به هزینه‌های رفاهی اختصاص داده شده، و برای فعال ساختن نقش دولت در جهت خیر عمومی، آزادی‌های فردگرایانه نیز می‌بایست به محدودیت‌هایی همراه گردد.

از اواسط دهه ۷۰ میلادی به تدریج نارسایی‌های مدل دولت رفاه در تامین نیازهای کشور آشکار شد. تورم بالا، نرخ بیکاری فزاینده، سطح تولید پایین، و شروع امواج نارضایتی، زمینه را برای ظهور نئولیبرالیسم فراهم آورد. نئولیبرال‌های عملگر با داعیه انجام اصلاحات بنیادین، پایه‌های مدل دولت رفاه را به چالش کشیدند. برای اینان تنها راه در جهت نجات جامعه سرمایه‌داری در کوچک ساختن دولت قرار داشت. یعنی اینکه دولت باید به حداقل توانایی خود برای مداخله در امور رسیده، و در نقطه مقابل نظریه بازار آزاد به عنوان منطق اصلی سرمایه‌داری جایگزین آن گردد. نئولیبرالیسم سیاست‌های اصلاحی بنیادین خود را بر محور نیازهای جامعه تعریف نموده و آنرا تنها راه درمان

اقتصاد بیمار کشور معرفی نمود. تقلیل بودجه‌های دولتی، خارج ساختن کنترل بازار توسط دولت و حذف موانعی که در برابر انجام معاملات آزاد قرار دارد، کنترل دستمزدها از طریق فشار به اتحادیه‌های کارکنان برای کنترل تورم، خصوصی‌سازی نهادهای دولتی و تقویت نقش بخش خصوصی، آزاد اعلام کردن تجارت خارجی، و کنترل ضعیف‌تر سرمایه و بازارهای مالی، محورهای اصلی سیاست‌گذاری‌های نئولیبرال‌ها را تشکیل می‌داد. اما به دلیل عدم نهادینه ساختن



دکتر محمود مسائلی

این سیاست‌ها، هنوز هم ابهاماتی در خصوص آنها وجود داشت تا اینکه در ۱۹۸۹ با شکل گرفتن «همگرایی واشنگتن»، نئولیبرالیسم در مسیر تثبیت شده خود قرار گرفت. بدون اینکه در اینجا مجالی برای نارسایی‌های نئولیبرالیسم وجود داشته باشد، فقط این نکته یادآوری می‌شود که اینگونه سیاست‌ها فشارهای سخت و مضاعفی را برای طبقات ضعیف جامعه به وجود آورده و عمق نابرابری‌ها هر روز بیشتر نمایان و آشکار گردید.

اما از نقطه نظر تأثیرات سیاست‌های نئولیبرال بر مدل‌های انتخاب رؤسای جمهور و نقش آنان در تامین نیازهای جامعه، مدل مدیریت تجاری جامعه بیشترین بازتاب‌ها را برای جامعه به همراه داشت. بر اساس این مدل رای دهندگان مصرف‌کننده تصمیم‌گیری‌ها سیاسی هستند. احزاب سیاسی شرکت‌های بزرگی هستند که منافع گروه‌های خاصی را تامین می‌کنند، و سیاست‌گذاری‌ها محصول این تجاری‌سازی جامعه هستند. بنابراین برای به دست آوردن بیشترین تعداد آرا، احزاب باید با اتخاذ سیاست‌هایی که بیشترین تعداد رای‌دهندگان را به خود جذب کند، به سمت مرکز طیف سیاسی جامعه کشیده شوند و در نتیجه، بخش بزرگی از گروه‌های حاشیه‌ای جامعه نادیده انگاشته می‌شوند. آنچه اتفاق می‌افتد این است که سیاست‌های انتخاباتی از این طریق می‌تواند ثبات داخلی و بین‌المللی را ارتقا بخشیده و نظم سیاسی و جریان عادی امور را مستحکم می‌سازد. هیچ تغییر عمده‌ای به واسطه رویه‌های این مدل اتفاق نمی‌افتد، زیرا سیاست‌های حاشیه‌ای که جامعه را به عدم تعادل کشیده و بی‌ثباتی ایجاد می‌کنند، در اصل از بازی در سیاست حذف می‌شوند. در نتیجه بخش بزرگی از رای دهندگان توان حضور خود در جریانات تصمیم‌سازی را از دست می‌دهند. مفهوم مردم و نقش آنان در گفتار سیاسی جامعه- به معنای حاکمیت مردمی- توسط پژوهشگران کارزارهای انتخاباتی، اتاق‌های فکر و غیره، بر اساس نیازهای اقتصاد نئولیبرال بازسازی و تعریف می‌شود. ثبات سیاسی عمومی حاصل این نگرش‌های اقتصاد سیاسی، جریان کارآمد سرمایه را تداوم بخشیده و به حفظ پیش‌بینی‌پذیری نسبی بازارها کمک می‌کند. از آنجا که از لحاظ نظری به نفع همه

است که بازارهای مالی جهانی به ثبات دست یابند، از لحاظ نظری نیز به نفع همه است که سیاست‌گذاری‌های میانه‌رو بر کشور حاکم شود. انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا نشان داد که این رویکرد نئولیبرال به شکست رسیده و مرکزیت سیاسی آنرا نمی‌توان بیش از این حفظ کرد. توده‌های مردم نارضادی، احزاب سیاسی ناکارآمد، و سیستم سیاسی و اقتصادی به تباهی کشیده شده است. ترامپ‌گرایی بهترین بهره را می‌تواند از این شرایط از آن خود سازد.

تعداد زیادی از همان مردمی که توسط اتاق‌های فکر به حاشیه رانده شدند، در شرایطی قرار می‌گیرند که جرقه‌ای به سرعت می‌تواند آنان را به مرکز سیاست‌گذاری‌ها بکشانند. در اینجا مهمترین موضوع در کارزارهای انتخاباتی این است که کدام جریان فکری می‌تواند با تکیه بر موج احساسات مردمی و رنج‌های آنان، خود را برای اداره کلان جامعه آماده سازد. در اوج آشفتگی‌های موجود، ترامپ نظرها‌های خود را به مرکز حزب جمهوریخواه کشاند تا بتواند رهبری این جریان را به عهده گیرد. در مبارزه با رقبای خود، به ویژه نامزد حزب دمکرات با بیانات مردم‌پسند، که گاهی با توهین و تحقیر طرف مقابل همراه می‌شد، طرح «عظمت را دوباره به آمریکا برگردانیم»، بهترین شیوه جذب آرای همان توده‌های سرخورده جامعه شد. ترامپ آشکارا شعارهایی را در مرکز کارزارهای انتخاباتی خود قرار داد که می‌توانست کارگران بیکار و یا تنگدست را از فلاکت اقتصادی نجات داده، و عظمت گذشته جامعه آمریکایی آنها را احیا نماید. ترامپ بارها و بارها توضیح می‌داد که اینها مردمی هستند که اقتصاد جهانی به عنوان یک فرد آنها را نادیده انگاشته است. به عقیده ترامپ، راه حل فقر کارگران در سرمایه‌داری جهانی، افزایش حقوق کارگران، افزایش مالیات بر سود شرکت‌ها، برنامه سرمایه‌گذاری پایدار دولت برای بازسازی بخش عمومی، یا سایر اقدامات بازتوزیع نیست. این نوعی ملی‌گرایی تهاجمی است که از بالا به پایین جهت یافته و بازار آزاد نیروی کار آمریکایی را تضعیف کرده است. بنابراین پیمان تجاری آمریکای شمالی را باید کنار گذاشت و برای بازگرداندن مشاغل تولیدی به عرصه اقتصادی، قراردادهای تجاری جدید (و نامشخص) با سایر دولت‌ها برای جلوگیری از تلافی‌جویانه فلج‌کننده بهره‌وری، تشدید امنیت مرزی برای محدود کردن کاهش تولید، تعرفه‌ها بر واردات، استفاده کرد.

اما این برنامه‌ها در واقع نمی‌توانست بهبودی در شرایط کارگران و طبقات پایین جامعه را تامین کند، به ویژه اینکه ابعاد نژادی در آن برجسته شده است. در حقیقت بجای اینکه بر کارگران تمرکز داشته باشد، با موضوعات هویتی و طبقه سفیدپوست تکیه می‌کند. این طبقه سفیدپوست آمریکایی قربانی اقتصاد جهانی نئولیبرال است و نه تنها در جهت شکوفایی اقتصادی آمریکا قرار نمی‌گیرد، بلکه هویت آمریکایی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. این جذابیت اقتصادی- ملی‌گرایانه به درستی با نژادپرستی و بیگانه‌هراسی همراه است. اما در عین حال نژادپرستی و بیگانه‌هراسی آن را می‌توان تا حدی به عنوان واکنشی در برابر انحلال حقوق و امتیازات کارگران سفیدپوست دانست. این نگرش ضربه سختی به پیام‌های چپ فرهنگی در مورد سیاست‌های چندفرهنگی است. با این حساب، ورود مهاجرانی که با گسترش نیروی کار دستمزدها را پایین می‌آورند، تنها نشانه‌ای قابل مشاهده از سیستم نادرست اقتصاد جهانی است. تساهل چندفرهنگی صرف نظر از جذابیت اخلاقی یا بشردوستانه‌ای که دارد، عملاً استثمار کارگران سفیدپوست را باعث می‌شود. این نوع ملی‌گرایی تهاجمی می‌تواند علاوه بر ابعاد نژادی که با خود به همراه می‌آورد، عناصری

# پیام پهبادهای انتحاری؛ چرا برای پوتین کشاندن پای جمهوری اسلامی به جنگ اوکراین نیز مانند جنگ سوریه ضروری است؟!



از دیدارهای خامنه‌ای با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

عقب‌نشینی‌های «دولت انقلابی» که قرار بود در سیاست خارجی ادامه دهنده راه قاسم سلیمانی باشند، در برابر غربی‌ها، حتا سبب شد تا نماینده‌های مجلس شورای اسلامی دست کم دو بار به ابراهیم رئیسی برای «عبور از خط قرمزهای نظام در مذاکرات» هشدار بدهند.

اینکه امیرعبداللهیان تأکید می‌کند جمهوری اسلامی «انعطاف‌های مهمی» ارائه داده با این ادعای علی باقری کنی معاون امیرعبداللهیان در مذاکرات «مقاومت دیپلماتیک» که گویا در برابر «زیاده‌خواهی دشمن» ایستادگی شده، متناقض است. از همین روست که جریان در داخل جمهوری اسلامی بعلاوه بازوهای خارجی آن در اندیشه‌ها و مؤسسات مطالعاتی آمریکایی و اروپایی که در واقع نقش دلال را بازی می‌کنند و معامله با آمریکا را به مصلحت نظام می‌دانند معتقدند علی باقری کنی عامل شکست مذاکرات است. آنها او را متهم می‌کنند که به عنوان مذاکره‌کننده ارشد «به برجام اعتقاد ندارد» و خواستار تغییر وی هستند. اگرچه آنها نیز می‌دانند که علی باقری کنی نیز مانند امیرعبداللهیان مجری دستورات خامنه‌ای و اطرافیان اوست.

از سوی دیگر، برخی مقامات آمریکایی از جمله رابرت مالی نماینده آمریکا در مذاکرات نیز می‌گویند «نماینده جمهوری اسلامی موضوعات بی‌ربط به برجام را مطرح می‌کند» و مذاکره با باقری کنی «وقت تلف کردن» بود. بدیهی است اگر باقری کنی به هر دلیلی مخالف برجام و مانع مذاکرات باشد، اما نمی‌تواند بدون خواست نهادهای بالادستی نظام و علی خامنه‌ای قدمی بردارد.

به بیان دیگر وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز به عنوان مجری سیاست‌های نظام در مذاکرات اتمی خط مشی دوگانه‌نمایی در پیش گرفته است. عبداللهیان وزیر خارجه نظام در دیدارهای خارجی صحبت از «انعطاف» و توافق می‌کند و معاون او به عنوان «مذاکره‌کننده ارشد» ظاهراً

یک تعبیر این است که شرایط موجود رهبر جمهوری اسلامی را به شدت سردرگم کرده است. او در واپسین سال‌های عمرش قرار دارد و شاید بیش هر چیزی برایش پای آبرو در میان است و مثل همیشه می‌خواهد، هر نتیجه‌ای که به دست آمد، اگر خوب بود، به حساب خودش بنویسد و اگر بد بود، به حساب زیردستانش! اما دور از ذهن نیست او خودش نیز مجبور به تبعیت از اطرافیانی است که احتمالاً اگر نباشند نه از قدرت خبری خواهد بود و نه از نظام!

برای پوتین فرقی ندارد آوار سیاست‌هایش بر سر سوریه و یا ایران خراب شود! اینکه در اوج تنش‌های منطقه در آستانه سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان موضوع ارسال «صدها پهباد انتحاری از ایران به روسیه» مطرح می‌شود یعنی کشاندن پای جمهوری اسلامی به جنگ پوتین! روسیه در سوریه نیز پای جمهوری اسلامی را چون یک نوچه و گماشته به جنگ کشاند.

حامد محمدی- حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به ایتالیا سفر کرده ۲۲ تیرماه در دیدار با مقامات واتیکان گفت، «ما در طول مذاکرات ابتکارات و انعطاف‌های مهمی را ارائه کرده‌ایم ولی لازم است طرف آمریکایی با واقع‌بینی، شرایط را برای نهایی شدن توافق مهیا کند.» مواضع ظاهراً نرم امیرعبداللهیان نسبت به گذشته که بدون اجازه علی خامنه‌ای ممکن نیست نرم شده باشد، اینطور قابل برداشت است که نظام با توجه به شرایط بحرانی که در آن قرار گرفته ضرورت معامله با آمریکا را دریافته است.

چنین به نظر می‌رسد که تا حد زیادی جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات وین از خود انعطاف نشان داده است. عقب‌نشینی از درخواست «تضمین» از دولت آمریکا برای عدم خروج از برجام و عقب‌نشینی از خارج شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا مواردی هستند که مقامات جمهوری اسلامی به آن اذعان کرده‌اند.

از اقتصاد سیاسی نتولیرالیسم، اقتدارگرایی لگام گسیخته و دولت‌گرایی رفاه مداخله‌جویانه مبتنی بر نکات سنتی محافظه‌کار اجتماعی را در هم می‌آمیزد، و یک صورت فلکی جدید را با بدنه سیاسی متفاوتی به وجود می‌آورد. در اینجا بجای قطعات نتولیرالیسم پراکنده در سراسر جهان، نوعی نظام مبتنی بر استبداد رای شکل گرفته که می‌خواهد خود را به عنوان بدیلی در مقابل اقتصاد جهانی شده نتولیرال معرفی نماید.

البته این نوع شیوه زمامداری علاوه بر بسیج‌های توده‌گرایانه، نخیه‌ستیزی، ضدیت با روشنفکری، ترویج نژادپرستی، توسعه جنسیت‌گرایی، برتری‌گرایی طبقاتی خاص در جامعه، و استثنائگرایی را با هم می‌آمیزد. بنابراین، بجای اینکه بتواند شعار خود در مورد باز احیای عظمت آمریکا را تحقق بخشد، مرزبندی‌هایی میان مردم به وجود آورده و کشور را به شکل جزایر پراکنده درآورده و آنها را اغلب در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. به پیامدهای فاجعه‌آفرین و نقاط تاریک ترامپ‌گرایی باید موارد دیگری را نیز افزود. اظهارهای علمی مربوط به گرم شدن زمین و مشکلات محیط زیستی، از نظر ترامپ‌گرایان حقه‌ای به حساب می‌آید که نباید فریب آنرا خورد. مهاجران، مسلمانان، تروریست‌ها، و جنایتکاران القابلی است که برای طرد سیاست‌های چندفرهنگی و توسعه سیاست‌های نژادی به کار می‌رود. زنان از حقوق ذاتی خود محروم می‌شوند. آخرین نوع مصیبت‌های ترامپ‌گرایی را می‌توان در تصمیم دادگاه عالی آمریکا برای لغو حق سقط جنین دید که با اکثریت رای قضات محافظه‌کار که سه نفر آنها توسط ترامپ انتخاب شده بودند، اتخاذ شد.

\*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

- [۱] See: Hill, D. (Edi.). (2003). Literature of the Strum und Drang. Rochester, NY: Candem House
- [۲] Friedrich Maximilian von Klinger (1752-1831)
- [۳] Johann Wolfgang von Goethe (1749-1832)
- [۴] Johann Christoph Friedrich von Schiller (1759-1805)
- [۵] Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)
- [۶] Johann Georg Hamann (1730-1788)
- [۷] Edward Young (1683-1765)
- [۸] William Shakespeare (1564-1616)
- [۹] Frank, T.A. (July 9, 2019). What Ross Perot Got Right about America. Vanity Fair
- [۱۰] See Patrick Buchanan Official Website
- [۱۱] Peters, J.W. (August 28, 2019). The Tea Party Didn't Get What It Wanted, but It Did Unleash the Politics of Anger. The New York Times
- [۱۲] Viala-Gaufrey, J. (January 13, 2021). How Donald Trump's Populist Narrative Led Directly to the Assault on the US Capitol. The Conversation
- [۱۳] McGee, K. (2020). Heathen Earth: Trumpism and Political Ecology

[۱۴] برای حفظ امانت از ذکر صفحات خود داری کرده و خوانندگان را به مطالعه فصل مقدماتی راهنمایی می‌کنم.

[۱۵] نگاه کنید به کتاب درسی «حقوق بشر و مفهوم خیر عمومی» از این نویسنده که توسط انتشارات «ایران آکادمیا» در لاهه انتشار یافته است.



چوب لای چرخ توافق می‌گذارد. با توجه به اینکه خامنه‌ای به صراحت اعلام کرده است که وزارت خارجه فقط «مجری» سیاست‌های نظام است، پس سرمنشأ این دوگانه‌نمایی مشخص است. اما دلایل این سیاست قابل تأمل است.

در بالاترین رده‌های نظام بر سر معامله با غرب اختلافان به اوج خود رسیده و آنها بر اساس منافع قبیله‌ای و مافیایی خود چند گروه شده‌اند:

گروه اول: آنهایی که می‌گویند «هر توافقی بهتر از عدم توافق است».

گروه دوم: آنهایی که می‌گویند «عدم توافق بهتر از خسارت دوباره [تکرار برجام] است».

گروه سوم: آنهایی که اساساً با هرگونه توافق با غرب به ویژه با آمریکا مخالفند و سازش را برای نظام تهدید می‌دانند و مصلحت نظام را در «مقاومت» می‌بینند.

موشکی جمهوری اسلامی مخالف برجام بودند و می‌گفتند بعد از برجام هسته‌ای نوبت برجام موشکی و برجام حقوق بشری می‌شود و این پایان ندارد، چرا که آمریکا هیچ وقت خوی گرگ بودن خود را کنار نمی‌گذارد. اما گروهی دستیابی به «مب اتم» را برای بقای نظام ضروری می‌دانند و معتقدند با ساخت سلاح هسته‌ای تهدیدات اسرائیل تمام می‌شود. اتفاقاً محسن فخری‌زاده هم ضرورت مب اتم را در دفاع از جمهوری اسلامی و نیروهای شبه‌نظامی منطقه «جریان مقاومت» می‌دید.

در بالاترین رده‌های سپاه در مورد توافق کردن یا مقاومت در برابر آمریکا اختلاف زیاد است. اما با قطعیت نمی‌شود گفت حالا که خامنه‌ای در این تنگنا گیرافتاده آیا خودش هم با توسعه موشک‌های بالستیک و پشتیبانی از شبه‌نظامیان موافق است؟ یا اینکه خود او نیز مجبور به تبعیت از سپاه پاسداران است و یا چون عروسکی سرخ‌اش در دست دولت‌های خارجی است؟! بدیهی است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «پاسدار» و «حافظ نظام» در برابر تهدیدات خارجی و همزمان مأمور سرکوب اعتراضات داخلی است و اگر این سپاه نباشد به عقیده زمامداران رژیم، «نظام» نیز نخواهد ماند. در این میان، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از جمله خود سپاه پاسداران، جولانگاه نفوذی‌هاست. در چنین وضعیتی یک تعبیر این است که شرایط موجود رهبر جمهوری اسلامی را به شدت سردرگم کرده است. او در واپسین سال‌های عمرش قرار دارد و شاید پیش از هر چیزی برایش پای آبرو در میان است و مثل همیشه می‌خواهد، هر نتیجه‌ای که به دست آمد، اگر خوب بود، به حساب خودش بنویسد و اگر بد بود، به حساب زیردستانش!

اما دور از ذهن نیست که او خودش نیز مجبور به تبعیت از اطرافیانی است که احتمالاً اگر نباشند نه از قدرت خبری خواهد بود و نه از نظام! جای تعجب ندارد اگر روزی روزگاری در آینده‌ای دور یا نزدیک خودش یا اطرافیانش اعتراف کنند که برای تعیین تکلف اختیار چندانی نداشته و قدرت را با کسانی شریک بوده که می‌بایست منافع آنها را در نظر بگیرد. حتا فراتر از این، کم نیست نشانه‌هایی که با استناد به آنها می‌شود گفت خامنه‌ای و سپاه پاسداران اختیار تصمیمات در مورد برجام و سایر امورات کلان مملکتی را ندارند و سرخ همه اینها به خارج از ایران می‌رسد. مذاکرات اتمی وین که پیش از حمله نظامی روسیه به اوکراین به بن‌بست رسیده بود، بعد از شروع جنگ پوتین و باج‌خواهی مسکو از غربی‌ها برای توافق به شرط لغو تحریم‌ها علیه این کشور اصلاً متوقف شد. سه قدرت اروپایی اسفند ۱۴۰۰ در بیانیه‌ای مشترک از روسیه خواستند برای برجام شرط نگذارند و بحران هسته‌ای را از این دشوارتر نکنند. در همان مقطع مقامات آمریکایی گفتند

«مسکو کوتاه نیاید، سراغ برجام بی‌روسیه می‌رویم». مذاکرات دوحه با «فرمت جدید» (۱+۲) حاصل همین رویه بود که خیلی زود بی‌نتیجه‌ماند.

درواقع ولادیمیر پوتین به خاطر منافع خود و روسیه در برابر غرب، جمهوری اسلامی را بازی داده و اجازه نداده است توافق اتمی آنطور که همه از جمله نماینده خود روسیه در مذاکرات وعده می‌دادند، به نتیجه برسد. کشیدن ترمز مذاکرات اتمی اما فقط محدود به اینکه پوتین از کرملین بگوید «نه» و مذاکرات پیش نرود نمی‌شود بلکه نتیجه نفوذ شدید روسیه در بالاترین رده‌های سیاسی و امنیتی نظام جمهوری اسلامی است. نسخه پوتین برای جمهوری اسلامی از کرملین به روسوفیل‌ها در ایران که در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری حضور دارند دیکته می‌شود. برای همین هم باقری کئی بعد از نشست دوحه بدون اینکه به تهران بازگردد مستقیم راهی مسکو می‌شود.

این احتمال که پوتین برای جبران شکست در اوکراین بخواهد جبهه جدیدی علیه غرب باز کند کم نیست. برای او فرقی ندارد آوار سیاست‌هایش بر سر سوریه یا ایران خراب شود! اینکه در اوج تنش‌های منطقه و در آستانه سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان، موضوع ارسال «صدها پهیاد انتحاری از ایران به روسیه» مطرح می‌شود یعنی کشاندن پای

جمهوری اسلامی به جنگ پوتین! روسیه در سوریه نیز پای جمهوری اسلامی را چون یک نوچه و گماشته به جنگ کشاند.

در این میان، علی اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای می‌گوید «اگر سال ۱۳۹۴ توافق اتمی امضا نمی‌شد گزینه بعدی جنگ بود» اما واقعیت آن است که آن زمان نه به اندازه امروز مشروعیت نظام در داخل ایران بر باد رفته بود و نه شرایط بین‌المللی چنین بحرانی بود. آن زمان جمهوری اسلامی ابزاری برای معامله داشت. هرچند دولت بایدن با الگو برداری از دولت باراک اوباما حامی توافق اتمی است اما ناموفق بودن مذاکرات در این دو سال آنها را به جایی رسانده که از «احیای برجام» ناامید شده‌اند. جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیشتر به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بود «گزینه بعدی چیز خوبی نیست».

از سوی دیگر، پوتین متحدانی مانند رمضان قدیروف رهبر چین و الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس را به جنگ اوکراین کشانده و حالا سراغ علی خامنه‌ای آمده است. آمریکا درست در حساس‌ترین شرایط دست روی ارسال پهیاد انتحاری به روسیه گذاشته است. اگر پوتین به باتلاق بیفتد شرکایش را هم با خود پایین می‌کشد؛ رهبرانی بی‌اختیار که بدون داشتن پشتوانه مردمی اگر به دولت خارجی تکیه نکنند سرنگون خواهند شد.

## کیهان لندن منتشر کرد:

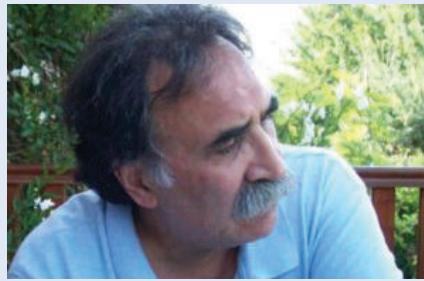


کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خان)

برای نخستین بار ایجاد کرده حضور نظامی و بانگه‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ناسی «کیهان لندن» [nas@kayhan.london](mailto:nas@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سور هرمز در لندن و کانگوروشیای محضر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## درباره شعر مشروطیت ایران (۲)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

که در بخش نخست به آنها پرداخته شد. در کنار فتح‌الله خان شیبانی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی می‌توان از یغما جندقی هم نام برد که به خاطر هجویه‌ها و انتقادهایش، به شیوه‌ی خویش بر شاعران دوره‌ی بعدی خود بی‌تأثیر نبوده است زیرا هجو نیز یکی

برای روشن‌تر شدن این مطلب باید بگویم که در نخستین تجربه‌ها، در شعر دوران مشروطه که از آن به عنوان دوران تجدد نیز یاد می‌شود شاعران فارسی‌گو آرزوخواه و آزادی‌طلب بودند که قصد تغییر جهان پیرامون خود را داشتند و شعر خویش را به عنوان مهم‌ترین رسانه‌ی فرهنگی عصر در خدمت آرمان‌ها و هدف‌های اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بودند یعنی شعر آنها شعر روشنگرانه و به اعتباری مفهومی بود که بعدها به عنوان «شعر متعهد» شناخته می‌شد.

در چنین وضعی آنان چندان به فکر تغییر در فرم و شکل شعر خود نیفتادند.

گویی ضرورت و فوریت اقتضا می‌کرد که شاعران، فرم‌ها و شیوه‌های موجود شعر فارسی را در خدمت بیان مضامین و تم‌های (thème) جدید قرار دهند. و این مضامین جدید به ناگزیر می‌بایست لحن انتقاد اجتماعی داشته و راوی و بیانگر برخی افکار و اندیشه‌های تجددخواه و منادی درخواست‌ها و مطالبات آزادی‌جویانه و قانون‌خواه باشند و تحدید و کاهش قدرت مطلقه‌ی استبدادی ریشه‌دار را آرزو کنند و خرافات و تخریب‌دیرینه‌ی ناشی از سنت را که از سوی اهل مذهب بر ذهن‌ها مستولی بود نیشخند

● اتفاق خجسته‌ی گسست ادبی در دوران زندیه و قاجار و بازگشت به سبک خراسانی (سبک بازگشت) اسباب و ابزار زیباشناسانه‌ی کار شاعران و صراحت زبان و قدرت و استحکام بیان شعری را به شاعران بازگردانده و زمین ناهموار سخن و ادب را کوبیده و راه را پیش پای شاعران «متعهد» دوران مشروطیت هموار ساخته بود.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادیخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

\*\*\*\*\*

بخش دوم

در سخنان پیشین گفتیم که: شاعران دوران زندیه و اوایل دوران قاجاریه به فکر بازگشت ادبی و رجوع به سرچشمه زلال شعر و زبان روشن و رسای فارسی افتادند و بازگشت به سبک‌های خراسانی و نیز سبک عراقی را که یادآور دوره‌های طلایی شعر فارسی بود، سرلوحه کوشش‌ها و زبان‌ورزی‌های شاعرانه و زیباشناسانه ادبی خود قرار دادند.

پس شعر دوره‌ی بازگشت، همانا بازگشت به شعر دوران گذشته و رجوع به دو سبک پیشین خراسانی و عراقی بود. من این موضوع را در ابیات زیر بیان کرده‌ام:

شعر دری چون ملول گشت و تن آسان  
آمد، از هند زی عراق و خراسان  
روی سرایش ز سبک هندی برتافت  
روح خراسانی و عراقی دریافت  
ذوق و هنر را به روشنی و رسایی  
کرد بدین «بازگشت»، راهگشایی  
ذهن و زبان را ز نهر گمشده‌ای خرد  
جانب رود بزرگ شعر دری برد  
گرچه به مضمون و نکته از پی تقلید  
رخ نمود آستان شعر اساتید،  
لیک زبان زنده گشت و ناطقه آزاد  
شاعر آینده را مجال سخن داد



دفاع انقلابیون مشروطه از پل «دوّه‌چی» در تبریز، ۱۲۹۹

زده و به ضربت طعن بکوبند و به باد انتقاد گیرند. از این رو وجود یک زبان روشن و صریح و روان و سلیس شعری بدل به ضرورت زمانه شده بود. پیداست که شعر پر تعقید و معماگونه و پیچیده و فرمالیسم یا شکل‌گرایی مضمون‌پرداز سبک هندی مناسب بیان افکار و اندیشه‌های جدید نبود و آن صراحت و روشنی و رسایی را که شعر دوران مشروطه یعنی صدای شاعران آزادیخواه و منتقد اجتماعی می‌طلبید، نمی‌شد از سنت سبک هندی و از زبان و شیوه‌ی بیان شاعران این مکتب انتظار داشت. اتفاق خجسته‌ی گسست ادبی در دوران زندیه و قاجار و بازگشت به سبک خراسانی (سبک بازگشت) اسباب و ابزار زیباشناسانه‌ی کار شاعران و صراحت زبان و قدرت و استحکام بیان شعری را به شاعران بازگردانده و زمین ناهموار سخن و ادب را کوبیده و راه را پیش پای شاعران «متعهد» دوران مشروطیت هموار ساخته بود.

آوردن مضامین اجتماعی و سیاسی را- چنانکه گفتیم-

از شعبات شعر بود که در آثار برخی از شاعران دوران مشروطیت البته با هدف و در خدمت بیان نظریات و مجادلات سیاسی برخی شاعران مورد استفاده قرار گرفت که در میان آنان به ویژه از عشقی می‌توان نام برد.

پس از این مقدمه‌ی کوتاه اما ضروری به موضوع اصلی این سخن باز می‌گردیم.

گفتیم که همراه با انتشار و طرح نظریات متفکران و منتقدانی همچون میرزا آقاخان و آخوندزاده و رواج بیانیه‌ها و بحث‌های ادبی و نیز وجود بعضی از شعرهای فتح‌الله خان شیبانی و قائم مقام فراهانی زمینه‌ی ظهور شاعرانی چون ادیب الممالک فراهانی، علی اکبر دهخدا، محمد تقی بهار، ایرج میرزا، سید اشرف کیلانی، عارف قزوینی، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده‌ی عشقی و سرانجام علی اسفندیاری یعنی نیما یوشیج فراهم آمد. اما اینهمه تأکید ما بر عنصر زبان در شعر مشروطه و ارتباط آن با زبان شعر دوره‌ی بازگشت برای چیست؟



## در گفتگو با حمیده آرمیده و سیامک دهقانپور: وظیفه سنگین رسانه‌های فارسی‌زبان در پوشش اعتراضات مردم ایران



قدرت ایفا کند.

احمد رأفت با حمیده آرمیده و سیامک دهقانپور دو روزنامه‌نگار با سابقه بخش فارسی «صدای آمریکا» در رابطه با مشکلات رسانه‌های برون‌مرزی در پوشش اخبار داخل کشور و نقشی که این رسانه‌ها می‌توانند ایفا کنند گفتگو کرده است.

دیگر خود برخوردار از زبان کلاسیک بسیار فصیح و متکی بر سبک خراسانی است. به‌خصوص در مثنوی‌های خود به سنای غزنوی و مثنوی‌های وی در «حدیقه الحقیقه» و «کارنامه‌ی بلخ» نظر دارد و زبان شعری او با زبان مثنوی‌های سنایی پهلو می‌زند.

بارها گفته‌ام به شیخ، ابو  
یک کزت کج‌نشین و راست بگو  
کانچه را نام کرده‌ای وجدان  
چیست جز باد کرده در انبان؟  
چون کشی ریشِ احمق است دراز  
ور رها شد درازی‌اش به دو قاز

و نیز در مثنوی بلندی به نام «انشالله گربه است!»:

گردن و سینه در شکم مُدغم  
پای تا سر چو خُم تمام شکم  
هیچ نه جز عمامه و شکمی  
کلمی ضخم بر فراز خُمی  
ریشِ انبوه پُر ز ایشپش و کک  
زیر او اوفتاده تحتِ خنک

در بخش سوم در باره علی اکبر دهخدا بیشتر سخن خواهیم گفت.

[ادامه دارد]

تلویزیون بخش فارسی «صدای آمریکا» چون دیگر رسانه‌های دیداری فارسی‌زبان برون‌مرزی، در کمبود آزادی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در داخل کشور می‌تواند نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و پوشش اخبار مبارزات و اعتراضات مردم و همچنین فساد گسترده نظام و گروه‌های مافیایی در

اکبر صابر (ترکی‌نویس قفقاز)، خود از علی اکبر دهخدا (فارسی‌نویس) متأثر است. به‌خصوص به لحاظ فکری، دهخدا تأثیر فراوانی بر هم‌روزگاران خود و از آن جمله میرزا علی اکبر صابر گذاشته است. بد نیست چند بیت از یک شعر دهخدا به نام «رؤسا و ملت» را بخوانیم:

خاک به سرم بچه به هوش آمده  
بخواب ننه یک‌سر و دو گوش آمده  
گریه نکن لُولُو میاد میخوره  
گُرگه میاد بزبزی رُ مییره  
اِه اِه ننه، آخر چته؟ گشمنه!  
بترکی، اینهمه خوردی کمه؟  
از گشنگی ننه دارم جون میدم  
گریه نکن فردا بهت نون میدم

\*\*\*

خِ خِ خِ خِ خِ خِ - جونم چت شد؟ هاق‌هاق...  
وای خاله چشم‌اش چرا افتاد به طاق

\*\*\*

وای بچه‌م رفت ز کف، رود! رود!  
ماند به من آه و آسف، رود! رود!

در کنار این کوشش‌های نوجوانانه، دهخدا در شعرهای

اندکی پیشتر از دیگران، مصلح مقتول و ایرافدار بزرگ، شاعر و نویسنده‌ی استاد دوران محمد شاه قاجار، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و شاعر توانای دیگری به نام فتح‌الله خان شبانی تا اندازه‌ای آغاز کرده بودند.

شاعران بعدی همچون ایرج میرزا، بهار، فرخی و عارف هم همان شکل و فرم شعر کلاسیک را در خدمت بیان مضامین جدید خود قرار دادند. درواقع شاعران دوران جدید در اواخر عصر قاجاریه از نظر فرم و زبان شعری و سبک سخن، میراثداران بلافصل شاعران پیش از خود بودند و دست در دست شاعرانی داشتند که طی یک دوران صدساله، سنت شعر کلاسیک فارسی را در دو مکتب خراسانی و عراقی احیا کرده و نام «مکتب بازگشت» بر آن نهاده بودند و همین سنت زبانی و ادبی بود که شاعران مشروطیت از آن برخوردار و بهره‌مند شدند.

در این میان علی اکبر دهخدا روزنامه‌نویس و طنزپرداز مبارز پایه‌گذار بزرگ‌ترین فرهنگنامه فارسی که برای خود و در زمان خود دائره‌المعارف بی‌نظیری نیز در زبان فارسی محسوب می‌شد، کوشش‌های تازه‌ای در دو جهت ارائه داد:

نخست، شعرهای هجایی که مضمون آنها نمونه‌ی کامل رئالیسم اجتماعی بود، اما فرمی کاملاً تازه داشت که یادآور شعرها و متل‌های عامیانه بود و غالباً با چاشنی طنزی تلخ همراه بود.

دوم، شعرهای سیاسی و اجتماعی که نخستین رگه‌های شعر به ویژه در شعر معروف او به نام «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» جلوه‌ای روشن و نویدبخش داشت.

همینجا باید گفت که دهخدا معاصر و دوست و همفکر و همکار شاعر بزرگ ایرانی دیگر نیست که در قفقاز به زبان ترکی آذری می‌نوشت و شعر و روزنامه‌نگاری را در خدمت مبارزه با تحجر مذهبی و استبداد سیاسی قرار داده بود. این شاعر و نویسنده میرزا علی اکبر خان طاهرزاده صابر است که به نام «هوپ هوپ» می‌سرود و دیوان او به «هوپ هوپ نامه» مشهور است.

علی اکبرخان صابر به موازات و در ارتباط با دهخدا که با میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل نشریه «صور اسرافیل» را منتشر می‌کرد، اشعار خود را در نشریه‌ی انتقادی و طنزآمیزی به نام «ملا نصرالدین» به چاپ می‌رسانید که جلیل محمد قلی زاده مدیر آن بود و به زبان ترکی آذری در قفقاز منتشر می‌شد.

شعرهای صابر سرشار از انتقادهای تند اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است و لبه‌ی تیز حمله‌ی او متوجه تحجر و قشریت مذهبی و سلطه‌ی مخرب و ویران‌کننده سنت‌های اسارتگر دینی و زعامت جهالت‌پرور ملاحاست. البته استبداد سیاه خاندان‌های حکومتگر و فساد و زورگویی ایادی دربار سلطنت مطلقه‌ی قرون وسطایی و ستمگران نظام ارباب و رعیتی هم از نیشتر طعن و ملامت او بی‌نصیب نماندند.

اشعار صابر به زبانی ساده و قابل درک و دریافت برای عامه‌ی مردم سروده شده و بنیاد مهم‌ترین مضامین شعر او مبتنی بر رئالیسم اجتماعی است.

از نظر فرم، شعر میرزا علی اکبرخان صابر به ترجیع‌بندها و مستزادها و ترکیب‌بندهای شعر کلاسیک فارسی شبیه است و در بسیاری موارد یادآور شعرهای هجایی و متل‌های عامیانه و شعرهای فولکلوریک فارسی است.

علی اکبر دهخدا در شعرهایی که به اوزان هجایی سروده و نیز در ترکیب‌بندهایی که در کنار مقالات طنزآمیز خود در نشریه «صور اسرافیل» منتشر کرده، نظری به این شعرهای «هوپ هوپ» دارد و متقابلاً میرزا علی



نمایش موشک‌های بالستیک در راهپیمایی‌های حکومتی در تهران

## «طرح B» بایدن چه خواهد بود؟ بدون جمهوری اسلامی، احیای خط لوله «ایران- اسرائیل» اصلا سخت نیست!

● بایدن در جریان سفر به اسرائیل تعهد داده برای حفظ و تقویت برتری نظامی اسرائیل اقدام کند و در مقابل تهدیدات چند بُعدی جمهوری اسلامی و گروه‌های جهادی در کنار اسرائیل و شرکای منطقه‌ای بایستد.

● در آمریکا موجی از انتقادات علیه رئیس‌جمهوری آمریکا از سوی جمهوریخواهان به راه افتاده و می‌گویند «حرف‌های بایدن در مورد رژیم ایران با اقدامات او مطابقت ندارد و هیچ اعتباری نه برای آیت‌الله‌ها و نه متحدان آمریکا در منطقه دارد».

● بلومبرگ می‌نویسد رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس به سیاست‌های بایدن مشکوک‌اند و احساس می‌کنند هرچه رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید فقط برای ترغیب آنها به پمپاژ نفت بیشتر به بازار است.

● اروپا با کمبود انرژی روبروست و اگر مطمئن شود تلاش‌های آن برای میانجیگری با هدف لغو تحریم‌های رژیم ایران به بن‌بست رسیده احتمالاً مانعی بر سر راه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی نخواهند بود.

● در ایران نیز کم نیستند کارشناسانی که می‌گویند جمهوری اسلامی در مورد کمبود انرژی در اروپا و اینکه همین موضوع شانس برای توافق با جمهوری اسلامی به هر قیمتی باشد، دچار «اشتباه محاسباتی» شده است چرا که به نظر می‌رسد از میان برداشتن رژیم ایران با حمایت از اعتراضات مردم، آسانتر و دست‌یافتنی‌تر از مذاکرات بی‌سرانجامی باشد که بیست سال است به نتیجه نرسیده و مانند برجام ناپایدار خواهد بود!

در جریان سفر جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا به اسرائیل، او اطمینان داد که ایالات متحده نسبت به حفظ و تقویت «برتری نظامی» اسرائیل در منطقه متعهد است و برای افزایش قدرت بازدارندگی این کشور در برابر هرگونه تهدید یا اقدامات ترکیبی عمل خواهد کرد. برخی تحلیلگران معتقدند این سفر سرآغاز اجرای «طرح B» به عنوان جایگزین برجام است.

بایدن در اورشلیم به مقامات اسرائیلی اطمینان داد هرگز به رژیم ایران اجازه دستیابی به سلاح اتمی را نخواهد داد و واشنگتن آماده است تا از تمام عناصر قدرت خود برای اطمینان از این مسئله استفاده کند. رئیس‌جمهوری آمریکا بر تعهدش برای همکاری با سایر متحدان برای مقابله با تجاوزات و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده رژیم ایران اعم از

توسعه موشکی و یا توسط گروه‌های نیابتی و سازمان‌های تروریستی مانند حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی فلسطین تأکید کرد.

در کنفرانس خبری مشترک رئیس‌جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل یک خبرنگار از بایدن پرسید شما گفته‌اید اطمینان حاصل می‌کنید که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد، آیا معنی آن این است که به اقدام نظامی متوسل می‌شوید؟ رئیس‌جمهوری آمریکا پاسخ داد: «بله، آن آخرین گزینه است».

او در پاسخ به پرسشی درباره توقف مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی گفت، «آمریکا تا ابد منتظر پاسخ ایران درباره مذاکرات احیای برجام نخواهد ماند».

با وجود این مواضع اما موجی از انتقادات از سوی جمهوریخواهان علیه جو بایدن به راه افتاده است. سناتور تام کاتن در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت «حرف‌های جو بایدن در مورد رژیم ایران با اقدامات او مطابقت ندارد... این حرف‌ها نه فقط برای آیت‌الله‌ها حتا برای متحدان ما در منطقه هم تقریباً هیچ اعتباری ندارد».

مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا در توییتی نوشته «به صراحت می‌گویم که اسرائیل مهمترین متحد ما در خاورمیانه است. پرزیدنت بایدن با اسرائیل مانند یک دشمن رفتار می‌کند نه یک دوست قابل اعتماد. در عوض، او رژیم ایران را قدرتمند می‌کند. این برای صلح خاورمیانه و برای امنیت آمریکا بد است».

بایدن پیش از این سفر در داخل آمریکا به خاطر «بی‌نتیجه» ماندن مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی زیر فشار قرار گرفته بود. منتقدان او می‌گویند تیم بایدن نه تنها نتوانست برجام را احیا کند بلکه «طرح B» (گزینه جایگزین) هم برای آن ندارد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در حالی به اسرائیل سفر کرد که دولت این کشور با شرایط ویژه روبروست و اختلاف عمده میان آنها بر سر تشکیل کابینه حتا به کنار رفتن نفتالی بنت منتهی شد. اما با وجود همه اختلافات داخلی در دولت هم تأثیر لاپید نخست‌وزیر موقت و هم بنیامین نتانیاو نخست‌وزیر پیشین اسرائیل (رهبر اپوزیسیون) در دیدار با بایدن یک توصیه مشترک به او داشتند: «دپللماسی با جمهوری اسلامی بی‌نتیجه است و رژیم ایران فقط زبان زور می‌فهمد و داشتن یک گزینه نظامی معتبر ضروری است».

### پیشنهاد پایان مذاکرات اتمی

بابی گوش تحلیلگر «بلومبرگ» می‌نویسد بایدن باید فوری به مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی را پایان دهد. او می‌نویسد بایدن با وعده‌هایی در مورد اولویت دادن به خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحده به قدرت رسید و اکنون به دنبال تقویت نقش رهبری آمریکا در منطقه است اما رهبران اسرائیلی و عرب به مستندات نیاز دارند که نشان دهد بایدن واقعا برای ایفای این نقش جدیست. به ویژه رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس به سیاست‌های بایدن مشکوک‌اند و احساس می‌کنند هرچه رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید فقط برای ترغیب آنها به پمپاژ نفت بیشتر به بازار است.

پیش از این نیکی هیلی سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد نیز در «فاکس نیوز» نوشته بود «تلاش‌های بایدن برای احیای برجام سیلی به صورت اسرائیل و متحدان عرب ماست».

او تأکید کرده بود «رژیم ایران به به روسیه پهباد می‌فروشد و به نیروهای آمریکایی حمله می‌کند اما بایدن هنوز هم می‌خواهد با آیت‌الله‌ها معامله کند».

هیلی همچنین گفته بود مقامات اسرائیلی و عربستان سعودی در حمایت آمریکا از آنها در برابر تهدیدات از جمله در اقدام آمریکا برای جلوگیری از تبدیل شدن رژیم ایران به یک قدرت هسته‌ای تردید دارند.

شماری از تحلیلگران می‌گویند سفر بایدن به منطقه گام‌هایی برای اجرای «طرح B» است و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای موسوم به «ناتو خاورمیانه» با محوریت اسرائیل را چراغ سبز واشنگتن به برخورد نظامی با تهدیدات جمهوری اسلامی می‌داند.

در شرایطی که روسیه جریان صادرات انرژی به اروپا را محدود کرده و رهبران اروپا نگران کمبود گاز در فصل زمستان هستند، ایران که دومین کشور بزرگ دنیا در ذخایر گاز است به خاطر سیاست‌های جمهوری اسلامی با تحریم روبروست. منافع اروپا اقتضاء می‌کرد رهبران آن برای رفع تحریم‌های جمهوری اسلامی از هر راهی که شده میانجیگری کنند اما اگر مطمئن شوند تلاش‌ها به بن‌بست رسیده احتمالاً مانعی بر سر راه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی نخواهند بود. چنانکه جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ماه‌ها پیش از آنکه مذاکرات



## جوبایدن: سپاه پاسداران در فهرست تروریستی باقی خواهد ماند؛

### یائیر لاپید: دیپلماسی با رژیم ایران بی نتیجه است



کنفرانس مطبوعاتی مشترک لاپید و بایدن در تل آویو

یک خبرنگار از بایدن پرسید که شما گفته‌اید اطمینان حاصل می‌کنید که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد، آیا معنی آن این است که به اقدام نظامی متوسل می‌شوید؟ رئیس جمهوری آمریکا پاسخ داد: «بله، آن آخرین گزینه است.»

جو بایدن همچنین در پاسخ به اینکه آیا مقامات اسرائیلی به او اطمینان داده‌اند که بدون اطلاع آمریکا اقدامی در مورد ایران نخواهد کرد، با خنده گفت درباره این موضوع صحبت نمی‌کند.

یائیر لاپید نخست‌وزیر اسرائیل نیز در سخنانی گفت، «دیپلماسی رژیم ایران را متوقف نخواهد کرد... تنها چیزی که آنها را متوقف می‌کند، قرار دادن یک تهدید نظامی معتبر روی میز است.»

نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرد برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باید از زور استفاده کرد.

به گزارش سی‌ان‌ان به نقل از مقامات ارشد آمریکایی، جو بایدن و یائیر لاپید روز پنجشنبه در بیانیه‌ای مشترک بر ضرورت مقابله با تهدیدات رژیم ایران تأکید کردند.

صدور این بیانیه در حالیست که گفته می‌شود بایدن یک طرح جامع جهت منزوی کردن جمهوری اسلامی ارائه داده که نشان می‌دهد امیدها برای بازگشت به توافق اتمی بیش از پیش در حال از بین رفتن است.

در بیانیه مشترک بایدن و لاپید با عنوان «بیانیه اورشلیم» ضمن حمایت از «پیمان ابراهیم» که میراث دونالد ترامپ است بر گسترش روابط امنیتی و اقتصادی میان اعراب و اسرائیل تأکید شده است.

بایدن چهارشنبه شب در مصاحبه با «کانال ۱۳» تلویزیون اسرائیل تأیید کرد که نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را حتا اگر منجر به نابودی توافق هسته‌ای با رژیم ایران شود در فهرست سازمان‌های تروریستی نگه می‌دارد.

● در کنفرانس خبری مشترک رئیس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل یک خبرنگار از بایدن پرسید شما گفته‌اید اطمینان حاصل می‌کنید که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد، آیا معنی آن این است که به اقدام نظامی متوسل می‌شوید؟ رئیس جمهوری آمریکا پاسخ داد: «بله، آن آخرین گزینه است.»

● بایدن تأکید کرد «دیپلماسی بهترین گزینه برای جلوگیری از دستیابی آنها به تسلیحات هسته‌ای است» اما یائیر لاپید گفت «دیپلماسی رژیم ایران را متوقف نخواهد کرد... تنها چیزی که آنها را متوقف می‌کند، قرار دادن یک تهدید نظامی معتبر روی میز است.»

جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده و یائیر لاپید نخست‌وزیر اسرائیل پنجشنبه ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیرماه) در یک کنفرانس خبری مشترک حاضر شدند و به پرسش‌ها درباره سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور با تمرکز بر تهدیدات جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامیان وابسته به تهران پاسخ دادند. جو بایدن گفت که با نخست‌وزیر اسرائیل درباره اینکه جمهوری اسلامی هرگز نباید به سلاح اتمی دست یابد موافق است اما افزود «دیپلماسی بهترین گزینه برای جلوگیری از دستیابی آنها به تسلیحات هسته‌ای است.»

بایدن همچنین تأکید کرد، «برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای و تهدید گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی مسائلی است که باید به آنها رسیدگی شود.»

او در پاسخ به پرسشی درباره توقف مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی گفت، «آمریکا تا ابد منتظر پاسخ ایران درباره مذاکرات احیای برجام نخواهد ماند.» او افزود: «دولتش به کادر رهبری [رژیم] ایران گفته است چه شرایطی برای بازگشت به برجام دارد و هنوز منتظر جواب آنهاست.»

وین و دوحه به شکست بینجامد به تهران هشدار

داد «گزینه بعدی چیز خوبی نیست.»

روزنامه انگلیسی «گاردین» آوریل ۲۰۲۱ (ماه فروردین) گزارش داده بود که جمهوری اسلامی انواع سلاح و مهمات را مستقیم و غیرمستقیم به روسیه تحویل داده تا در جنگ اوکراین استفاده کند. غربی‌ها از این واقعیت آگاه بودند اما جوزپ بورل و دستیارش انریکه مورا و همچنین رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا برای ادامه مذاکره با رژیم ایران برنامه ریزی کردند. بی‌نتیجه ماندن مذاکرات دوحه و به حداقل رسیدن شانس معامله با رژیم ایران احتمالاً در مواضع دیرهنگام دولت بایدن علیه ارسال تسلیحات نظامی از جمله پهپادهای انتحاری ساخت ایران به روسیه تأثیر مستقیم داشته است.

در آمریکا از یک سال پیش به بایدن توصیه کرده بودند «طرح B» می‌تواند بر اساس تمرکز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روی ابعاد نظامی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی تنظیم شود. آژانس در آخرین گزارش خود که حاصل آن محکومیت رژیم ایران در شورای حکام بود تأکید کرد جمهوری اسلامی پاسخگوی آثار اورانیوم کشف شده با منشاء انسانی در سایت‌های اعلام نشده نیست و تنها چند هفته با دستیابی به اورانیوم کافی برای ساخت بمب اتم فاصله دارد.

بسیاری از آنها که وضعیت ایران و منطقه را از نزدیک دنبال می‌کنند به اروپا و آمریکا هشدار داده بودند هرگونه معامله با جمهوری اسلامی به نتیجه نمی‌رسد و در نهایت به ضرر خود آنها و مردم ایران است. از این رو توصیه می‌کنند بجای آنکه فکر توافق با رژیم ایران باشند برای سرنگونی آن با مردم ایران همراهی کنند. این راه خیلی بهتر و کم‌هزینه‌تر و پایدارتر از ورود به جنگ با شرایط غیرقابل پیش‌بینی است. ایران سرشار از ذخایر نفت و گاز است و سرمایه‌گذاری خارجی در آن می‌تواند بخش عمده نیازهای اروپا به انرژی را جبران کند اما اصلی‌ترین مانع رژیم ایران است.

اگر جمهوری اسلامی سرنگون شود احیای خط لوله نفت ایران- اسرائیل (ایلات- اشکلون) که تا قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ فعال بود از نظر فنی کار پیچیده‌ای نیست. با این خط لوله صادرات انرژی از ایران به قلب اروپا در کوتاه‌ترین زمان فراهم می‌شود.

با عادی شدن روابط اسرائیل و کشورهای عربی بعد از «پیمان ابراهیم» تأمین امنیت این خط لوله ممکن است و از آن مهمتر به کاهش وابستگی ایران به صادرات نفت و گاز به چین و هند کمک می‌کند.

فشار به کشورهای عربی منطقه برای افزایش تولید نفت و گاز به هدف جبران کمبود انرژی در اروپا تا حدی پاسخگو است. رهبران کشورهای عربی منطقه بارها تجربه کرده‌اند که با برطرف شدن نیاز غربی‌ها به انرژی آنها را همچنان ترجیح خواهند داد. در دوره دونالد ترامپ آنچه به جمهوری اسلامی ضربه می‌زد افزایش تولید نفت عربستان بود اما پس از حمله روسیه به اوکراین وضعیت تغییر کرده است. اگر اروپا نتواند کمبود انرژی خود را از ایران را تأمین کند آنوقت مجبور به توقف مباحثات با جمهوری اسلامی خواهد شد. در ایران نیز کم نیستند کارشناسانی که می‌گویند جمهوری اسلامی در مورد کمبود انرژی در اروپا و اینکه همین موضوع شانس برای توافق با جمهوری اسلامی به هر قیمتی باشد، دچار «اشتباه محاسباتی» شده است چرا که به نظر می‌رسد از میان برداشتن رژیم ایران با حمایت از اعتراضات مردم، آسانتر و دست‌یافتنی‌تر از مذاکرات بی‌سرانجامی باشد که بیست سال است به نتیجه نرسیده و مانند برجام ناپایدار خواهد بود!



جو بايدن رئيس جمهورى آمريکا و محمد بن سلمان وليعهد عربستان / جدہ / ۱۵ ژوئيه ۲۰۲۲